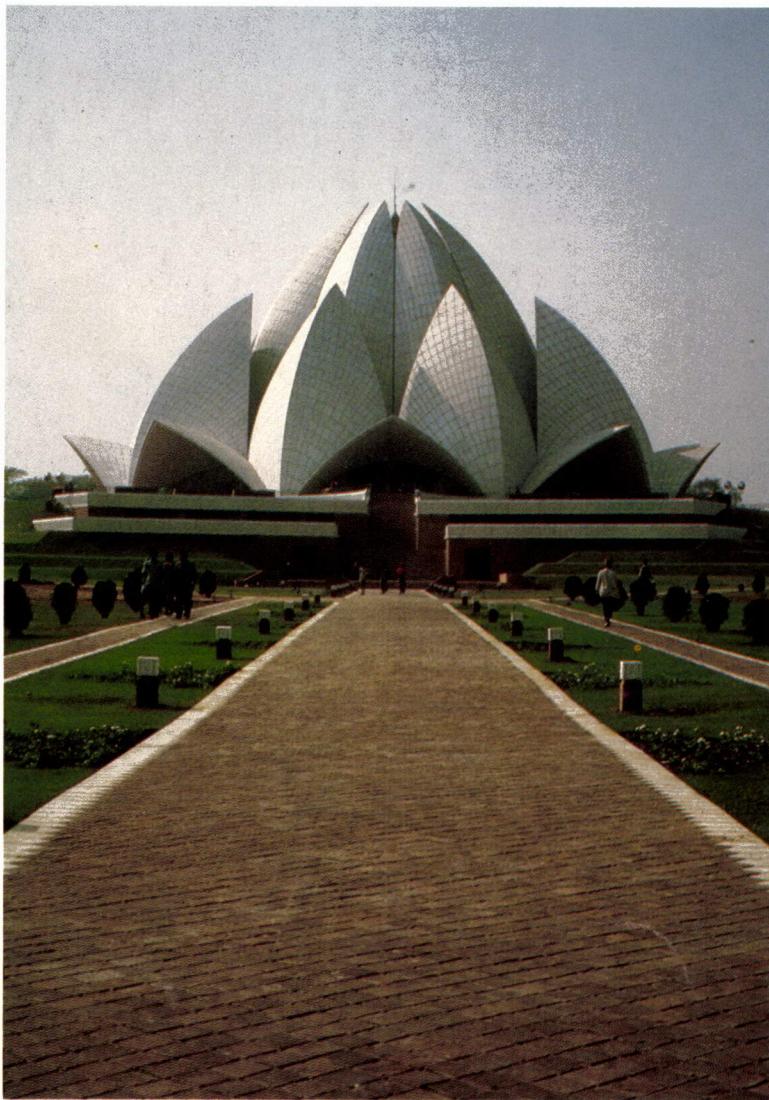


عندليب





عبداللہ

نشریہ مغل روحاںی علمی بھائیان کام اور زبان فارسی



شماره بیستم «منس»

No. 20

سال پنجم

volume V

۱۴۳
بدیع

پائیز ۱۳۶۵ شمسی

Fall 1986

'Andalib
7200 Leslie Street,
Thornhill, Ontario L3T 6L8

حُشْ چاپ محفوظ است

فهرست مُندرجات

صفحه

- آثار قلم اعلی (مرحمتی معهد اعلی بواسطه دارالانشاء) ۳
- الواح مبارکه حضرت مولیالوری (مرحمتی معهد اعلی بواسطه دارالانشاء) ۴ و ۵
- سرمقاله : مشرق الاذکار ۶ تا ۱۸
- نطق مشاور قاره‌ای حنا بادیب طاهرزاده ۹ تا ۱۸
- استقرار خیمه مجد رب در جبل مقدس کرمل ۲۱ تا ۲۱
- نحوه اظهارا مر حضرت بهاءالله حل حلاله ۲۵ تا ۲۵
- تاریخ زرین شهادت : ۷
- (الف) شهید مجید کامران لطفی علیه رضوان الله ۲۱ تا ۲۶
- (ب) شرح حیات و شهادت حناب وحدت نظامی علیه رضوان الله ۲۸ تا ۳۲
- نامه یکی از عزیزان زندانی ۳۹
- یکی از نامهای شهید محبید حناب شاپور مرکزی علیه رضوان الله ۴۰ تا ۴۱
- مراسم غرس بوته‌های گل سرخ ۴۲ تا ۴۳
- معرفی و بحثی درباره کتاب "بهائیان وایران" ۴۴ تا ۴۶
- یادی از گذشتگان ۴۷ تا ۴۸
- صعود ایادی محبوب امرالله، حناب ذکرالله خادم علیه رضوان الله ۴۹
- یکی از نامهای جناب ذکرالله خادم، ایادی محبوب امرالله ۵۰ تا ۵۲
- صعود شاعر فرزانه بهائی نعمتالله ذکائی بیضاً علیه رضوان الله ۵۳
- تصمین غزلی از متصاعد الى الله حناب ذکائی بیضاً ۵۴
- معبد نیلوفری ۵۵ تا ۵۶
- قسمت جوانان: سفر دوحوان بهائی به هنگ‌کنگ و آفریقا ۵۷ تا ۵۹
- خطابه امهم البهاء روحیه‌خانم نماینده محترم بیت‌العدل اعظم الہی ۶۰
- در مراسم افتتاح مشرق‌الاذکار هند ۶۱ تا ۶۹
- رپرتاژ جشن افتتاحیه مشرق‌الاذکار هند ۷۰ تا ۷۲
- یک خبر از کانادا - فرهنگ لغات منتخبه ۷۳ تا ۷۴
- اخبار و بشارات امریکا ۷۴ تا ۷۷
- اخبار مصور ۷۸
- آگهی انجمان مطالعات بهائی ۷۹ تا ۸۰
- نامه‌هایی از دوستان ۷۹ تا ۸۰

عکسها : - روی حلد : مشرق‌الاذکار هندوستان (فرستنده : حناب مهندس صهبا)

- داخل روی حلد : عده‌ای از احباب در حضور حضرت عبدالبهاء (فرستنده : حناب منصور سمندری)

- پشت حلد داخل و خارج : عکس‌های تاریخی مربوط به اطلاعیه محله

عنده لیب شماره ۱۹ صفحه ۳۸ .

جال قدم جل جلاله ميرمايد :

بسمِ الذَّيْ بَدَلَ لَهُ الشَّرْ بِحَتْ بَهْزِيرِ الْبَاتِ

اَحْمَدَ لَهُ الدَّيْ بَدَلَ اَعْضَبَ وَالْقَهْرَ بِالرَّحْمَةِ وَالْفَضْرَ وَقَدْ لَكَلَّ قَطْرَةً مِنْ دَمَارِ
شَهْدَاهُ خَلْقَهُ لِنَصْرَهُ اَمْرَهُ الْمُبْرُمَ اَحْسَكِيمْ وَاحْمَدَ لَهُ الدَّيْ رَفَعَ عَلَمَ الْاَقْتَدَارِ
مَرَّةً بِاَمْنَاهُ وَصَفْيَاهُ وَاحْجَرَی بِاعْدَاهُ اَنَّهُ هُوَ الْمُفْتَدِرُ الَّذِي لَا تَعْنَى اِرَادَاتُ
خَلْقَهُ عَمَّا اَرَادَ وَهُوَ الْمُقْدَرُ لِعَسِيْمَ لَهُ اَحْمَدَ وَارْدَشَدَ بِرَأْوِيلِيَا. اَرْضَ يَا آپَچَهُ كَهْ سَبَبَ
طَهُورَاتٍ طَهُورٍ وَنَصْرَاسَتٍ اَگْرَائِينَ مَقَامَ وَمَاسِرَفَنِيَهُ اَرْقَمَ جَارِيٍ شَوَّدَ جَمِيعَ اَحْرَابَ
عَالَمٍ خُودَ رَاطَافَ حَولَ مَشَاهِدَهُ نَمَائِدَ . . .



اللهُ أَبْحِي

امی یارانَ الَّهِ اگر مطلع برآس را الطافَ الَّهِ گردید از فرط شفَ غلبه شفَ
جامسه بدرید و بر پرید و بغره یا بشرمی زنید سخنات عین عناست جمال احادیث
همواره منعطف بشما و امواج در مایی الصاف مهاجم بر شما از نوز ملکوت ابھی رویان
روشن و از قصیض ملا. علی خویان گلشن از نیم صبح الَّهِ دلهازمه و از نیم
جهت غیر متسماهی بهادر خنده دوستان جمال قدیم روحي لاجبه لهدا و
یاران اسم عظیمید ذاتی لاصفی آن الفدا در ملکوت تقدیس نذکورید و در جبروت
توحید مشهور تا توایند دست بد امن عبودیت جمال ابھی زنید و پیرامن بندگی
آش ناش گردید چه که تاج راس هاست و افسر بزرگواری هر پسر و بنت
بندگیش آزادگیست و کهریش مهری آسمانی مقامی عظم از این از برای متصور نیا.

ع ع

هواي البحبي

اکي شمع حب اگر در زجاجه مکوت ابھي شعده افروزی خواهی در این ناسوت
ادنی جانقشاني کن و اگر در بحر عطف غوطه خوری جوئی در بیداعشق سرگردان
شو و اگر مقام خلت طلبی در آتش نمودی بردا او سلام جو و اگر شعله طور لمعه
نور جوئی در بر یه سینا بجان بشتاب و اگر مقام حصوری جوئی چون یکجی سرو
جان فداما و اگر نفحات سید الشهداء استمام خواهی در دشت کرب و بلا
خون خویش سبیل کن هدا شان العثاق و هدا وصف المشاق.

ع ع



طوبی لمز توجہ لے مفتر الاذکار

ذکر امتند کرام استغفاراً ...

رسید . در تھا یت اشتیاق ب دیدا رش شتافتہ و اسلوب بدیع و سبک نوینش را تحسین و تمجید نموده و صفاتی سرون و روحانیت و معنویت درونش را ستودند .

باتائید و توفیق رب علیم
بے فضل و به احسان حی قدیم
در خشید بر تارک خاک هند
بنائی مجلل مقامی عظیم
مقامی متور به اذکار دوست
مکانی مکلّل به ذریتیم
پدید آمد آن گوهر تابناک
بفرمان یکتا ، خدای کریم
سخن گوییم از پایگاه گلی
که بر فرق معبدشستی مقیم
به اقبال این نوگل تازه رو
شود خطه هند عنبرشمیم
نباشد عجب گر که عطر ثنا
پراکنده زین گل شود بانسیم

طرفه حکایتی است در این عصر و زمان که عالم امکان بعلت عدم شنا سائی مظہر الہی و بی اعتنائی به مبانی واصل روحانی و اخلاقی و ترویج لامذهبی و تعمیم خرافات و عدم اعتدال در شئون مادی گرفتار اضطرابات و انقلابات گوناگون شده و شام تیره و تاری را میگذراند ، اهل بھا بتائید الہی هر روز نیا ظرف و نصرت جدیدی در امر الہی بوده و ترقیات روز افزونش را برعایت العین می

شکر و سپاس جمال بھی را سزا که بتائید است غیبیه و قوه جذبیه ملکوتیه اش شبہ قاره هند به نوگلی زیبا که مظہر صفا و یکتا پرستی است آراسته شد و مشرق الاذکار در آن خطہ وسیعه با اسلوبی بدیع و جلوه ای آسمانی بهداشت معهد اعلی و کوشش شبانه روزی و فدائکاری مهندسی بلند پایه اتمام پذیرفت و با برگزاری جشنی بزرگ و فرخنده با حضور نماينده محترم بیت لعدل اعظم الہی ایادی امرالله امۃ البهاء حرم مبارک روحیه خانم و ایادیان امرالله جناب ولیلیام سیرز و جناب کالیس فدرستون و وجه ناضر چندین هزار احباب با وفا ، گشايش یافت .

دیری نپاید که طوطیان هند از این قند پا رسی شکر شکن شوند و بلبلان خوش نوا در آن گلزار پر طراوت فرح افرا به اذکار پروردگار یکتا پردازند و امرالله در آن کشور پهناور که مرکز ادیان و مذاہب و مسالک متنوعه و معابد متعدد است جلوه ای محیر العقول نماید و نفحات طیبہ گلشن بقا و طیب ثنا به اثر ادعیه خالصانه مشتاقانه محباں جمال جانان جمیع اقطار آن دیا ررا معطر و معنیر نماید و صح هدایت در آن اقلیم طالع و انوارش آن مژزو بوم را روش و منیر سازد .

هنوز این بنا پایان نیافته بود که آوازه اش بلند شد و بگوش هوشیاران جهان و ارباب فن

وامثال اینگونه امور خیریه و عمومی در نظر گرفته شده است و در حقیقت میتوان گفت که در آئین آسمانی بهائی عبادت با خدمت بخلق توانم و محبت الله، سماحت و خدمت به بندگان خدا لازم و ملزم شمرده شده است. بدینه است ارتفاع اینگونه تاء سیاست با مرورهای متوجه کل موقول بوقت مقتضی و فرصت مناسب است.

یاران معنوی بخوبی آگاهند که صوم و صلاة وتلاوت آیات در هر صبح و شام از نصوص قاطعه و از فرائض حتمیه اهل بهاء است، ولکن ذکر الهی و مناجات با محبوب سی انباز در آثار مبارکه خارج از احصاء تاء کید شده. موئیدان بیان ادعیه و مناجاتهای نازله از اقلام طلعت مقدسه این ظهور اعظم است که از لحظه الفاظ ومعانی بی مثیل و نظیر بوده و در هیچیک از ادیان سالفه مشابهش دیده نشده است، اگرچه بعضی از ادعیه و مناجاتها بلحاظ خواستی معین نازل گشته ما نند الواح مبارکه شفا و دعای طلب بی رنجی و امثالهم، ولکن خواسته اهمواره چنین نیست. روی این اصل کثیری از مناجاتهای وداعها استفاده باستان الهی بمنظور طلب تائید و موفقیت در تبلیغ و خدمت ورجای رشد و بلوغ روحانی و وصول بکمال معنوی و طلب استقامت در بیان درسیل خدا و ندیکتا واستدعاءی عفو و غفران و وصول بمعارج عزّلقارا در عالم بقا و سایر امور روحانی و کمالات معنوی میباشد که مواردش بسیار و بیانش ممکن است با اختصار است.

ما اهل بهاء ایمان و اعتقاد داریم که بدون موهبت جمال قدم و عنایت اسم اعظم هرگز نجاح و فلاح و رستگاری و پایداری در بیان نصیب نگردد، و کمال و فضائل انسانی و رشد و بلوغ روحانی بdestنیاید، لهذا مناجات و ادعیه وسائل ارتباط و اتصال و گفتگوی عبداللیل با رب جلیل و نقص صرف ساکمال مطلق است.

البته بهائیان دعا و مناجات را بدون طمع

بینند. جمیع این امور و پیشرفتها با ثر فضل و موهبت جمال قدم جل جلاله و هدایت و ارشاد مرجع کل، بیت العدل اعظم الهی و همت و کوشش یاران با وفا نصیب اهل بهاء گردیده. البته این از نتایج سحر است، باید منتظر بود تا صبح دولتش بدمد و آفاق را روشن و منیر سازد. لذا شایسته است که با تمام وجودی محمد و شنا پرداخته و شکر الهی را بجا آورد و از کم و بیش این جهان فانی آزرده و غمگین نشده بشادمانی و کامرانی و عیش روحانی و خدمت با مرالله پردازیم.

در دنیا نت بهائی مشرق لاذکا رمکانی است برای تضرع و ابتلاء و استغاثه و مناجات بندگان ناتوان باستان خدا و ندمقدتر مهریان و در آنجاست که ترا رب روبه رب الارباب آورده و در نهایت خضوع و خشوع و انکسار بالقلبی پاک و روحی تابناک عنایاش را رجا مینماید و طلب توفیق و تائید میکند و آنچه لازمه گفتگوی عبداللیل با رب جلیل صفاتی درون و پاکی برون و توجه کامل است، لهذا مشارق اذکار از وجود صور و تماثیل، با وجود نفاست چون نظر آدمی را بخود جلب و جذب کرده و حبیب را از محبوب باز میدارد مُبر است.

ناگفته نماند که عمارت مشارق اذکار که تا حال در عالم تاء سیس و بنا شده اند بنای اظهار و تائید اکثر ناظران ابهت و جلال ظاهری و معنویت و روحانیت خاصی را دارا هستند و این قولی است که جملگی برآنند.

نکته مهمی که ذکر شد لازم بنتظر میرسد این است که مشرق لاذکار با وجودیکه صرف "به منظور ترتیل آیات و تلاوت مناجات و تضرع و ابتلاء مرتفع میگردد و مکان عبادت است، معهذا دارای موئسسات و منظمات و استهای است که برای خدمات عالم منفعه و توسعه فرهنگ و دانش و کمک و مساعدت به ضعفا و ناتوانان

و دلهاي سوخته و جسمان اشكبار از خشيه الله تلاوت گردد البته اثرش شدیدتر و نفوذش بيشتر زيرا در جنین حالت قلب انسان بعانيايت حضرت رحمن مطمئن شده و روح سير ملکوت مينمايد.

درا بنمقام يكى از آثار حضرت مولى السورى تبرکاً و تيمناً ذيلاً نقل ميكردد قوله الاحلى: "دعا واسطه ارتباط ميانه حق و خلق است و سبب توجه و تعلق قلب ، هرگز فيض از اعلى به ادنى بدون واسطه تعلق و ارتباط حاصل نگردد اينست كه بنده باید بدرگاه احاديث تضرع و ابتهايل نماید و نماز و نياز آرد . " انتهى . (نقل از كتاب مائده آسماني -)

البته آيد روزى كه در هر بلد و قريه بنائي در نهايت عظمت و جلال بنام مشرق الاذكار مرتفع شود وياران مليك مختار درآن امكانه مقدسه باذكار پروردگار پردازنده ، ولی ما دام که اين آرزو جامه عمل نپوشide و موقع تحقiqش نرسيده ياران ميتوانند در هر نقطه و محل که ساكنند مشورت و تصويب محافل مقدسه روحانيه محلیه خویش مكانی يا اطلاقی را بدین منظور بنام مشرق الاذكار اختصاص دهند و در اسحار با خدای خود به راز و نياز پردازند و بدين و سيله عنایات اورا طالب و تائيد و توفيقش را سائل و آمل شوند ، باشد که الطافش شا مل گردد و بخاش يشش کامل تا باستظهار لطف و مكرمت و تائيد و توفيقش قيامي عاشقاتهنمائيم و بقيت عمر فاني را صرف خدمت امر اعظم الله کنيم و در ميدان تبلیغ و هجرت و عبوديت و خدمت گوي سعادت از همگنان بربائيم .

همشه شاد و خرم سا شيد .

فاني - روح الله مدير مسيحائى



به بهشت و خوف از دوزخ صرفا " بعشوق و حب الله و ذكر دوست معنوی تلاوت مينمايند و قلوب خود را با ذكر الله از غبار هوی و هوسرفسانی پاک و مطهر ميسازند و ارواح را بعانيايت محبوب بى مثال مستبشر و بدين و سيله تقرب الى الله مي جويند .

واضح است كه بهترین و خوشترين اوقات برای دعا و مناجات اسحار است و عاليترين کلمات والفاظ كه ازان شيرينتر و جدا بترا نميتوان يافت کلام الله و مناجاتهای اين ظهور صمدانی است .

ذيلاً" قسمتی از يكى از مناجاتهای حضرت عبدالبهاء ارواح العالمین لعيودية الفداء زيب اين مقال ميشود قوله العزيز :

" الله لاتعا ملنی بخطیئاتی بل عا ملنی بفضلک و رحمتك و انلنی کاس عفوک و مفترتك الله الله لئن خیتنی من یوملنی و ان حرمتني من یدعوني انى قصدت ابوا رحمتك و فیناه احادیتك ای رحمان ای رحیم دلی چون مرآت الله صافی عطا کن تابه انوار محبت روشن و منیر گردد و به الها مات روحانيه و معنویه ملهم فرما تعالیم وجود را چون بهشت برین نماید " انتهى .

چه کلامی افصح و ابلغ و اکمل و افضل از اين کلمات دریيات ميتوان يافت که بتواند روح را صفا بخشند و غبار نفس و هوی و خواستهای مادی بشری را از قلوب بزدايد و حبيب را به محبوب آنچنان نزديک سازد که در مقام راز و نياز با محبوب بى انباز قصد فیناه احادیثش نماید وفضل و رحمت و عفو و مفترتش را طالب شود .

باری در شريعت مقدسه بهائي دعا و مناجات امری حياتی وواجب و بسیار مهم است ، خاصه اگر در اسحار در مشارقا ذکار بآلحان خوش

نُطقِ جَنَابِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ در جمیع احبابی ایرانی در توران

«نقش باختصار»

بسیار مفترم و شکرگزار درگاه جمال قدم که در چنین محفلی نورانی احبابی الهی را ملاقات مینمایم ، زیرا واقعاً "و حقيقة" بعد از آیات الهی هیچ فیضی بالاتر از ملاقات احباء نیست . جمال مبارک میفرمایند : "من اراد ان یاء نس مع الله فلیاء نس مع احباه" .

اگر کسی بخواهد با خدا نس بگیرد با احبابی الهی انس میگیرد . فرصتی نصیب من شده که در حضور شما صحبت کنم ، این از فیوضات جمال مبارک است که یک چنین عشق و محبت و انس و الفتی در قلوب احباء ایجاد فرموده . حضرت ولی امرالله در یکی از توقعیات مبارکه که الان بخاطر آمد با این مضمون میفرمایند : "مهر و محبت و شفقت نصایح پیشینیان بوده در این دور مبارک اهل بهاء بجان فشانی ماء مورنده" . یعنی مهر و محبت برای اهل بهاء کافی نیست ، حافظانی لازم است که مقامش برتر از مهر و محبت است . ساید مراتب محبت و عشق و علاقه بین یاران طوری باشد که جان فدائی یکدیگر نمایند .

چندی پیش در یکی از شهرهای پر جمعیت اروپا حرکت میکردم ، وسط خیابان بودم . شما میدانید در وسط خیابان با وجودیکه صدها نفر از بله‌لوی انسان رد میشوند که ابدا" انسان متوجه نیست ، ناگهان در آنطرف خیابان چشم بیکنفر افتاد که بهائی نبود ولی مکرر در محافل تبلیغی شرکت نموده بود و اسم جمال مبارک را بتکرار شنیده بود . قلبم بحرکت آمد ، با خود گفتم این شخص بعلت آنکه نام جمال مبارک بگوشش رسیده ممتاز از دیگران است . جمال قدم به این مضمون میفرمایند : "نام مران زد برگان یاد کنید" . حالا فکر کنید شخصی را که دیدم ایمان نداشت جون اسم جمال مبارک را شنیده بود چنین حالتی بمن دستداد ، پس اگر کسی موء من بحمل مبارک باشد چه تفاوتی دارد . میفرمایند : "کسانیکه ایمان کامل دارند اگر مقاماتشان در این عالم کشف شود کمال منتصق شوند" . این است که اگر انسان بصورت یکی از احباء واقعاً "نگاه کند خواه بشناسد یا نشاسد اثری از جمال مبارک در آن صورت می‌بیند ، این را بیقین بدانید .

البته نقائص بشری بسیار است ، انسان وقتی بخود نگاه میکند خود را مرکز نقائص می‌باید ، ولی وقتی چشم بصورت احبابی الهی میافتد اگر توجهش بحمل مبارک باشد اثری از آثار جمال مبارک در آن صورت میبینند ، لذا هیچگونه نقصی را نمی‌بیند . بدین جهات است که بینده عرض کردم خوشوقتم که در حضور احباء مشرف هستم ، این بزرگترین نعمت و سعادت است . امیدوارم بعداً بتوانم یکایک شما عزیزان را حضوراً" ملاقات نمایم .

احباء عزیز امروز امر جمال مبارک وارد مرحله جدیدی شده . چند ماه پیش جلسه

بسیار بزرگی از مشاورین تشکیل شده بود و جمیع مشاورین از قارات عالم در ارض اقدس مجتمع شده بودند و اعضای بیتالعدل اعظم نیز در جلسات شرکت فرمودند، همچنین چند نفر از ایادی هم حضور داشته اند در این مجمع حقیقتی بر جمع ما کشف شد و آن این است که امر مبارک وارد مرحله جدیدی شده است.

روزی که ما مشرف بودیم بیانیه مورخه دوم زانویه صادره از بیتالعدل اعظم خطاب به اهل بیان قرائت شد و در این بیانیه بصراحت ذکر شده که امر جمال مبارک وارد مرحله جدیدی میشود، یعنی عهد چهارم عصر تکوین.

در اثر ورود باین مرحله وقایع بسیار بزرگی در امر جمال مبارک اتفاق خواهد افتاد - اول حوادث و وقایع دنیا:

اوپا ع دنیا بفرموده جمال مبارک روزبروز بدتر میشوده تصور اوپا ع بهتر مخالف بیان مبارک است. ما ایمان داریم که تمام بیانات مبارکه تحقق پیدا میکنند. جمال مبارک به این مضمون میفرمایند: "دنیا یوما" فیوما" بدتر میشود، یعنی فردا از امروز بدتر خواهد شد. میفرمایند: "اذا تمّت المیقات یظہربغتةً ما یرتعدیه فرائص العالم" حضرت ولی‌الله میفرمایند: "این امور هنوز واقع نشده". آثار و بیانات حضرت ولی‌الله بربان انگلیسی و فارسی موجود است که میفرمایند: "طبق بیان جمال مبارک اوپا ع دنیا روزبروز بدتر خواهد شد".

گمان نکنید با بیانیه وعده صلح جهانی صادره از معهد اعلیٰ خطاب به اهل عالم دنیا عوض خواهد شد. البته میدانیم و یقین داریم که صلح اصغر در این عالم ایجاد خواهد شد، روی این اصل است که بیتالعدل اعظم بمنظور اتمام حجت به نوع شر، این پیام عظیم را صادر فرموده‌اند و در این پیام متذکر شده‌اند" این صلحی که ما صحبت‌ش را میکنیم یا بعد از بلایای فوق‌الحد شدید تحقق خواهد یافتو یا آنکه اگر بشر حاضر باشد الان هم میتواند اوپا ع را عوض‌کند تا بلایا بر او وارد نشوده ما اهل بیان میدانیم که ابداً" شکی در بیانات البته نیست و کلا" تحقق می‌باید.

در ساره آینده دنیا بیانات مبارکه در کتاب انگلیسی "Message to Bahai's World" صفحه ۱۵۳، کاملاً صریح و روشن است، آنها که انگلیسی میدانند مراجعه کنند. مثل آنست که الان هیکل مبارک در این اطاق جالست و میفرمایند الان باید چه واقع شود و وقایع امروز را واضحًا "مشهودا" بیان فرموده‌اند: "تا آنجا اوپا ع دنیا بد میشود که جمیع روئسای امور مستاء صل میشوند هرج و مرچ دنیا را احاطه میکند، شهرها میسوزد، هوای ارض مسموم میشود و بعد میفرمایند: "اینها مقدمه است و یا همراه آن عذاب‌کثیر اکبری است که باید واقع شود، اینست که باید تصور کنیم که این اوپا ع امروز ما و زندگانی راحت و آسایشی که داریم بهمین حال باقی خواهد ماند و البته تمامش از بین خواهد رفت.

آثار مبارکه را بخوانید و ببینید چه وقایع وخیمه‌ای در پیش است. حتی حضرت

عبدالبیاء بیانی ساین مضمون میفرمایند: "اگر بخواهیم شرحش را بدھیم کسی طاقت شنیدنش را ندارد" ه درست بخاطر دارم وقتی طفل بودم حضرت ولی‌امرا لله بیانات حضرت عبدالبیاء را بمنتظر تذکر و تنبیه تکرار میفرمودند و احباء را آماده میساختند برای یک انقلاب عمومی دنیا ه درهمان دوره طفولیت میدانستم که انقلاب شدیدی در دنیا خواهد شد ، حتی خواهد شد و از بچگی ایمان داشتم که این حنگ واقع خواهد شد، شکی نداشتم ه در آن موقع بندۀ بمدرسه زردشتیها میرفتم، چون مدرسه مسلمان‌هادر یزد راهنمیدادند، در آنجا نفوسنسبتاً سالمتر بودند و من برای دوستان خود میگفتم که جنگی شدید واقع خواهد شده بجهه‌ها میگفتند این عقلش خراب شده ، هیچکس در آن ایام فکر جنگ نمیکرده

این مطالب را از این حجت عرض میکنم که مخصوصاً "حوانان هوشیار باشد و بدانند آنچه در آثار مبارکه نازل شده و مارا اخبار فرموده‌اند واقع شده و میشوده شما حوانان خوب میدانید که اوضاع دنیا چگونه است ه روزنامه‌ها را میخوانید و میبینید هر روز از روز قل بدلتر است ه کار بحائی خواهد رسید که شیرازه عالم طبق بیانات مبارکه بهم خواهد خورد ه

مطلوب دیگری که دارای اهمیت است اینکه خصت ولی‌امرا لله در توقعات مبارکه مکرر فرموده‌اند که اساس دیانت بهائی و موئسسات امریه و احباء ثابت و راسخ که قائم به خدمتند و بر تاء سیس محافل روحانیه ساعی و کوشان ، محفوظند ه این بیان نه با نجہت است که ما بفکر حفظ خودمان باشیم ، چون وقتی بلایا نازل شد ما هم بی‌نصیب نخواهیم بوده منتهی مراتب حفظ الہی بجهت حفظ امرالله است، زیرا بعد ازان انقلاب‌آتیه دنیا تمام آنچه که واقع شده برای این بوده که امرجمال مبارک در عالم حلوه کند و نفوذ فوق العاده نماید جمال مبارک با این مضمون میفرمایند: "بعد از آنکه شیرازه عالم بهم خورد اذا" ترتفع الاعلام و تفرد العناidel علی‌الافتان "، یعنی در آن موقع اعلام نصرت الہی بلند میشود و بلبلان برشاخه‌ها نغمه‌سرایی میکنند ه بدین جهت انقلابات دنیا مدد شریعت‌الله است و وسیله انتشار امرجمال مبارک ه تا بشر عذاب نکشد ، تتبه حاصل نخواهد کرد که کلام الہی را بشنود ، روی این اصل عذاب خواهد آمد، عذابی که هیکا، مبارک میفرمایند: "عذاب کبیر اکبر" ه البته همه اینها باید در این قرن واقع شود، زیرا مقدمه پیش آنگی است تا صلح اصغر در عالم تاء سیس‌گردد و بدون این انقلاب اوضاع دنیا درست نخواهد شده اینست که اهل بهاء باید مطمئن باشند و بیقین بدانند که جمال مبارک نفوسي را که با تما وجود در تاء سیس موئسسات امریه خدمت می‌نمایند حفظ میفرمایند ه

مطلوبی میخواهم عرض کنم که به حل این مسائل کمک میکند و آن مربوط با اصل خلقت است ه جریان اصل خلقت در امر جمال مبارک جاری و نافذ است و بهترین مثالی که در این زمینه میتوان ذکر نمود مثال تخم مرغ است ه شما یک تخم مرغ را در نظر بگیرید که غذائی کامل است و در داخل آن تعادل نیز موجود است ه وقتی نطفه حوجه در این تخم مرغ بسته شد و حوجه شروع برشد نمود، این حالت تعادل بهم میخورد و مواد داخل تخم مرغ

هم کم کم فاسد میگردد، تا آنجا که جوجه محاط بر مواد فاسد شده که غذای اوسست میگردد و وجود جوجه در داخل تخم مرغ غیرممکن میگردد، لذا تخم مرغ منفجر شده و این جوجه حوان متولد میگردد، آنوقت چیزی که باقی میماند یک پوسته شکسته است ه

جامعه بشری نیز همین حالت را "دارد عیناً" مثل همین تخم مرغ است وقتی که جمال مبارک حدود چند مسال پیش اظهار امر فرمودند نطفه جامعه بهائی در میان جامعه بشری بسته شد، از همان موقع اوضاع دنیا منقلب شد. نظری بتاریخجهان بیگانید تا این حقیقت برای شما روشنتر گردد.

همانطور که در اثر رشد جوچه در داخل تخم مرغ عدم تعادل و فشار بیشتر بوجود میآید بهمین طریق هرقدر جامعه بهائی بزرگ و بزرگتر میشود اوضاع بین المللی دنیا و جوامع غیر بهائی خرابتر میگردد، تا وقتی میرسد که انظمه فاسده یعنی نظامه مهای کهنه بکلی از بین مروده البته این امور ارتباط برشد و نمو جامعه بهائی دارد، همانطور که شکسته شدن تخم مرغ مربوط بموقعي است که جوچه حاضراست از پوست خارج گردد و جلوه حدید نماید.

احبّای عزیز الهی وقتی بتاریخ نگاه میکنیم و اوضاع امر را هم در نظر میگیریم میبینیم که امر الهی از حالت ابهام بیرون آمده و بسیار نفوی که قبل از امراطلاعی نداشتند امروز امر را میشناسند و بعضی اطلاعاتی هم دارند ، پس باید موسسات امریه نیز خود را در عالم جلوه دهند زیرا هنوز موسسات امریه از حالت ابهام بیرون نیامده‌اند ه موسسات امریه برای بشر مبهم است ه اگر بخواهید بمردم حالی کنید که ما محفل روحانی داریم که بدرد میخورد ، و جه تفاوت‌های دارد ، و بعد " بیت - العدل محلی خواهد شد ، آتبه‌اش بسیار مهم است ، ابدا " نمی فهمند زیرا موسسات بیها هنوز خود را در عالم جلوه نداده‌اند ه

امروز مثال ما مثال باغبانی است که مردم را شارت میدهد و میگوید بیاید باغ
مرا تماشا کنید ، باغی بسیار عالی دارم ۰ وقتی انسان بیاغ وارد میشود نه گذا
میبینند نه سبزه‌ای ، آنوقت نایار باغبان میگوید سبزه‌ها و گلها کجاست؟ او جواب
میدهد ببین تمام تخمها را کاشته‌ایم ، صرکن تا وقتی بررسد همه مسئیّسات امریّه هم حاصل
دارای همین کیفیّت است ۰

بعبارت دیگر موئسّسات امریه در حالت نطفه است، در حالت جنین است، تولدش سایه اقلابات شدیده عالم مصادف خواهد شد. در آن هنگام موئسّسات امر بهائی خودش را جلوه خواهد داده حضرت ولی امرالله میفرمایند: "این محافظ روحانیه که شما تاءسس میکنید هر کدام نورافکن‌های خواهند بود که در خطرناکترین مراحل بشریت بشر را بخود جلب خواهند نمود" و باز میفرمایند: "وقتی خواهد رسید که درب خانه‌های احباب را برزند و پگویند شما راه را میدانید بما نشان بدھیده البته موقعیت خواهد رسید.

! مروز امر مبارک وارد مرحله جدیدی شده ، یعنی وارد عهد چهارم شده‌ایم ه میدانید که بعداز صعود حضرت مولی‌الوری در دوره حضرت ولی‌امالله عهد اول عصر تکوین شروع شد و دوره‌اش ۲۵ سال طول کشیده در عرض این مدت هیکا، مبارک، پایه‌های محکم موئسسات امریه را گذاشتند و به جامعه آموختند که جگونه موئسسات امریه را تاء سیس نمایند و امر جمال مبارک را ترویج کننده مرحله دوم مرحله انتشار بود که در جمیع نقاط دنیا امر جمال قدم منتشر شده عهد سوم در دوره بیت‌العدل اعظم بود که امر مبارک از مرحله انتشار خارج و به اشتئار رسید، یعنی اعلان امر شد که انگلیسی‌ها آنرا "Proclamation" میگویند ، بعارت‌دیگر امر مبارک‌گوشزد مردم شده

حال میرسم بدوره، چهارم: وقتی به بیانات حضرت ولی‌امالله نگاه میکنیم میفرمایند سه حیر باهم واقع میشوده اول عمارت‌موئسساتی که در کوه کرمل، باید ساخته شوده البته میدانید اینهایی که باید در کوه کرمل ساخته شود اساس‌ش را جمال، مبارک در لوح مبارک کرما، نهاده‌اند، و امروز اثرات‌لوح مبارک کرمل در جمیع عالم بهائی مخصوصاً در ارض اقدس ظاهر شده اینهایی که تا حال ساخته شده مانند ساختمان مقام‌اعلی، مقر بیت‌العدا، اعظم، و دارالانشاء و عمارتی که بعداً "باید ساخته شود تما ما" نتایج نزول لوح مبارک کرمل است ۰

حضرت ولی‌امالله حتی محل و مکان این ساختمانها را تعیین فرموده‌اند هیکل مبارک در بیانی میفرمایند که این موئسسات جهانی بهائی در ارض اقدس را که در حول و حوش غصن‌الله‌الاطهر و ورقه مبارکه علیا میسازیم از آنجهت است که حضرت بهاء‌الله غصن‌اطهر را برای اتحاد و وحدت عالم انسانی فدا نمودنده ببینید نقشه‌اللهی چه حکایتی است ۰ بعضی از این بنایا هنوز ساخته نشده ، سه عمارت مجلل و بزرگ‌دیگر باید ساخته شوده

حضرت ولی‌امالله میفرمایند وقتی این ساختمانها تکمیل شد دو امر دیگر هم واقع خواهد شده یکی صلح اصغر است که در این قرن بفرموده حضرت عبدالبهاء باید واقع گردد، یعنی سیزده چهارده سال دیگر بیشتر ساقی نماندهه التبه صلح اصغر مربوط به داخل جامعه بهائی نیست مربوط به جو امع بشری استه اما امر سوم که در آنزمان باید واقع گردد جلوه موئسسات بهائی اعم ازملی و محلی استه این موئسسات‌هستند که باید دنیای آینده را اداره کنند

من باب مثال بیان میشود وقتی طفلی بدنیا آمده مسلمان " قادر بر انعام کاری نیست منظور اینست تصور نشود بللاصله تشکیلات بهائی شروع به اداره عالم خواهند نمود ۰ در آنوقت که نظم بدیع جمال مبارک خودش را جلوه میدهد باید مدتها بگذرد تا موئسسات امریه کامل بشوند و کمک زمام امور را بدست‌گیرنده حالا مشغول بنانهادن اساس‌هستیم ۰ موئسسات امریه در حالت‌جنین هستند اینست که باید قدرش را داشت ۰

الحمد لله احباب ایران در هر کجا که هستند موفقند، ولی باید سعی کنیم که در

خدمت به امر از یکدیگر سبقت‌گیریم ه بندۀ نهایت محبت را به احباب ایران دارم و
واقعاً از روی صمیمیّت عرض می‌کنم ، بدانید اوضاع دنیا منقلب است و روزبروز انقلابش
شدیدتر خواهد شد ه

بخارط دارم وقتی در طهران بودیم هیکل مبارک اغلب پیام میفرستادند که اوضاع
ایران منقلب خواهد شد ه میفرمودند : "واهجروا اوطانکم " یعنی از وطن هایتان
هجرت کنید و بگذارید هرچه داریده در آن موقع خطاب مبارک به‌اهل‌بها این بود، حال
هم همین طور است ه یقین بدانید اوضاعی که مابچشم خود در ایران دیدیم در سائر
حاجاها بدتر از آن واقع خواهد شد، آنوقت است که حفاظت احباب فقط بخدمت در موهسات
امریکه است ، حتی هیکل مبارک میفرما بندآتیه امرمنوط و مربوط بتاء سیس موهسات است .

در ادیان گذشته موهسات اداری وجود نداشته ، موهمنین که در یک شهر زیاد می‌شدند
و اکثریت می‌یافتدند بدین طریق شریعت الهیه در آن نقطه مستقر می‌شدند هیکل مبارک
میفرما بند در این دور اینطور نیست یعنی اگر هزاران هزار نفر هم در یک شهر داشته
باشیم اثراتش به‌اندازه پنج شش محفل روحانی نیست ه

بخارط دارم بیست و پنج شش سال قبل در لندن انگلستان در جلسه محفا، ملی تصمیم
گرفتیم که قیامی عاشقانه از طرف احباب بشود و هزار نفر بتعداد احباب اضافه کنیم ه
همه مشتعل و منجذب و از این نقشه خشنود بودیم ، هنوز بیت العدل اعظم تشکیا، نشده
بوده حرم مبارک بلند تشریف آوردند و فرمودند شما میخواهید هزار نفر به امر وارد
کنید ، اگر بجای این هزار نفر سه محفل روحانی بیشتر تاء سیس نمائید اهمیتش بمراتب
بیشتر و ثمراتش بهتر است ه بعد هم که به ارض اقدس مراجعت فرمودند بیانی ! زحضرت
ولی امرالله برای ما فرستادند به این مضمون که امر مبارک توسعه و ترویجش منوط به
تعداد محافل است نه به تعداد احباب ه

البته این موضوع بدون علت نیست ، علت‌را ماء‌خوذ از نصوص مبارکه سعرفتنان می‌
رسانم در لوح قرن حضرت ولی امرالله به بیانی فصیح و بلیغ بیانی میفرما بند که در
لوح قرن انگلیسی هم این بیان مذکور شده بندۀ خلاصه‌اش را میگوییم ه میفرما بند
قوله‌الاحلى: "قوه قدسیه که در مدینه طیبه شیراز نقطه بیان در سنه ستین بآن بشارت
داده و درسنۀ تسع در ارض مقدسه در زندان طهران متولد گشته و تصرفات اولیه‌اش در
مدینة الله نمودار گشته و در ارض سر در سنه شمانین بمنتهی درجه قدرت در حقائق کائنات
سریان و نفوذ نموده و در ایام قیادت مرکز میثاق از سجن اعظم بجهان فرنگ سرایت کرده و
اقالیم غربیه را بحرکت آورده پس از افول کوکب میثاق این قوه ساریه دافعه نافذه در
مشروعات و موهسات بهیه پیروان امر خداوند یگانه حلول نمود و مجسم و مشخص و مصور
گشت ."



آن قوه قدسیه که در شیراز در سنه ستین یعنی ۱۸۴۴ ظاهر شد در ارض طاء یعنی طهران در سیاه چال متولد گشت و تصرفات اولیه‌اش در مدینه‌الله بغداد نمودار شد.

بعد میفرمایند " این قوه عظیم قوه نافذه ساریه دافعه است، یعنی قوه‌ای که حریان پیدا میکند" ، نفوذ میکند و بعد میفرمایند : " این قوه نافذه ساریه دافعه در زمان حضرت بهاءالله در ادرنه و عکا بمنتهی درجه شد رسید" و بعد میفرمایند : " این قوه عظیمه در زمان حضرت عبدالبهاء بمالک غربیه سراست کرد ۰۰۰ بعد از صعود حضرت عبدالبهاء این قوه نافذه ساریه دافعه در موءسسات امریه حلول نمود و مصوّر و مجسم گشت " ۰

حالا ملاحظه میفرمائید که این موءسسات امریه دارای چه مقامی هستند، یعنی آنچه که هست موءسسات امریه است، درخارج از آن چیزی نیست. آب را وقتی وارد مجرانمودید دیگر خارج از مجرا آبی نیست هرچه هست مجرا است. آن قوه ظهور جمال مبارک امروز در موءسسات امریه وجود دارد. شاید گفته شود این موءسسات که امروز تاء سیس میکنیم بهجه درد میخورنده اینها مجازی هستند. وقتی محفلی در شهری تشکیل شد قوای ظهور جمال مبارک، به اهل آن شهر سراست میکند، راه دیگری هم وجود ندارد. قوه در داخل محرا است، درخارج مجرا قوه‌ای نیست که بکسی سرسد.

اگر در شهری هستیم که محفل تشکیل نشده ولی یک گروه بهائی هستند دو نفر یا هشت نفر باهم، این عده موفقند، یعنی این مجرایی است که هنوز کمال نرسیده ولی نفوذ جمال مبارک در این مجرا بکمال خواهد رسید.

اگر در مرکزی هستید که فقط خود شما بهائی هستید، اگر خودرا هسته مرکزی یک محفل روحانی حساب کنید و قیام برای تاء سیس محفل نمائید یقین بدانید که موفق و موءید خواهید شد.

هیکل مبارک با این مضمون میفرمایند: " وقتی خوب فکر کنید میبینید که جامعه بشری احتیاج دارد که این موءسسات امریه تاء سیس شونده این بزرگترین خدمت است. الحمد لله احباب ایرانی در همه جا موفق شدند و تاء سیسات محافل روحانیه نموده اند. جمال مبارک تاج بسیار بزرگی بر سر ما گذارد و ما را به این صفحات رسانده که دارای آزادی محض است و ما آزادانه میتوانیم در این موءسسات امریه شرکت و خدمت نمائیم و یا محافل متعدده جدیده تاء سیس نمائیم. البته کسانیکه ایرانی نیستند ولی بهائی هستند بسیاری از آنها هم واقعاً باعث افتخارند و در جمیع موارد قائم بخدمت هستند.

در مملکتی که بنده زندگی میکنم، یعنی ایرلند، مملکت کوچکی است و مردمش مسیحی و بسیار متمسک بدیانت خود هستند. وقتی اینها بهائی میشوند خیلی موءمن و متمسک با مر میشوند. چند سال پیش در ظرف یک سال ۱۵۰ نفر موءمن شدند همه جوان

بودند ، بعد از ایمان خلق حديد شدند و درنها یت اشتعال و انجداب به اطراف و اکناف مملکت متفرق گشتند بقسمی که فقط در شهرشان ۱۵ نفر باقی ماند ه رفتند و اساساً محافل را گذاشتند بطوریکه الان در این حزیره در حدود ۳۰۰ محفل داریم ه واقعاً تمام این توفیقات که بدستآمده نتیجه هر تا نفوس موءمنه فعاله بوده است ه

حال هم همینطور است ه اگر در نقطه‌ای تعداد احباء به ۱۵ نفر بر سر حق شاهداست که حال است اینها آرام بنشینند ، بهم نگاه میکنند که کدامیک از ما باید برویم جون بیش از ۹ نفر تجملات است ه اینها توانسته‌اند بدون مهاجرین خارجی تمام موسسات امریه را حفظ کنند و روزبروز توسعه دهند ه شاید سه چهار جامعه داریم که در آنها عده احباء از ۹ نفر بیشتر است ه

عجب حکایتی است ، امر جمال مبارک در آن دیار جنان ترقی نموده که یکی از مدارس غیربهائی که فقط پنج طفل بهائی در آن تحصیلاً ، مینمایند و یقیه شاگردان مسیحی هستند دستور داده کلاس بهائی در مدرسه تشکیل دهند و اعلان نموده که روز ۱۲ نوامبر سه‌ماهیت تولد حضرت بهاءالله موسس و شارع دیانت بهائی مدرسه را تعطیل کننده امروز در عالم این عمل بی نظیر است ه

علتش را میدانیدجیست ؟ زیرا احباء در آن دیار مشتعلند و منجذب و در تاء سیس موسسات امریه کوشان و جاحد ، و از طرفی هم نفوذ کلام و تائید الهی است ه

دوسたن عزیز : امر جمال مبارک در عهد چهارم ترقیات فوق العاده خواهد کرد ، یکی از ترقیات اقبال عده کثیری خواهد بود که برای تاء سیس موسسات امریه قیام خواهد نموده این را کرارا " بیان فرموده‌اند که هرچه عده احباء زیاد شود بر تعداد محافل روحانیه افزوده خواهد شد ه

محافل روحانیه نیز خالی از اشکال نیستند ه به عقیده بنده این اشکال یکی از موانعی است که بعضی از افراد جامعه را دلسوز مینماید تا در تاء سیس محافل حدیثه قدمی برندازند ه

اگر عالم خارج نظر کنیم میبینیم در جوامع بشری موسسات فراوان وجود دارد که بعضی از آنها مرتب و خوبند ولی این موسسات فاقد روحند ، مانند یک ماشین ه در ماشین روح نیست ولی خوب‌کار میکنده برای آنکه ماشین خوب‌کار کند باید همه چیز او کامل باشد ه اگر یک پیخش خراب شد دیگر کار نمیکند ه بنابراین موسسات خارج امر اگر بخواهند درست کار کنند باید همه چیز آنها تکمیل باشد ه شما یک ماشین را بایک طفل دوسراله مقایسه کنیده میبینید این طفل دوسراله هیچگونه کمالی ندارد وقتی داخل اطاق شد اگر چیزی بدهش برسد میشکند ، اشیاء پدر و مادر را خراب میکند ، هرچه بخواهند حالیش کنند نمی فهمد ، ولی جان دارد و آتیه‌اش هم درخشنان است ه وقتی بزرگ شد این خرابکاریها را دیگر نمیکنده روی این اصل پدر و مادر او را تنبیه نمی کنند

در هر قدمی هم اگر کار غلطی کرد این از بچگی است، در آن سنین نمیتوان با و حالات بلوغ را آموخت که اینطور عمل کن همین حالت را محافل روحانیه ما دارند و موسسات ملی و محلی خطا میکنند، اشتباه میکنند، کارشان کامل نیست، نباید توقع داشت ه

وقتی با بعضی از اعضاء بیت العدل اعظم جلسه داشتیم میفرمودند که ما را پرتهای محافل مایه را میخوانیم بعضی از موقعیت ۲۰ یا ۳۵ مطلب غلط است ولی مسا برویشان نمیآوریم، ابداً ذکرش را هم نمیکنیم، مگر مطلبی باشد خیلی مهم ه

"عیناً" همان داستان است اگر چهای گل را پرپر کند و این ظرف را بشکند تقصیری ندارد، حالات بچگی اوست نمیتوان از او و توقع داشت که مثل افراد بالغ رفتار کنده اینست که پدر و مادر فشار نمی‌ورند ولی اگر بخواهد دستش بسوزد و خطری برای خود و خانواده بوجود آورد دستش را میگیرند و او را هدایت و ارشاد میکنند. حال ما در این حالت هستیم نباید انتظار داشت که این محافل کامل باشند "عیناً" مانند آنکه از طفیلی کوچک نباید توقع کمال داشت ه ولی باید در نظر داشته باشیم که این موسسات امریه مقامشان خیلی بزرگ است کاری نداریم که حال ضعیفند، باید محبت داشت و عشق ورزید تا این محافل تشکیل شوند چون روح حیات در آنها موجود است ه

حال باید در نظر بگیرید که شما موقعیت خوبی در کانادا داریده اگر کمتر از این تعداد احبا هم که در این جلسه هستند در ایرلند بودند بطور یقین "اقلاً" شش محفل تاء سیس میشد ه شاید هم خیلی بیشتر ه امروز روز قیام عاشقانه است، نمیشود نشست و دست روی دست گذاشت و وقترا بغلت گذراند ه والله از روی صمیمیت و محبت میگوییم شما در هر شهری هستید هرگاه عده‌تان به ده نفر رسید باید در فکر آن باشید که چند فرسنگ دورتر بروید و یک نقطه امری تاء سیس نمایید، آنوقت است که تائییدات جمال مبارک شامل میشود، فیوضاتش کامل میگردد، اشکالات مرتفع میشود - مانند اشکالات حرکت، اشکالات کار، اشکالات اقامت و غیره ه تائید جمال مبارک هر مشکلی را رفع می‌نماید ه

دیگر جه عرض کنم، آنچه مهم است محبت شما است که در قلب بینده است ه وقتی خواستم به این دیار بیایم با خود گفتم برای احبا چهار میان آورم ه دیدم هیچ چیز بهتر از بیانات مبارکه نیست ه اگر فرصت شد بعضی از مطالب الواج الهیه را مختصر اعرضتان میرسانم ه

یادم آمد چندی پیش در یکی از نقاط کانادا در مدرسه شرکت نمودم ه جلسات خوبی بود، احبا تشریف داشتند، ۶ یا ۷ روز با احبا بودم، واقعاً "مرکزی بود روحانی و نورانی، در من خیلی اثر کرد ه نکته‌ای که در آنجا گفتم مایل هستم در اینجا هم بیان نمایم و آن مربوط به جوانان است ه ما از جوانان بهائی باید خیلی ممنون باشیم

بلکه باید به آنها افتخار کنیم ، زیرا در این زمان که مادیات عالم را فراگرفته و روحانیات روزبروز ضعیفتر میشود و اخلاقیات در نهایت تدبی و انحطاط است جوانان ما خود را با اخلاق بهائی آراسته‌اند و منزه و مقدس میباشند و از مفاسد محیط خارج بکلی برکنارند ه البته اعمال پاک جوانان بهائی افتخار آمیزاست و در حقیقت امتحان الهی است برای آنان ه اگر جوانان بهائی در ایران به زندان میافتدند و یا شهید میشوند و از امتحان الهی بخوبی برمی‌آینند، امتحان حوانان بهائی در این نقاط عالم این است که یک فرد بهائی کامل و راسخ و ظاهر و پاک باشد زندگانی با پاکدامنی و اخلاق بهائی شاء ن جوانان بهائی است ه جوانان بهائی باید بدانند بهترین وسیله‌ای که انسان را از مفاسد برحدار میدارد تلاوت الواح و آیات الهیه است در هر صبح و شام ه حضرت بهاء الله میفرمایند: "اتلو آیات الله فی كل صباح و مساء" یعنی در هر صبح و شام آیات الهی را بخوانید ه آیات الهی غذای روح است ه اگر کسی آیات الهی را نخواند مانند آنست که غذا تناول ننموده، برای کسب فضیلت و اخلاق بهائی تلاوت آیات لازم و ضروری استه والله این قدم اول است ه آیات الهیه را با مناجات ناید مخلوط کرد این دو با هم فرق دارند زیرا نقطه مقابل یکدیگرند ه وقتی شما دعا و مناجات میکنید چیزی از جمال مبارک میخواهید ، ولی وقتی الواح و آیات الهیه را تلاوت میکنید جمال مبارک از شما چیزی میخواهد ه ببینید چطور نقطه مقابل یکدیگرند

تلاوت آیات الهیه در هر صبح و شام باعث تقویت رشد روحانی است ، همانطور که غذا موجب تقویت جسمانی است ه جمال مبارک میفرمایند: "اجعلوا اشراقكم افضل من عشّكم" یعنی کاری کنید که صبح شما بهتر از شام گذشته‌تان باشد ه بدون تلاوت آیات محال است که صح انسان بهتر از شام گذشته‌اش باشد ه

بنده یادم آمد در ایرلند که گفتم احبابی آنجا بسیار مشتعلند و منجدب و متمسک و همه آنها حاضرند جانشان را در سیل حمال مبارک فدا بنمایند، وقتی صحبت از تلاوت آیات در صبح و شام شده بعضی شان گفتند ما نمیتوانیم صحها تلاوت آیات کنیم زیرا صبح زود که بر میخیزیم فوراً سر کار میرویم و شب آیات را میخوانیم ه در حقیقت یک دفعه آیات را نخوانده‌ایم و جمال مبارک نفرموده‌اند همان یک دفعه کافی است ه خودشان راه حل پیدا کردند گفتند ما الواح و آیات را مییریم سر کار و در بین کار میتوانیم پنج دقیقه وقت پیدا کنیم و تلاوت آیات نمائیم ه این مطلب بسیار مهم است هرگاه جوانهای ما آیات را صبح و شام تلاوت کنند بکلی عوض میشوند ، اخلاق و رفتارشان تغییر میکند و احساس روحانیت شدیدی پیدا میکنند ه

در اینجا میخواهم داستانی عرض نمایم : چند سال قبل باتفاق خانم در منزل یکی از احبابی ایرانی در پاریس مهمن بودیم ه تصادفاً "یک خانم جوان ایرلندی را در پاریس ملاقات کردم و با او گفتم ما منزل این خانواده هستیم ، حا هم داریم تو هم بیا اینجا با ما باش ه این خانم گفت لباس خواب و مسواکم همراه نیست گفتم عیبی ندارد نداشت لباس خواب و مسواک اشکالی ندارده خانم قبول کرد و با ما برای افتاده وسط بقیه در صفحه ۴۱

«از جانب دکتر خلیل نامی»

استقرار خیمه مجدد در جبل مقدس کرمل

مقام رب الجنود و لوح مبارک کرمل

بطوریکه یاران الهی مستحضرند مقام ظهور و عظمت جمال اقدس ایهی که در کتاب مقدس توراه بنام "رب الجنود" نامیده شده و استقرار خیمهٔ مجد رب در جبل کرمل و نزول لوح مبارک کرمل، سه موضوع جداگانه و در عین حال مرتبط به یکدیگرند، لذا ذیلاً سه موضوع مزبور بنحو اختصار مستند به آثار الهیه و کتب مقدسه مورد بحث و تحقیق قرار گرفته است:

ظهور مبارک :

در بد مر به ندای رب الجنود توجه مینماییم که میفرمایند قوله تعالیٰ: "همه اهل عالم از برای عرفان جمال قدم از عدم بوجود آمده‌اند" ، "یوم یوم اللہ است شاء نی که اگر عظمت آن ذکر شود اقلام امکانیه و اوراق ابداعیه کفايت نکند" ، "ابیاء و مرسلين الهی آرزوی این یوم را مینمودند و ملّ واقوام ارض در حسرت و صالح ایام میگذرانیدند" ، "ظاهر قتل هیجیک بر کیفیت این ظهور بتمامه آگاه نه إلا على قدر معلوم" ۰

در لوحی ساختار استاد حکیم آقا جان طیب‌زاده همدانی از سلاله حضرت ابراهیم جلیل که موعود توراه (رب الجنود) را شناخت و به ظهور کلی الهی جمال اقدس ایهی ایمان آورد، جنین میفرمایند: "امروز روزی است که ابصر بمشاهده جمال ذوالجلال فائز و مشرف شده و از برای آن شبیه از قبل نبوده و نظری از بعد نخواهد بود" ۰ حضرت مولی‌الوری آب‌سما‌وی را اینچین می‌ستایند: "اولیاء و پیشینیان چون تصور و تخطیر عصر جمال مبارک را مینمودند منصعق می‌شدند و آرزوی دقیقه‌ای مینمودند" ۰

حال نفعه داودی را از مراپرش میشنویم: حضرت داود که در مزمیر بی نظیر خود بکرّات و مرآت شارات ظهور رب الجنود را بیان و تبیان فرموده جنین مینویسد: "ای دروازه‌ها سرهای خود را برافرازید ای درهای ابدی برافراشته شوید تا سلطان ذوالجلال داخل شود این سلطان ذوالجلال، کیست خداوند قدیر و جبار یهوه صبایوت (مزمن) و ۲۴ - آیه ۷) ۰ و "خداوند یهوه تکلم می‌کند و زمین را از مطلع آفتاب تا به مغربش میخواند از صهیون که کمال زیبائی است خدا تجلی نموده است خدای ما می‌آید و سکوت نخواهد کرد ازمور ۵۵ - آیات ۱ تا ۳) ۰

داود نبی بزرگ قوم یهود استقرار جمال اقدس ایهی را در مدینه عکا قریب به سه‌هزار سال قبل، شارت و مژده میدهد آنجائی که میفرماید: " مبارک است خدا وندی

که رحمت عجیب خود را در شهر حصین بمن ظاهر نمود (مزمر ۳۱ - آیه ۲۱) ۰
جمال اقدس ابهی در لوح ابن ذئب و حند لوح دیگر میفرمایند : "شهر حصین مدینه عکا است" ۰

به بشارت ظهور رب الجنود در کتاب اشعیای نبی که بفرموده حضرت ولی‌عزیز امرالله اعظم و اقدم انبیای بنی‌اسرائیل است توجه مینماییم که ظهور کلی الهی یوم‌الله را در دوهزار و هفتصد سال قبیل در سفر شریف‌پیشگوئی و بیان نموده است : " زیرا که برای‌ما ولدی زائیده و پسری‌بما بخشیده شد و سلطنت‌بردوش او خواهد بود اسم او عجیب مشیر و خدای قادر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد اکتاب اشعیا باب ۹ - آیه ۶) ۰
مژده ظهور رب الجنود را از کتاب یوئیل نبی میشنویم : " در صهیون کرنا بنوازید و در کوه مقدس من صدا بلند کنید تما می‌ساقنان زمین بلرزند زیرا روز خداوند می‌آید و نزدیک است" اکتاب یوئیل باب ۲ - آیه ۱) ۰ همچنین " خداوند از صهیون نعره میزند و آواز خود را از اورشلیم بلند میکند و آسمان و زمین متزلزل میشوند اما خداوند ملجاء قوم خود و ملاذ بنی اسرائیل خواهد بود پس خواهد دانست که من بیوه خدای شما در کوه مقدس خویش‌صهیون ساکن میباشم اکتاب یوئیل باب ۳ - آیه ۱۶) ۰

کوه کرمل:

در کتاب مقدس توراه و بخصوص در سفر شریف اشعیای نبی و مزمیر حضرت داود و سایر انبیای بنی‌اسرائیل نام کوههای مقدس کرمل و صهیون بدفعات برده شده است و ظهور رب الجنود و ندای مقدس او و رجعت ایلیای نبی را در این کوهها بشارت‌داده‌اند ۰ قرآن کریم و روایات اسلامی نیز ظهور‌الله (یوم‌الرب) را در اراضی مقدسه پیشگوئی نموده و بشارت میدهده یوم‌الرب در قرآن و یوم ادونای "ADONAI" در توراه همان یوم عظیمی است که امتهای روی زمین را بدیدار حضرت پروردگار بشارت و مژده داده‌اند پیامبری که تل‌الله (کرما،) محل راز و نیاز و دعا و مناجاتش با حضرت‌بی‌انیاز بوده، مرد خدائی است‌بنام ایلیا در توراه یا الیاس در قرآن که با خادمش‌الیشع هر دو از انبیاء بعد از حضرت سلیمان بوده‌اند که برای ارشاد قوم بنی‌اسرائیل به نبوت مبعوث شده‌اند در قرآن کریم از این دو نبی به نیکی یاد شده و ایشان را تجلیل و تمجید مینماید ۰ آیاتی جند در سوره الصافات از آیه ۱۲۳ تا ۱۳۵ به تقدیمی و پرهیزکاری الیاس و مباھله او با جادوگران بعل بت‌فنیقیها اختصاص دارد که ایلیا در این مباھله فاتح و پیروز میگردد و این واقعه بطور مفصل در توراه و قرآن مذکور و مسطور است ۰ همچنین در سوره انعام - آیه ۸۶ راجع به ایشع مطالبی است که مقام والای نبوت او را میرساند

غاری بزرگ‌با وسعت زیاد در دامنه کوه کرما، و غار کوچک و کم‌وسعت در قله کوه کرما، منتسب به این دو نبی است که محا، سکوت و دعا و مناجات و تعلیم و موعظه آنها بوده است ۰ الیاس و ایشع از میوه‌های مختلفه و انگورهای متنوعه تاکستان الهی

تغذیه نموده و در جبل الله مردم را به ترک بست پرستی دلالت و به وحدانیت الهی تشویق و ترغیب مینمودند زیرا در آن ایام تاریک قوم یکتاپرست و موحد یهود بعلت اختلافات عقیدتی که بعد از فوت حضرت سلیمان ایجاد گردیده بود احکام و اوامر الهی را نادیده گرفته و به بست پرستی گرویده بودند ۰

غار ایلیا و کوه کرمل دوهزار و هفتصد سال است که محل تجمع و بازدید دانشمندان، باستان شناسان ، و علمای مذهبی از هر قوم و ملتی بوده، و بطوریکه در کتب تاریخی مذکور و مسطور است بعضی از انبیای بنی اسرائیل، یونس، عوبدیا ، و میکا از پیروان ایلیا بوده و اغلب در غار مسکن او با دانشمندان ملل مختلفه محاوره و گفتگو داشته‌اند ۰ فیثاغورث حکیم و ریاضیدان مشهور یونانی سا دانیال بنی مدیتی در غار الیاس سکنی گزیده و راجع به اقامیم ثلاثة "TRINITY" بحث و گفتگو داشته‌اند ۰ مذکور است که فیثاغورث از تقدس جبل مقدس کرما، و سکوت ملکوتی اش در حل مشکلات علمی خود الهام می‌گرفته است ۰

در کتب تاریخی مذهبی نام غار ایلیا "SCHOOL OF THE PROPHETS" و نام کوه کرمل کوه مقدس خدا نامگذاری شده است اداره المعارف آمریکانا - سال ۱۹۶۵ ۰

حضرت عبدالبهاء راجع به کوه کرمل جنین میفرمایند قوله‌الاعلى : "تمام انبیای بنی اسرائیل در این کوه بودند و در مغاره‌ها منزل داشتند خصوصاً الیاس که ایلیا باشد و جما، مبارک بسیار تعریف نمودند لاسیما آن سروهای بلند محل نظر مبارک بوده همه انبیاء و عده داده‌اند که خیمه رب در آنجا بلند می‌شود و شد . جندی قادر مبارک در این جبل برپا بود و در آنچه معرفه خواهد شد . من بجسم حقیقت می‌بینم که این حیفا تا عکا تا روضه مبارکه متصل شده است . تمام این دو فرشخ راه آباد خواهد شد" ۱ رحیق مختوم جلد دوم - صفحه (۳۹۸) ۰

لوح کرمل :

جمال اقدس ابھی بنفسه‌المهیمن على الكائنات در لوح مبارک و منبع کرمال مقام عظیم خود را بیان و عظمت رسالت خویش را عیان و بشاراتی در مورد کوه مقدس خدا (کرمل) بنام مدینة الله، کعبة الله، و سفینة الله ابیت العدل اعظم الهی - دارالتشريع) را پیشگوئی و اسرار مکنونه در خزانی مالک اسماء را ظاهر و آشکار میفرمایند

شهر حیفا چهار بار بقدوم جمال قدم جل اسمه‌الاعظم مشرف شده در یکی از این سفرها که احتمالاً "سومین سفر مبارک بوده بدستور حضرت سرالله‌الاعظم خیمه بزرگی بر قله کوه مقدس خدا (کرمل - تاکستان خدا) که زمانی پر درخت ترین کوههای ارض موعود بوده در کنار صومعه کارملیت‌ها برپا گردید و جمال قدم جل جلاله و حضرت عبدالبهاء روح العالمین لعبدیة الفداء و عده‌ای از مجاورین و مهاجرین چند یومی در کوه کرمل و اطراف آن توقف فرمودند

جمال قدم واسم اعظم صح روزی مقدس که از قرون و اعصار ماضیه بمشیت لایزالی
بقیه در صفحه ۴۶

نحوه اظهار امر حضرت بھا آہم جل جلالہ

«اُن شریف خاتم اللہ جناب موبہت آہمی»

ناشر نفحات اللہ جناب موبہت آہمی هنگام تدریس در مدرسہ لوهلن امریکا در جواب سؤوال یکی از احباب در مردی بعثت حضرت بھاء اللہ جل جلالہ و نوحہ اظهار امر آنحضرت که در لوح سلطان ایران نازل شده مطالبی مختص رعنوان و توصیح بیشتر را موکول ببعد مینما یندو سپس شرح زیر را در مردی بعثت مخصوص، ضمناً سوادی بمنظور درج در عنديب باين هيئت فرستاده ان دکھ موجب سپا سگزاری است

(هيئت تحریریہ عنديب)

در کتاب مستطاب مفاوضات میفرما یندقولہ جل ثناءه :
پس معلوم شد که کبوتری که داخل مسیح شدنہ این کبوتر محسوسه است بلکہ یک کیفیت روحانی بوده
بحت تفہیم و تفہیم بصورت محسوسه بیان شد مثلاً در تورات است خدا در عموی ازنا رظا هرشد حا ل
مقصداً این صورت محسوسه نیست یک حقیقت معقوله است که در صورت محسوسه بیان شده است حضرت
مسیح میفرما ید: الاب فی الابن والابن فی الاب حال حضرت مسیح در درون خدا بودیا خدا در درون
مسیح بود لا وللہ بلکہ این کیفیت معقوله است که بصورت محسوسه بیان شده است . آمدیم در
بیان مبارک اینکه میفرما یند :

یا سلطان ! نی کنت کا حدمن العبا دورا قدأ علی المها دمرت علی نسائم السبحان
وعلمتنی علم ما کا ن لیس هذا من عندي بل من لدن عزیز علیم .

این مقام تجلی است این محسوس نیست معقول است واين از زمان ماضی و حال واستقبال مرا
و منزه است این تعیر و تمثیل است مجاز است نہ حقیقی و نہ حالتی است کہ مفہوم انسان است
یعنی خواب بوده بیدا رشدہ بلکہ انتقال از حالی بحالی است مثلاً نوم حا ل سکون است و بیداری
حالت حرکت نوم حا لت صمت است بیداری حالت نطق نوم حا لت خفا است و بیداری حالت ظہور .
مثلاً در فارسی و عربی تعبیر میشود کہ زمین خواب بود بہار آمد بیدا رشدیا زمین مردہ بود بہار آمد
زنده گشت باری مظاہر مقدسہ لمیز ل حقایق نورانی بوده و هستند تغییر و تبدلی در ذات آنها حاصل
نگرددنها یت آن است که قبل از ظہور چون ساکت و صامت مانند نیم و بعد از ظہور نا طق و شارق
مانند .

و نیز در مفاوضات فرموده اند :

مظاہر و محسوس مقام دارندیکی مقام بشریہ است و مقام نفس ناطقه و مقام ظہور ربائی و جلوه رحمانی
مقام جسدی الیتھ متلاشی شودا ماما مقام نفس ناطقه هرجند اول داردا ما آخرند ارد لکه مؤید بحیات
ابدیہ است اما حقیقت مقدسہ که مسیح میفرما یدا لاب فی الاب نہ بیدا یت دارند نہ ایت بیدا یت
عبارت از مقام اظهار است که میفرما ید و در مقام تشبیه سکوت را تشبیه بخواب میفرما ید مثال اینکه
شخصی خواب بود و چون زبان گشود مثال آن است که بیدا رگشت و آن شخص که در خواب است چون بیدار

شود با زهمان شخص است تفاوتی در مقام و علوه سمو و حقیقت و فطرت اوحاص نگشته مقام سکوت تشییه بخواب شده مقام ظهور تعبیر به بیداری گشته انسان چون خواب باشد باید راهنمای انسان است آن خواب یک حالت است و این بیداری حالت از حالات زمان سکوت را تعبیر بخواب می‌فرماید و ظهور و هدایت را تعبیر به بیداری.

و نیز در خطاب به مبارک ۱۹۱۳ در پاریس منزل مسیودریفس فرموده‌اند:

”بعضی را چنان گمان که مظاہر مقدسه تایوم ظهور از حقیقت خویش هیچ خبر نداشتند زجاجی که از روشناکی بی نصیب است و چون سراج مرروشن شود آن رحاج نورانی گرد دلی این خطاب است زیرا مظاہر مقدسه از بدایت ممتا زبده اند این است که حضرت مسیح می‌فرماید در ابتدا کلمه بود پس مسیح از اول مسیح بود کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و بعضی را گمان چنان که وقتی یحیی از نهراردن حضرت مسیح را تعمید داد آنوقت روح القدس بر مسیح نازل و می‌عوشت گشت و حال آنکه حضرت مسیح بصریح انحصار از اول مسیح بود و همچنین حضرت محمد می‌فرماید:

كنت نبياً والآدم بين الماء والطين .

و جمال مبارک می‌فرماید: ”كنت فی الزلیة كینونتی عرفت حبی فیک فخلقتک آفتا ب همیشه آفتا ب است اگر وقتی تاریک بوده آفتا ب نبوده آفتا ب بحر ارتش آفتا ب است لهذا مظاہر مقدسه لمیزد در ذات خود بوده و هستندما می‌بینم بعثت عبارت از اظهار است والا ز قبل همنورانی بوده اند حقیقت آسمانی بوده اند و می‌بینم روح القدس و مظهر کمالات الهی“.

و نیز در مفاضت فرموده‌اند: ”البته حقیقت مقدسه از بدایت واقف بر سر وجود است و از سن طفولیت آثار بزرگواری از آن ظاهر و واضح است پس چگونه می‌شود که با وجود این فیوضات و کمالات است شعار نباشد“.

و نیز حضرت عبدالبهاء در لوحی فرموده‌اند: قول‌هجه جل ثناءه

”حضرت اعلی روحی له فدا می‌فرماید خدا یا اگر بلای اسیل تونبودا بدأ من قبول نمی‌نمود که باین عالم آیم و در قمیص جسمانی در آیم“ نتهی .

پس میرهن می‌شود که حضرت اعلی جل حلاله قبل از عالم ذر عما و عوالم لایتنا هی ارواح حاضر بوده اند و سرای حمل بلایا و جانشانی در راه حمل کبریا باین عالم حسما نی نزول اجلاء، فرموده اند در لوحی جمال قیوم خطاب به جناب ورقا فرموده اند قول‌هجه جل حلاله:

”واینکه از مظاہر امرسئوال نمودند ایشان در بطن امداد رای مقامات بوده و هستند و بمقتضیات اوقات و اسباب ظاهر شده“ نتهی . و قلم اعلی در کتاب مستطاب ایقان فرموده اند قول‌هجه جل کبریا هه: ”واین کینونات قدیمه اگرچه بحسب ظاهر از بطن امها ت ظاهر می‌شوند ولیکن فی الحقيقة از سه و نهاده زمانی که میان عیادمشی مینمایند نازلند و اگرچه بر ارض ساکنند ولیکن بر رفرف معانی متنکانند و در حینی که میان عیادمشی مینمایند در هر نفی مشرق و مغرب ابداع را طی فرمایند و در هر آنی ملکوت غیب و شهاده را سیر نمایند در عرش لایشفله شان عن شان واقعند و بر کرسی کل یوم هوی شان ساکن از علوقدرت سلطان قدم و سمو مشیت ملیک اعظم می‌عوشت می‌شوند“ .

و نیز در کتاب مستطاب ایقان نازل قول‌هجه حل حلاله:

”آنچه می‌فرمایند و هرچه ذکر نمایند از الوهیت و ربوبیت و نبوت و رسالت و ولایت و امامت و عبودیت همه حق است و شهادتی در آن نیست“ نتهی .

این است که در قرآن کریم مشاهده می‌شود که حضرت رسول اکرم صبا سماء و عنا وین متعدده ظاهر گشته اند ما نندان بشر مثالکم . انى رسول اللهم اليكم وسيد العالمون ذير و بشير و ذكر و مبين و علم و نور و هادی

ورحمة وانا اول المسلمين وانا من المسلمين وعبدوتدری ما الكتاب والایمان ولست عليهم
بصيغه خاتمه باسمه دیگر معرفی گشته اند و هریک، از این اسماء دارای حکمت و معانی الهی است
وازطفولیت دارنده کمالات معنوی و علوم و حکمرانی بوده و تا چهل سال با داشتن مقام نبوت ساخت
وصامت و بعد بتدریج رسالت خود را ابلاغ و بالمال به اظهار امام النبیون ناطق گردیدند و گفتند
والادم بین الماء والطین را بیان فرمودند و درسن ۳۶ عسالگی بجنت علیا و ملاه اعلی شتافتند.
حضرت بهاء الله جلت عظمة مقامات مقدسه الهیه که قبل از خلق آسمانها و زمین در مکتب معانی
و تبیان دارا بوده اندر کتاب مستطاب اقدس بیان فرموده اند:
قوله حلّ جلاله

يا قلم لاعلى تحرك على اللوح با ذن ربک فاطرا السماء ثم ذكرنا ذا را دمطلع لتوحيد مكتب التجريد
لعل الاحرار يطعن على قدر سما لا يره بما هو خلف الاستار من اسرار ربک العزيزا العلام قبل ان ندخلنا
مكتب المعانی والتباين حين غفلة من في الامکان وشا هدنا ما انزله الرحمن وقيلنا ما اهدناه
من آيات لله المheimen القيوم وسمعنا ما شهد به في اللوح ناكنا شاهدین واجبناه با مرمن عندنا
انا كنا آمرین يا ملا البيان ان ندخلنا مكتب الله اذا نتمرا قدون ولا حظنا اللوح اذا نتمنا ئمون
تا لله الحق قد قرئناه قبل نزوله وانتقمغا فلون قد اخطنا الكتاب اذكنتم في الاصلاب هذا ذكري
على قدركم لا على قدر الله يشهد بذلك ما في علم الله لوانت معرفون ويشهد بذلك لسان الله لوانت
تفقهون تا لله لوانت كشف الحجاب انتتم تتصدقون ايakan تجادلوا في اللهموا مرها انه قد ظهر على
شان احاط ما كان وما يكون لون تكلم في هذا المقام بلسان اهل الملك لتقول قد خلق الله
ذلك المكتب قبل خلق السموات والارض ودخلنا فيه قبل ان يقترب الكاف بركتها النون هذا
لسان عبادی في ملکوتی تفكروا فيما ينطق به لسان اهل جبروتی بما علمنا من لدننا وما كان
مستورا في علم الله وما ينطق به لسان العظمة والاقتدار في مقامه المحمود. انتهى
مظاهر الهیه از همان وقتی که در رحم ما در هستند روح الهی بوده و برتبه متبع رسالت فائزند و بشه
مقتضیات زمان و مکان واستعدا دنفوس برای هدایت من على الارض باین جهان قدم میگذاشتند و
کل مظہری فعل ما یشاء و یحکم ما یرید ولا یسائل عما یفعل بوده و هستند و علمشان علم الله و کلامشان
کلام الله میباشد حضرت بهاء الله جلّ جلاله در چند نقطه کتاب مستطاب ایقان در این باره فرموده اند
قوله حلّ جلاله:

آن جوا هر وجود مقدسند از کل این علمهای مجموعه و منزهند از جمیع این کلمات محدوده و متعلی اند
از ادراک هر مدرکی کل این علوم نزد آن علم کذب صرف است و جمیع این ادراکات افک محض بلکه
هر چهار آن معادن حکمت الهی و مخازن علم صمدانی ظاهر میشود علم همان است و العلم نقطه کثرا
الجاهلون دلیل برآن والعلم توریق ذفه الله فی قلب من یشاء مثبت این بیان.

ونیر فرموده اند

قوله حلّ کبیریا ئه:

اگر قدری مرآت قلب را از غباء رغبی پاک و لطیف فرمائی جمیع تلویحات کلمات کلمه جا معه ربویه
را در هر ظهور ادراک مینمایی و بر اسرا رعلم واقف میشوی ولكن تا حبایت علمیه را که مصلحی
عباد است بنا را نقطا عتسوزا نی بصبح نورا نی علم حقیقی فائزگردي .
و همچنین در باره ی فعل ما یشاء فرموده اند

قوله حلّ جلاله:

شموس حقیقت و مرا یای احادیث در هر عصر و زمان که از خیا مغیب هویه بعا لم شها ده ظهور میفرما یند

برای تربیت ممکنات و ابلاغ فیض برهمه موجودات با سلطنتی قا هر وسطوتی غالب ظاهر میشوند
که این جواهر مخزونه و کنوز غیبیه مکنونه محل ظهوری فعل ما یشاء ویحکم ما یریدند.
و نیز میفرما بیند
قوله حل حلاله :

آنحضرت بر عرش یافع ما یشاء جا لسند و بر کرسی یحکم ما یریدسا کن و هیچ دارا کی سبقت نیا بدیر
کیفیت ظهورا و هیچ عرفانی احاطه ننماید بر کمیت امرا و جمیع قولها بتتصدق ا و منوط است و
تما م امور با مرا و محتاج و ما سوای او با مرا و مخلوقند و بحکم ا موجودوا وست مظهرا سرا رالهی و مبین
حکمت های غیب صمدانی .

و نیز در با ره وحدت رسول فرموده اند : قوله حل بیانه :
جمیع حکمیک ذات و یک نفس و یک روح و یک جسد و یک امردا رند و همه مظہر بدئیت و ختمیت و اولیت و
آخریت و ظا هریت و با طبیت آن روح لاروا حقيقة و سادچا لسوا ذجا زلیند و هم چنین اگر بفرما بیند
سخن عبا دا لله این نیز شایت و ظا هراست چنانچه بظا هر در منتهی رتبه عبودیت ظا هر شده اند اHadی
را یا رای آن نه که با نحوا ز عبودیت درا مکان ظا هر شود .

و نیز در با ره وحدت رسول در لوح نصیرنا زل قوله حل برها نه :

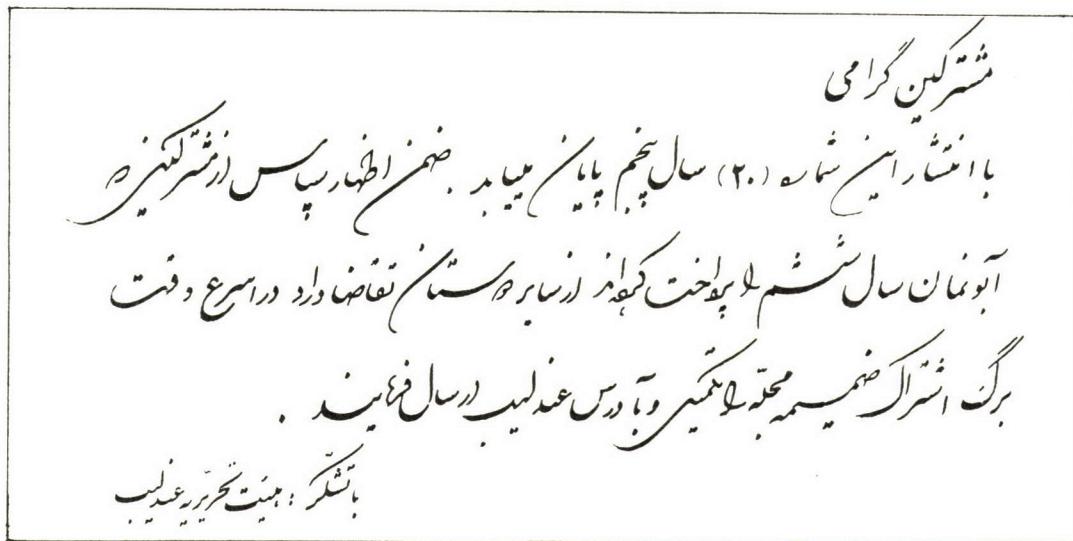
تا لله هذا الہوا لذی قد ظهر مرّة با سم الروح ثمّ با سم الحبيب ثمّ با سم على شم بهذا الاسم المبارك
المتعالى المهيمن العلی المحبوب و ان هذا الحسين بالحق قد ظهر با لفضل في حبروت العدل
وقا عليه المشركون بما عندهم من البغي والفساء ثم قطوا رأسه بسيف البغضا ورفعوه على السنان
بین الارض والسماء .

در انتهای این جزوها این نکته مهمه که در کتاب مستطاب ایقان من قلم الرّحمن نازل شده حضور تا ن
عرض میکنم قوله حل حلاله :

فهم کلمات الھیه و درک بیانا ت حما ما ت معنویه هیچ دخلی بعلم ظا هری ندارد این منوط بصفای
قلب و تزکیه نفوس و فرا غت روح است .

و نیز فرموده اند قوله اعلی:

لئالی علم ربنا نی جزا ز معدن الھی بdst نیا یدورا یحده ریحان معنوی حزا ز گلزار حقيقة استشاما
نشود و گلهای علوما حدیه جزا ز مدینه قلوب صافیه نروید .



شرح حیات و شهادت جناب کامران لطفی علیه رضوان‌الله



تحصیلات دبیرستانی را در خردادماه ۱۳۵۰ می‌گذراند و موفقیت به پایان رسانید و خود را برای ورود به دانشگاه آماده می‌کرد، در تابستان همین سال در امتحان ورودی دانشگاه‌های کشور شرکت کرد و در دانشکده فنی تبریز قبول شده با اینکه در آن زمان دانشکده‌ها اغلب در حال اعتراض و تعطیل بودند و دانشجویان از جهت اتمام برنا مددوس عقب می‌افتدند و توافت است در خردادماه ۱۳۵۵ می‌گذرد که در این امتحانات دانشگاهی را به پایان رساند و با درجه خوب موفق به اخذ فوق لیسانس در رشته مکانیک گردد.

در ایامی که خدمت نظام وظیفه را می‌گذرانید در چهارم خردادماه سال ۱۳۵۷ ازدواج می‌کند و شمره این وصلت شمیم‌تنها فرزند آنها در تاریخ اول

کامران لطفی روز هفتم بهمن ماه یکهزار و سیصد و سی و یک شمسی مطابق با نهم شهرالسلطی یکصد و نه بدهیع متولد شد. از کودکی به کلاس‌ها درس اخلاق علاقه‌خواصی داشت و دریا دگرفتن این معلومات و حفظ کردن بیانات مبارکه حدیث و دقیقت مخصوصی نشان میداد. همچنین علاقه‌شیدی به شرکت در احتفالات و اجراء برنامه‌ها داشت.

از خصوصیات اخلاقی او عدم تمکین در مقابل گفتار ناصلو بود. در حقیقت نمی‌توانست تحمل شنیدن سخنان نا مربوط را کند و بسکوت برگزا رتma یدلدا بدادرن پاسخ و تشریح و تصحیح موضوع می‌پرداخت و مخصوصاً در موضوعات امری هم بیشتر سعی برآن داشت تا از طرف رفع سوء‌تفاکر کند چنان‌چه با رها در کلاس‌های دبیرستان به اظهارات خلاف حقیقت دبیران در مرور دادیا نت بهائی مودب‌انه‌حواله قانع کننده میدارد. درسن تقریباً سیزده سالگی یعنی در همان سال‌ها اولی که دبیرستان وارد شده بود در خواب در عالم روایادیده بود که عرش مطهر حضرت اعلیٰ و حضرت بهاء اللہ را که در صندوق‌های شمیم بود به اوسپردنی که محفوظ نگاهدارد. چون برای تعبیر این خواب به خانم مسن محترمی که نوه حضرت محبوب الشهداء است مراجعت شد و شخصاً خواش بش را شرح داد و با کمال تعجب در حواب فرمودند یک چنین روایائی از کودکی به این سن عجیب است. اما تعبیر این است که در آینده این طفل خدمتی به عالم امروز خواهد نمود.

روز نهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۲ شمسی مطابق با ۱۴۰ بدیع دو نفر جوان بهائی که برای زیارت مراقد شهداء اخیر رفته بودند ستگیر میشوند و زندانی میگردند. در روز چهارده روز بیهشت نیز جناب رحیمیان عضول جنه ناحیه ۷ شرق طهران را دستگیر میکنند. بعد از ظهر روز پنجم شنبه پانزدهم اردیبهشت چندین فریپا سدا در حلالیکه جناب رحیمیان را همراه درا تو مبیل خود آشتند به خانه آقا جلال ... عضول جنه ... میروندو شروع به بازرسی خانه و بازجوئی افراد داخله مینمایند جناب سید محسن ... نیز که قبل از برای انجام کاری مربوط به امورا مری به آنجا رفته بودند مورد بازجوئی قرار میگیرد در حدود ساعت ۵ بعد از ظهر کامران در حالیکه چندبرگه تحسیلی و اوراق ازدواج در دست داشتند به خانه آقا میرسد وزنگ درب را میزنند پاسداران که آماده بیرون رفتن بودند در را باز میکنند و اوراق مذکور را از دست او میگیرند و شروع به بازجوئی میکنند پس از اتمام بازجوئی آقا یان و و را با کتابهای امری موجود در خانه با خود میبرند. بعد از منزل کامران میروندو شروع به حستجو کردن همه جا وزیر و رونمودن همه چیز میکنند و کتابهای را در گونی ریخته و بدوسو شکار میکنند که برده و درا تو مبیل جای دهد. بعد از دو ساعت آنها همگی از خانه بیرون رفتند و همگی را در نارا حتی کامل باقی گذاردند به کجا رفتند در آنوقت کسی نمیدانست همه نگران بودند روز بعد معلوم شد که در همان شب بمنازل دو سه نفر از احباب ساکن شرق طهران که اعضاء لجنها بین ناحیه بوده اند برای بازرسی و بازجوئی و دستگیری رفته بودند که خودشان در منزل نبوده اند و در آخرین وله حدود نیمه شب به خانه جناب علی محمد زمانی رفتند و وزن و اطفالش را بیدار کرده و پس از انجام مراحل تحقیق بعد از نیمه شب اورانیز به سایر دستگیر شدگان اضافه و همه را با خود برده اند. متاسفانه کسی از محل آنها خبر نداشت. به همه کمیته های محل مراجعت شده اطلاعی بدهست نیا مدد

ژانویه سال ۱۹۸۱ مطابق با یا زدهم دی ماه متولد میشود.

با رسال خدمت در ارتش را در آذرماه سال ۱۳۵۷ به پایان رسانید و به کارهای متفرقه مشغول شد و در سال ۱۳۵۸ سفندماه شغل استادی در مدرسه عالی تکنولوژی سمتان پذیرفته شد و به تدریس دروس فنی و عملی که مورد علاقه اش بود مشغول شدیا اینکه طرز کار او مسورد پسند اولیاء امور رضا یافت داشت جویان بودا مابهعلت بهائی بودند در مهرماه سال ۱۳۶۰ رخدت اخراج میگردد.

از لحاظ امری ایا می را که در طهران بود در لجه حوانان خدمت میکرد و کلاسهای تزئین معلومات را اداره مینمود و بتدریس دراین کلاسها شوقی و افراداً شت بلعاظه به سمت مساعد نیز منصوب و مشغول بود. در سمتان نیز به این خدمات اشتغال داشت و به عضویت محفل روحانی نیز انتخاب شد پس از اخراج و مراعات از سمتان علاوه بر انجام خدمات از قبلی از سال ۱۳۶۱ شمسی مطابق با سال ۱۳۹ بدیع به عضویت لجه ناحیه ای شرق طهران انتخاب و بیش از پیش وقت صرف امورا مری مینمود و فعالیت میکرد. مخصوصاً در این او اخر که گرفتاریهای امری اورانیز کارهای دیگر بازمیداشت بدون ترس و واهمه کمر به خدمت بسته بود و سعی در برداشتن موانع و رسیدن به مقاصد میکرد. با رهابها و توصیه شد که در این اوضاع و احوال خطرناک کمتر در تشكیلات شرکت کند و بیشتر رعایت حزم و احتیاط را بینما یدا ما قبول نمیکر با رهای این بیان مبارک از لوح شکر شکن را تلاوت مینمود "محبّان کوی محبوب و محربان حريم مقصوداً زبلایپروا ندا رندواز قضا احتراز نحویند" مثل اینکه خداوندان و امثال اورا برای چنین ایا می خلق کرده است تا بیشهه الی را شیرانی باشد محافظت .

حریان امور طبق معمول میگذشت تا اینکه در

و تاکنون از محل دقیق مدفن کا مران اطلاع دقیقی بدست نیا مده است و جسد بخانواده، تحويل داده نشده است. فقط وصیت نامه و سایل شخصی کا مران به خانواده اش عودت داده شد. از تاریخ وصیتنا مها یعنی روز ۱۳۶۳ فروردین که شهادت روز ۱۵ فروردین ۱۳۶۳ واقع شده است *

برای اینکه اطلاعات بیشتری از رفتار ماً مورین با زندانیان و سرگذشت آنها در زندان بیشتر آگاه شویم بهتر است به سخنان یکی از همیند ان کا مران که مدت شش ماہ با وجوده است توجه کنیم و پی بریم که آنها در چه حالتی به مدت ۱۱ماه سپری کردند.
* در موقع شهادت کا مران فقط ۳۱ سال داشت.

در تاریخ ۹/۲/۶۲ بنده و دوستم دستیگر شده و پس از آنکه سه روز در کمیته مرکزی طهران مسجون بوده در تاریخ ۲/۱۳ بزندان اوین منتقل گردیدم و در صبح یوم ۲/۱۵ بود که جناب رحیم رحیمیان روحیه الفدا را در راه روز زندان اوین در کنا رخود مشاهده نمودم که در شب قبل از آن دستگیر شده بود و در صبح یوم ۲/۱۶ در راه روا وین پس از آنکه با دوست عزیزم و تنی چند از زندانیان دیگر در حالی که چشم بند بر چشم داشتیم صحنه که عبارت از تکه ای نان و پنیر بود خورده شد و دوستم گفت این جوانی که در کنا را هرونشته است را می شناسدوا و جناب کا مران لطفی یکی از مطلعین معارف امری است. در کنا روی نیز دو پیر مرد بزرگین نشسته بودند که از چهره روحانی و نورانی شان حدس من براین بود که ایشان نیز میباشد بهائی باشد و البته حدس من صحت داشته و مشخص گردید که آن دونیز همزمان با آقای لطفی دستگیر شده و آقای محسن رضوی و علی محمد زمانی میباشد. پس از گفتار دوستم بود که من لازم داشتم که افراد فوق لذکر که در شب قبل از آن یوم دستگیر شده و به اوین آورده شده بودند و تا آن لحظه باز جوئی نشده بودند از وضعیت

به زندانهای که احتمال بودن آنها بود رحوع شد خبری بدست نیا مدت اینکه پس از چند روز از اطلاعات زندان اوین اطلاع حاصل شده از دستگیر شدگان پا نزد روزیس از دستگیری که نا مشان در دفعات ترمربوط ثبت می شود میتوان اطلاعی بدست آورد و چون پس از این مدت به اطلاعات زندان اوین مراجعت شده معلوم شده و دوسره نفر دیگرا زدستگیر شدگان آن شب را به زندان گوهر داشت واقع در کرج برده اند بعد از سه ماه و نیم به کا مران و بقیه دستگیر شدگان اجازه ملاقات با خانواده شان را صادر می کنند و آنها میتوانند بده مدت ۱۵ دقیقه هر ۲۰ روز یکبار با خانواده خود را زیارت کنند و میتوانند بده ملاقات ادامه داشت و آخرین ملاقات در تاریخ ۲۰/۱۰/۶۴ صورت گرفت و بعد از آن دوباره ملاقات ممنوع شد و اطلاع کسب گردید که کا مران دوباره به سلول انفرادی زندان اوین که به اسم آسا یشگاه معروف بود منتقل شده است و هیچگونه ارتبا طی با خارج نمیتوانست داشته باشد. با رای روز ۲۸ اسفند ۱۳۶۲ ماه مورین زندان به کا مران و بقیه اعضای لجنها جازه میدهند که با خانواده شان با تلفن صحبت کنند و خانواده آنها خیلی خوشحال می شوند که بعد از مدت ها تو انتهای ندیم خبری از گم شده شان بگیرند غافل از اینکه این تلفن چیزی جز خدا حافظی نبوده است.

در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۶۳ که همسر کا مران به اطلاعات زندان میرود ما مورین به طرز مرموزی به اینجا کسب خبر کنند و وقتی آنها به آن شماره تلفن میکنند و ما مورین به آنها گفته می شود که با یه برا ملاقات فرزندشان به بیشتر زهراء مراجعت کنند و میگویند چون کا مران حاضر نشده تبری کند ما هم اورا تیری را نگردیم.

البته‌این آرزوهمبرآ ورده‌شد. از فردای آنروز شنبه ۱۷/۲ با زجئی تواً مباخشونت بسیار ازیکا یک اعضا لجنه‌ناحیه ۷ (شرق‌طهران) آغا زگردیدوپس از جناب رحیمیان که حقیقتاً رفتار با زجئیان با ایشان با قساوت قلب و شکنجه بسیار توأم بود جناب کامران لطفی بیش از سایرین در معرض حملات و سؤوالات پیش‌باز جناب قرا رگرفتند و تایوم (بمدت ۲۶/۲) از شبانه‌روز (در راه روز) اوین اینچنیز زیستند و تایجا که بخاطردا ریم به حضربات پیاپی مشت ولگدیا زجئیان که در چنین روزها پیاپی و مستمر میباشد ایشان را دوباره تخته تعزیر بستند و ضربات کابل را برکف پایشان گوفتند که البته تعزیر دوم شدیدتر بود و ناراحتی بیشتری برای آن نازنین مردانه یافتند. و در همین روزهای اول دستگیری است که هر متهم بدترین ایام مسجن خود را میگذراند چه که چشم‌بند بر چشم‌است و با زجئیان چون مایلند که بسرعت به حواب‌تمامی سؤوالاتی که در ذهن دارند بر سند فشار طاقت فرسائی را بر مته‌شمند وارد می‌کنند و متهم در آن حال که از ندان اوروا بخط آن کاملاً اطلاع است یا خود آزار می‌بینند و یا بدتر از آن شاهد آزادیگران است و میباشد در اطاق با زجئی تحت صدمات جسمی و روحی شدید ساعتها متماً بسؤوالات با زجئیان حواب‌گوئی نماید و کمال راحتی اور آن است که بتواند چند ساعتی را با همان چشم‌بند در راه روبروی زمین دراز کشیده و استراحت نماید که غالباً آن هم دست‌نداشته و ضربات ناگهانی لگدیا زجئیان است که بر شکم نواخته شده و همان آسایش اندازد که را به سختی دیگری تبدیل مینماید و جناب لطفی تعریف مینمودند که چگونه در همان شبهاً ابتدای دستگیری ساعتی پس از نیمه شب که ایشان و دیگر دوستانشان خوابیده بودند بایتحقیر و توهین بسیار از خواب بیدار شان کرده و مجبور شان مینمایند که دقایق متماً بروی دوپا در

و کیفیت با زجئی درا وین آگاه شوندو بنا براین از دوستم خواهش نموده‌تا بکنار کامران لطفی عزیز رودوی را از چنان مطلبی آگاه نماید اما وی گفت که از انجام چنان امری ناتوان است پس خوداقداً مبهانجا مچنان امری کرد که از جا برخاستم تا بسوی آن یا راعیز روما مادر کنار ایشان جائی جهت نشستن نبود و ناچارا بر جای خود نشستم پس از گذشت چند دقیقه مجدداً اقدام به انجام آن امر نمودم که البته در وضعیت قبلی تغییری رخندا داده بود. اما برای اینکه شکی از جانب ما موران حاضر درا وین برانگیخته نشود و حرکت من طبیعی بنظر رسیده باشد از ماراثون اجازه خواستم که بدستشویی میروم موقت نمودند و چون حرکت نمودم در دل با خود گفتم که ای حضرت بهاء الله دیگر چنین فرصتی بدهست خواهد آمد پس خواه را برآ ورده گرداان تا بتوانم با وی صحبت بدارم همانکه بدستشویی رسیدم مشاهده نمودم که آن حوان که در کنار کامران لطفی نشسته بود بدبنا ل من بدستشویی آمده است، خوشحال شدم و بایا عجله مرا جمعت نمودم و در کنار آن جوان فی‌سبیل نشستم. دو دست بردو زانو گذاشت و با اعتماد و اطمینان به نفس عجیبی نشسته بود بدبرا اینکه صحبت را شروع کرده و آشناشی را باعث شده باشما زوی سؤال نمودم که شما در چه زمان گرفتار شده‌اید. فرمودند در شب گذشته و همان که بدینوسیله صحبت آغا زدخدمت شان تکبیر گفتم جواب‌عنایت فرمودند خود را معرفی کرده و آنچه که داشتند شرط در آن محیط لازم می‌آمد خدمت شان عرض نمودم و ایشان نیز مطالبی فرموده و سرانجام با ذکر این بیان مبارک‌کوله در لوح کتاب عهدی آمده است "قل کل من عندا" با ایشان و داع نمودم و در همین برخورد کوتاه بود که چنان شیفته شخصیت و شجاعت و شهامت ایشان شدم که در زندان انفرادی گوهر داشت همواره آرزویم آن بود که اگر تقدیر رفت به بندعمومی باشد در کنار کامران لطفی باشم که

جا بزند.

آن قسمت از صورت شکا فته شده و خون جاری شده حاصله از آن شکاف تا روز آخیر لباس تنشان هویدا بود که برای ازبین بردن آن چندین بار آن لباس را با زحمت بسیار شستند که البته اثرات آن ازبین نرفت. در دو دنداشان نیز اثرات شکستگی و پریدگی وجود داشت.

تعریف مینمودند که یک روز در زندان انفرادی گوهردشت در دل با خود گفته اند که ای حضرت بهاءالله اگرا مروز قرار بر آن است که مرا جهت با زحومی احضار کنند خواسته‌ام نست که ضربات کابل نخورم اما به هرجز دیگر راضی و خشنودم که اتفاقاً در همان روز ایشان را راحبت با زحومی احضار کرده اما تحت ضربات قرار نمیدهند ولی برای اذیت و آزار کردن ایشان را واحداً ربار آن می‌کنند که بردوینجه‌پا باشد و در آن حال که دوزاً نوب طرف جلو خمیده و بالا تنہ مستقیم باشد و دستها نیز بد و طرف بالا لکشیده باشد. بیش از یک ساعت ایشان را مجبور به ایستادن به آن حالت می‌گردانند تا آن حاکم عرق سرد بر صورت شان مینشیند و آندا مهاسست شده بزرگ می‌باشد و بعد از آن ایشان را محبوبر بر آن می‌کنند که طول راه روز زندان را با سرعت و بدفعات بدو دکه آن نحوه شکنجه خستگی و کوفتگی بی‌اندازه‌ای در پیکرشان و آندا مشان بوجود آورده بوده است. در چند روزاً ول و رودشان به بند تحمل آنکه آنی از یک دیگر جدا شویم برایمان مشکل می‌بود تماً وقت را در حیات به قدم زدن مشغول بوده و ما بینما از خاطرات و وقایع گذشته و احتمالات آینده صحبت بی‌مان میرفت و نه تنها من شیفته شخصیت و الاوكمالات معنوی و ظاهری آن عاشق پژوهشیدا بودم بلکه در چند روزه‌اول و رو دیه بندما بین تما مسی افراد بندخون گرمی، محبت ادب و کمالات وی مشخص و با رزبوده و باعث جذب همگان گردیده بود و حقیقت آن موقع که ایشان در داخل اطاق و ما بین جمع بودند غم و آندوه را از دلها رهانیده و آن چنان رفتاری می‌فرمودند که خنده و شادی بر

به هر تقدیر ایشان و دیگر اعضاء لجنه‌ناحیه ۷ (شرق طهران) در تاریخ ۲۶/۲/۲۶ بزندان گوهردشت انتقال یافتند. زندان گوهردشت برای ما عبارت بود از ساختمان سه طبقه که مادر طبقه سوم آن قرار داشتیم و آن عبارت بود از راه روئی طویل که در هر طرف آن بیست سلول انفرادی در کنار یک دیگر قرار داشت که تیغه‌دیو ری دور دیف سلول‌ها را از یک دیگر جدا مینمود. هر سلول ۹/۶ متر طول و ۱/۹ متر عرض داشت که گوشاهی از آن بوسیله یک توالی که در کنار آن نیز یک دستشوئی کوچک قرار داشت و در روی دیوی در نیز پنجره‌ای وجود داشت که در برابر آن تنها ۲۵ متری از زمین شده که جلوی پنجره بوسیله صفحه‌های فلزی مسدود شده بود آن قسم که هیچ چیز دیده نمی‌شد اما از زور و دور به سلول ممکن نمی‌گردید و در آن زندان احباء مسجون از تمام مکان رفاهی از قبیل داشتن ملاقات و نما و مه و بار روز نیز غذا و در هفت‌یک ربع وقت حما مدرای اختیار هر متهم می‌بود. در آن سلول‌ها هیچ چیز دیده نمی‌شد مگر دیوارهای سلول و هیچ چیز شنیده نمی‌شد مگر صربات کابل و فریادهای ناشی از آن که غالباً مربوط به احباء می‌بود و بدیهی است که رفتار مأموران آن زندان نیز خشونت با روتورهای آمیزبود.

ایشان در تاریخ ۴/۴ به بند ۶-۲۵ زندان اوین انتقال یا فتد و در تاریخ ۴/۲۸ به بند ۵-۲۵ که مادر آن بودیم منتقل گردیدند و چون آرزویم هم بندی با ایشان بوده محض دیدا رش اورا در آغاز گرفته و بر روی نازنینش بوسه زدم. لاغر و ضعیف شده بودند ما روح‌آقوی و بانشاط بودند بسیار رمودا ذیت و آزار قرار گرفته بودند. در زیر صورت خطی نمایان بود که از قسمت انتهائی گونه راست تا زیر لب پائین امتداد داشت که به هنگام بازجویی در اثر ضربه کابل یکی از بازجویان که با خشونت بر صورت وی نواخته بود

بیش ازدهد دقيقه نبوده است و موارد آنها مشان این چنین بوده است :

- ۱- عضویت در فرقه ضاله بها ئیت
- ۲- معلم درس اخلاق
- ۳- عضویت در لجنه ناحیه هفت
- ۴- جا سوس صهیونیسم.

که ایشان در جواب فرموده بودند که البته بهائی هستم و معلم درس اخلاق هم بوده و در لجنه ناحیه ۷ بیز عضویت داشته ام و اگر اینها جا سوسی است جا سوس به آن معنا نیز میباشد.

سرانجام در ۲۸/۱۰ پس از صرف غذا بود که وی را بنا مآزادی صادر کردند که با کلیه وسائل حاضر شود. والبته هم خودا و هم دیگران میدانستند که چنین نبوده و وی را آزاد نخواهد ساخت. بدین ترتیب اوقصرفت نمود و حقیقتاً از همان لحظه غم دوری او بر دلم نشست باعجله مشغول جمع آوری و سایل شده و ما نیز هرو سیله که بنظر ضروری میرسید و در اختیار داشتیم برایش آماده نمودیم. هنگام خدا حافظی رسیده بودیک یک اورا در آغوش گرفتند نوبت بمن رسیدا و را در آغوش گرفته فشردم و بر رویش بوسه زدم و گفتم دست خدا و ندبه هم را هت از پله ها پائین آمده همگی بدنیال اوروان شدیم به درین در سید چشم بندرا بر چشم گذاشتند و از بندخا رخش نمودند و من آخرین فردی بودم که بآنگاهی حسرت با رچشم بر قدمها یش وقا مت چون سروش دوختم چه میدانستم که دیگر موفق به زیارت آن هیکل نورانی نخواهیم بود پس چشمها یم حق داشتند که از دیدار شیرون شوند آن روز غم سنگینی بر دلهای همگان در بند حاکم بود چه که با آن مشکل و نوع بُردن وی همگان تصور مینمودند که اوراجهت اعدام از بندخا رج نموده اند. آن روز حقیقتاً برایم مشکل سپری شدتا فراش که فردی از متهماً نسلمان بندرا جهت بازجوئی به دفتر مرکزی اوین بر دند وی در مرآ جعتش به بند گفت که کامران لطفی رادر دستشوئی دفتر مرکزی دیده است. درحالیکه بقیه در صفحه ۳۸

سیمای همگان نقش می بست . معارف و اطلاعات امری و عمومی شان بسیار قوی بود و مطلبی و موردی نبود که از آن صحبت شود و اینها اطلاعاتی ولی وندک در آن زمینه نداشته باشد. از سرعاق و وفا چند بیت شعر ذیل با صوت خوش همراه بزرگان وی حاری بود :

اول بنا نبود که بسوزند عاشقان . آتش بحان شمع فتد کاین بنا نهاد .

ما که دادیم دل و دیده بظوفان بلا
گوبیا سیل غم و خانه زینیا دبیر
اظهار عجز نزد فرومایه ابلیمی است
اشک کیا ب باعث طغیان آتش است
خلق را تقلیدشا ن بریا دداد
ای دو صد لعنت براین تقلید باد
طوعاً لغافی ایتی حمه عجا
افتی بسفک دمی فی الحل والحرم
جدبات شوک الجمث

بسلاسل الغم والبلاء
همه عاشقان شکسته دل - که دهنده جان بر ه بلا
اگر آن صنم زره استم - پیکشتم بهد قدم
لقد استقا مبیسه - فلم درضیت بما رضی
تو ملک وجا و سکندری من ورسمورا ه قلندری
اگر آن خوش است تو در خوری و گراین بdest
مرا سزا

آه ای الهه نازب ادل من بساز
کاین غم جان گذا زبر و زبرم
و چند دعا و منا حات بود که باعث راحت دل و جان
ایشان شده و در جمیع احوال مشغول بر ذکر
آن بود از آن چمله است :

الهی الهی اشهد بوحدانیتک و فردا نیتک
اسئلک یا مالک الاسماء و فاطرا السماء ... تتری
هو اللهم ای خدا و ندمهریان از من بمن مهریا
محبت بیشتر و بیشتر ...

ایشان نیز به همراه دیگر اعضاء لجنه ناحیه ۷ (شرق طهران) در اواخر شهریور ماه بدادگاه رفتند و میفرمودند که مدت زمان دادگاه هشان

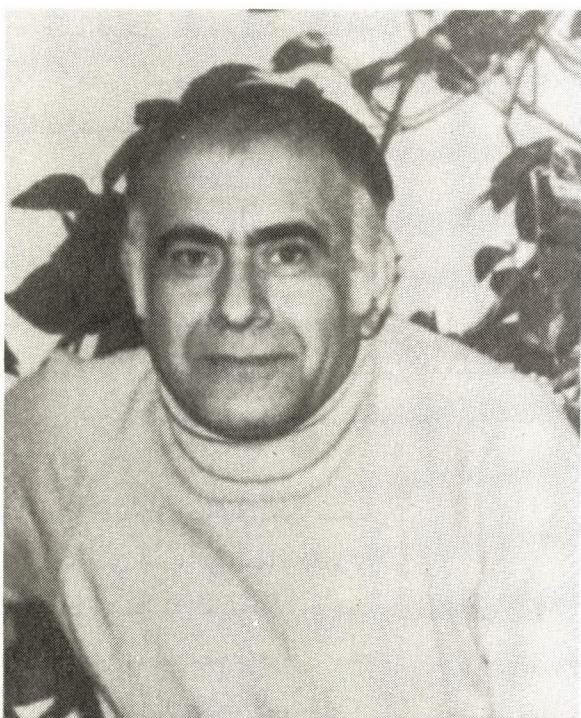
تاریخ زرین شهادت

«از جناب اسد الله سیحون»

محضری ارشح حیات و شهادت جناب سرالله وحدت نظامی علیہ رضوان لله

حمل اقدس ابھی درھفت وادی دروا دی عشق میفرما یند :

... عشق هستی قبول نکندوزندگی نخواهد حیات در ممایت بیندو عزت در ذلت حویدسیا ر
هوش با یدتا لایق جوش شود بسیا رسربا یدتا قابل کمنددوست گردد .
مبا رک گردنی که در کمندش افتاد و فرخندہ سری که در راه محبت ش بخا ک افتاد ...



او برای چنین حکایت میکرد که پس از صعود پدر متنها یک قطعه زمین برای خانواده ما باقی ماند بود که آنرا هم دشمنان امریکائی با توصل بزرگ تصاحب کردند و سالها با وجود صرف مخارج و گرفتن وکیل و دوندگیها و ادعای در مرایع قانونی بالآخره موفق به پس گرفتن آن نشده و ازاین حق مسلم هم محروم گردیده اند وحدت پس از پایان دوران تحصیل دبیرستانی

جناب سرالله وحدت نظامی دریک خانواده بهائی پا بعرضه وجود گذاشت وایا مکودکی را در تحت تربیت روحانی والدین خود طی نمود و با عشق و علاقه زیبا دبه تحصیلات خود را مهدا داد و در ظل تربیت مربیان روحانی زمان خسود پرورش یافت .

با وجودی که او دریک خاندان مومن با مسر بهائی متولد شده بود لکن بعداً خود در مورد دیانت مقدس بهائی بمطالعه و تحقیق کا مل میپردازد و در فته رفتہ بعظمت و حقانیت امریکائی پی برده و با اعتقادوایمان کا مل فائز میگردد و زمان دوران مردو مردانه در میادین خدمت با عشق و علاقه سرشا رب خدمت میپردازد . وحدت از روزگار گذشته والدین خود که بعلت بهائی بودن در معرض اذیت و آزار مردم متعصب وجا هل زمان خود قرا رگرفته بودندادا ستانهائی بخاطر سپرده بود و نیز خاطراتی بسیار تلحظ از دوران کودکی وایا من وجوه ای خود داشت که اغلب آنها را برای نگارنده و بعضی از نزدیکان خود حکایت میکرد . این ناراحتیها و مشقات و مشکلات فراوان که و بیش بعداً زصعوپی در بزرگوارش ادا مهدا شت و همواره خانواده ایشان در معرض حملات و ظلم و ستم اطرا فیا ن بودند .

ما فوق او کا ملّامیدا نستندکه ا و بهائی است زیرا هرگز دین وایمان و عشق خود را پنهان نمیکرد در خلال دوران مأموریت‌ها یش با طراف طهران و شهرستانها با رهادشمنان و بدخواهان دیانت بهائی ازا و بمقامات عالی ارتش شکایت کرده بودندکه این افسر بهائی است اور ااز ارتش بیرون کنیدا و دین بهائی را در میان افسران وزیر دستا نش تبلیغ مینما یدو مردم را گمراه میکنندکن این دسیسه‌ها و شکایات بدخواهان و دشمنان امر در هر نوبت بجایی نرسیده و بی اثر می‌مایند و فرماندهان عالی رتبه ارتش با آن ترتیب اثربنیدادند، البته چندین سال روح در راه حضور مسیح ارتش اطمینان مواردا زا و مینمودندایشان همبا کمال رشد اوت و با رعایت حکمت ضمن اقرار روا اعتراف با مر بهائی پاسخ محکم و متین برزدای دعا و شکایات بدخواهان داده بطور یکه رو سا ارتش اطمینان حاصل نمودندکه شکایات بی اساس است.

وحدت همزمان با خدمات گوناگون و مأموریت‌های اداریش چه در طهران و چه در شهرستانها همواره در تشكیلات امری قائم بخدمت بودوا کثراً عضویت لجنات امری و مخالف روحانی را بآسانی و دل قبول و نیز خدمات مؤثی در زمینه تبلیغ و مهاجرت و رسیدگی با مورها حریں را در نقاط مختلف ایران انجام داده است. در اول انقلاب جمهوری اسلامی ایشان تقاضا با زنشستگی از ارتش ایران مینما یدیعتداز چندی با تقاضایشان موافق گردید و بعلت اعتقاد بدیانت بهائی از حقوق حقه با زنشستگی خودهم محروم گردید و در همین دوران ایشان بیما رود بیما رستا ن بستری می‌شود حال او روز بروز بدتر و رو بخواست می‌گذاشت این دکترها از ادامه معالجه اش نا امید می‌گردند در چنین اوان به همسرو بعضی از دوستا نش اظهار می‌کنند که من میل ندارم که در ارشبیما را از این دنیا بروم بلکه از حمال مبارک مسئلت نموده ام تا وظیفه ای که بمن محول گردیده کا ملا

واردد انشکده افسری طهران شده و خدمت نظام را آغاز مینما یدپس از فارغ التحصیل شدن از دانشکده مزبور بخدمات ارتقی ایران گمارده می‌شود ایشان دردوا ایراداری ارتش مقامات زیادی را دارا بودندواز طرف رو سا و فرماندهان مربوطه اغلب مأموریت‌هایی برای سرکشی بوضع امور ادارات ارتش در شهرستانها ای ایران بعدها ایشان گذاشتند می‌شد و در تما م دوران مشاغل اداری با پشت کارفع ایت زیاد و خدمات صادقانه و عشق و علاقه‌شیدیدبا مور محوله می‌پرداختند و به سبب اخلاق خوش و صفات عالیه انسانی که دارا بودند تو انتدد و ستنان فراوانی از همه طبقات مردم برای خود پیش کنند.

آخرین درجه افسری اوسرهنگ تما می بود حمیع اورادوست داشتند و برای اواحترا م خاصی قائل بودند اغلب یا رومدگا رزیر دستان و مشکل گشای کارها ایشان بود بوا سطه همین حسن خلق و اخلاق بهائی و داشتن دوستانی از همه طبقات مردم و قادربود موفق بحل مشکلات فراوانی که افراد داشتند و برای رفع آن با ایشان مراجعت می‌کردند قبول نموده و آنها را حل نماید و از این عمل خود یعنی کمک بمردم و دوستانش بسیار لذت می‌بردو بیشتر و قات خود را صرف آن مینمودتا بتواند افرادی را از این راه خوشحال و مسرور سازد.

در مقابل این زحمات و محبت هیچ گونه توقع و انتظاری برای جبرا ن و پاداش نداشت همواره شاد خرم و میدواز بود میل داشت که عموم مردم چنین باشندیا وجود یکه در محیط کارش افسری سخت گیر و مطبع قوانین و مقررات و نظمات اهتمام داشت که این مقررات همراه مورد توجه داشت مع الوصف افسران و در حده داران و حتی سربازان زیر دستش ازا و کا ملاراضی بوده و بوجود دا و که فرمان نده و افسر آنان است افتخار می‌کردد در محیط کار از همان اوان شروع بخدمت مقامات

آنقدر بریدم تا دیگرا حساس کردم تنها ای تنها
هستم و فقط تسلی خاطرمن اوست کسی که در راهش
گام بر میدارم همچون مجنون دیوانه ا و شدم و
با و فکر کردم . دنیا ائی یا فتم خالی از بغض
و کینه آرام آرام

در ره منزل لیلی که خطرهاست در آن

شرط اول قدم آنست که مجنون باشی

ب خودم فکر کردم . به فضلی که حق بمن عطا کرده
دیدم خیلی کوچکم کن چیز . اما در مقابل
بخش الهی که بر من منت گذاشت خیلی بزرگم
شا بیدر تا ریخ پا نصد هزار ساله ا مرثیت و ضبط
گردد که در یک برهه ا زمان که نظری آن در هیچ
کجا ای امر نیست خدا و ندسه نفر از این بندگان
ضعیف خود را برگزیده و این مسئولیت سنگین
را بر دوش آنها نهاده است که یکی از آنها من
هستم از درگاه هش بخواه و شا کریا ش که خدا و ند
استقا مت عنایت فرماید که اگر روزی بافتخار
شهادت نائل شوم ما نندکوه محکم و استوار بایم
هر روز از خدا و ند آرزوی خدمت برا یم بکن ...
درا یتمدت وحدت از حال و احوال دوستان
به ائی که هر یک بطریقی مورد ظلم و ستم و اذیت
و آزار بدخواهان قرار گرفته بودندیا یکی
از بستگان شان شهیدگردیده بودندبی خبر
نبود و اغلب اوقات خود را به سرکشی آنان
و فراهم کردن وسائل را حتی ورفا و دلداری
تا حدی که برا یش امکان داشت صرف میکرد و
ضمنا در مراسم محافل تذکری که با فتخا رشها دت
بعضی از عزیزان به ائی برگزار میکردند شرکت
مینمود و درنا مهایش مشاهدات خود را از
حالات و کیفیات اقوام و بستگان شهداء ایران
متعکس کرده و بر شته تحریر در آورده است .

در یکی از نا مهایش چنین مینگارد :

ما در پیری چگونه بسوک پسرد کتر جوانش بنا
خود را زونیا زمیکردن جوانش چگونه با تبسیم
به مادر داری میداد و چگونه بمردانگی شوهرش
افتخار میکرد ...

خانم مسیح فرنگی و علویان ووفای بسوک

با تما مراسم و در سبیل اعلای امرش جسان
خود را فدا نمایم ...
بیماری او در حدود پنجشش ما ه طول میکشد و
با لآخره با مداوای مدام و دعای نزدیکانش
حالش بهتر و بیماری اش بکلی رفع و بیمارستان
را ترک مینماید .

در همین ایام ایشان عضویت محفل روحانی
طهران را دارا بود و بهمین سبب بدخواهان
در صدد تعقیب او و دستگیری او بودند لهذا
محبوب اترک خانه و کاشانه نموده در منازل
دوستان خود که حتی غیر بھائی هم بودند بمدت
یک سال و آن دی سکونت مینماید ایشان در یکی
از نامهای خویش بدخلترش چنین مینویسد :
دخلتم نمیدانی آوارگی در سبیل جمال مبارک
چقدر لذت بخش است من و ما در تهرش برادر
سرائی میگذرانیم ...

طولی نکشید که از طرف دولت جمهوری اسلامی
ایران تشکیلات به ائی در ایران غیر قانونی
اعلان و لهذا طبق دستور محفل مقدس روحانی
ملی ایران تشکیلات کلا تعطیل گردید .

ولی وحدت همچنان بوطائف وجودانی و محوله
خویش ادا مه میدهد و در یکی از نامهای خود
درا این مورد چنین مینویسد

... مدت‌ها بود که دیگر دستم ب قلم نرفت تا حدی
که از من سؤال کرده بودید چرا دیگر نا مهایم
رنگی ندارد . نخواستم برا یت بنویسیم
شا بیدا فسرده شوی من خواستم مدتی از همه
عزیزان خود که قلبم برا یشان می‌طبید جدا شوم
واز همه چیز و همه کس ببرم و تعلق خاطرم را کم
کنم زیرا دیدم انس بیش از حد ملال آور است و
رنج دهنده است شاید آدم پر توقع می‌شود که چرا
با یستی فرزندش پا سخنا مهایش را ندهد ؟

چرا دوست عزیزش در این موقع احوالش را
نپرسد ؟ خلاصه خودم را آزاد کردم دلم را بر رضای
الهی خوش داشتم . احساس کردم در این
دنیا به هیچ چیز و هیچ کس علاقه ای ندارم .
بی خودا ز مردم . از نزدیکان ، از آن کسانی که
در آدم را لمس نمی‌کنند گله و شکایتی ندارم

روزی برای ملاقات یکی از خانمها بیهائی
 که تحت تعقیب شدید بوده می‌رودا تفاً در همان
 روزماً مورین پا سدا رمنزل مزبور را تحت نظر
 داشته بودند بعد ازا ینکه وحدت وارد منزل می‌شود
 دقایقی چندماً مورین مذکور نیز بعثت ازا وارد
 منزل شده ملاحظه می‌کنند که غیر ازا آن خانم
 دونفره دیگر هم آنجا هستند پس ازا پرسش ازا سا می
 آنا وحدت و برادر کوچکش بنا معطاء اللہ
 وحدت خود را معرفی مینمایند ما مورین
 پا سدا را زاینکه تصادفاً وحدت راهیما فته اند
 خوشحال شده بلافاصله هرسه نفر را دستگیر کرده
 و بزندان می‌برند معطاء اللہ پس از گذرانیدن
 حدودش ما هدر زندان بالآخره آزاد می‌گردد ولی
 آن خانم تا کنون در زندان بوده و حدوده سال
 اورا محکوم به حبس نموده اند وحدت مدتی در
 زندان انفرادی محبوس بوده و از ملاقات با
 اقوام متنوع بوده است و در این مدت محل
 زندان او مخفی و نا معلوم بود و فقط خدا میداد
 که او در دوران زندان دستخوش چشکنجه ها
 و آزار و اذیت ما مورین زندان قرا رگرفته
 باشد تا ینکه پس از چندی محل زندان او را
 عوض کرده از زندان انفرادی بیرون آورده ای
 در دوا طاقی که حدود بیش از چهل نفر افراد بیا
 در آنها زندانی بودند منتقل مینمایند.
 در ایا مزندان چهار را رمود بیان از رأی
 گرفته سرانجام پیروز می‌گردد و کلیه مرا حل
 مزبور را با شجاعت تما و استقامت کامل طی
 مینماید.

در دوران زندان پاره ای ازنا مهای که به
 عنوان همسرو فرزندانش روی نامهای رسمی
 زندان نوشته و فرستاده است چنین مینویسد:
 ۱- همسر عزیز و هم برانم را قربان می‌روم و
 نور چشم از عزیزتر از جانم را بوسیده و آرزوی
 سعادت و سلامت برایتان دارم من هم بلطف
 پروردگار رخوب و سلامت هستم و از فرست استفاده
 کرده بهترین زمان برای دعا و نیایش بدرگاه
 الی است همسر عزیزم بیادت شاد و مسورو مگر

ا زدست رفتگان شان نشسته بودندگوئی بر صندل
 جلال و شکوه قرار داشتند و سلطان همه و همه
 بدیدنشان می‌باشد مدنده ولی حرأت تسلیت نداشتند
 فقط سکوت بود و سکوت صدای دعا و مناجات
 بود. گریه وزاری نبود سراپای آنها را افتخار
 گرفته بود برای اینکه عزیزانشان مردانه
 با شجاعت جان دادند و درس فدا شدن بمناسبت
 آموختند ...

شما در باره ما دعا کنید که بیش از پیش در حفظ
 قطره قطره دم مطهر آنان از هیچ مشکلی نهارا سیم
 وبالهای مات غیبیه از آنهمه ایشان روجان بازی
 درس عشق و وفا بیا موزیم و اگر نوبت رسید
 مردانه استقا مت کنیم .

خنک آن دردکه یک قطره کندر رما نش
 گریه روح را شاد و قلب را صفا میدهد ولی مسا
 مت آثارا ز آن هستیم که انصاف کجاست بر مرگ بی
 انصافی میگیریم. بر بیعدالتی و ظلم
 میگیریم چون شهادت و بلا مخصوص اولیاء است
 ازا ینکه ما در گیر مریضی و ناراحتی هستیم
 شما هم روز تان کمتر از شب تارما نیست دعا
 کنید، دعا. چون در این موقعیت فقط
 دعا است که میتواند تسلی بخش آلام ما باشد.
 چند شب پیش دخترم فریبا تلفن کرد و در تما
 مدت اظهار میداد شت که مرا جعت خواهد کرد و من
 میدانستم که از مریضی ما رنج میبرد و دلش
 نمیخواهد که در این موقعیت دور از ما باشد
 ولی من نمیخواهم که آنها از ما باقی بمانند و
 روح شادایشان افسرده و پژمرده نگردد.

وحدت همچنان بوظائف محوله روحانی خود
 ادا می‌نماید و دوازده یگونه خدمتی نسبت به
 امور آوارگان و رسیدگی بوضع آنان و سکونت شا
 در منازل احباب کوتاهی نمینمودتا حائی که
 امکان داشت کوشش میکرد که مرا حمتمی برای
 آنان فراهم نشود. با سایر احباب و دوستان
 بهائی در محلهای مختلف ملاقات میکردو
 هر گونه راهنمایی لازم را برای رفع مشکلات شا
 را راهه میداد.

بسیار طولانی خواهد بود برای آدم موجود
غیری بی است بهمه چیز و بی هر چیز عادت می کند
از این رونم هم با رویدادهای گذشته ام که
تا ریخ زندگی ام را تشکیل میدهند با محنت های
زندانم که همواره آنرا مزه می کنم و سومن
سال زندان را با سالگرد تولد که برای شش روز
شماری می کردی با کوله باری از بیگناهی
آغا زمیکنم این برای من ناممکن است که
بتوانم که شما و عزیزانم را که تا ریخت ایتم
را تشکیل میدهند از یاد ببرم لذا وقتی در نماز
سحرگاهی بتلاوت و نما زمینشیم همه عزیزان
را دعا می کنم ...

۵- همسر عزیزم و نور چشم ان مهریانم ...
آخرین ماه سال دوراً زشما سایا یش بدرگاه
الهی سپری شد اگر بر حسب ظاهر دراین ایام
شرنگ تلخ زندگی بکار می خیته می شود ولی در دل
شور و غوغایی است که بوصفت نیا یدو قلم تو ان
نوشتند ندارد.

زنده دل باید دراین ره صدهزار تا کندر ^{هفتم} صد جان نثار

عزیزان دل و حانم هر وقت بشما میاندیشم
آسمان قلبم بارانی می شود هستی و حیاتم
را آکنده در خیال شما می بینم و چشم ان قشنگ
شما یاد آور بها رزندگی من است لحظه های
دیدا رنzdیک می شود و من با موہای سپیدم
ثابت کردم که با لاترا زسیا هی رنگی هست
تبیریک و تهنیت سومن سال مرا پیذیرید و
پیام رسان آن بتما مفایل باشد.

دراین او اخ زندان یکی از دوستان غیر
بهائی وحدت که از زمان کودکی و دروان تحصیلی
با هم دوست یگانه و صمیمی بودند بیکی از
فرزندان وحدت چنین مینگارد:

دو سال قبل از دستگیری پدر شما من هم بعلی
بزندان افتادم و بر حسب اتفاق مدت پنسج
شانه روز بایا و دریک اطاق محبوس بودیم
من فوق العاده اورا دوست داشته و دارم بایا و
اظهار داشتم که من بزودی آزاد می گردم و تو هم

در کنج زندانم تو از حال من آگاهی چون از
این جا منوشیدی برایت آرزوی سعادت و
سلامت دارم.

دواوا بیل زندانی شدن ایشان با نوسودا به
وحدت (همسر) برای یافتن شوهر خود بمراجع
مربوطه مراجعت مینماید و با اصرار برآمده
از آنان میخواهد تا محل زندان شوهرش را با
نشان دهنده در کجا است و حلالش چگونه است
ما مورین مربوطه ایشان را هم گرفته زندانی
مینمایند و در طول ۴۵ روز زندانی شدن ما مورین
زندان دوبارا و را با همسرش رو برو می کنند
خانم وحدت چنین میگویدا بتداء مرآ چشم بسته
به محلی بر دندکه نمیدانستم کجا است تنها
احساس کردم که وارد اطاقی شده ام آنها چشم
مرا با ذکر دند و در همان لحظه شوهرم را در مقابله
خود دیدم (ا زسا یرجزیات این ملافاتها اطلاعی
در دست نیست)

۲- همسر مهریانم و نور چشم ان بهتر از جانم ...
بالطف پروردگار میدوا ربا شید و آنچه ا و
مقدار فرموده من راضی و خشنودم از برای شما
عزیزان و فاما میل محترم دعا دارم از شما عزیزان
میخواهیم که زندگی را با روال عادیش در ظل
پروردگار رسپری نمائید و از طرف من نگران
نباشید چون سرنوشت شما نبا یستی فدائی من
گردد بلکه پدر بایستی فدائی شما عزیزان شود.
۳- همسر محبوبیم درودهای صمیمانه و عشق
و علاقه مرا نسبت بخودت و فرزندان عزیزم
بپذیر ... و همیشه پای بندای مانتان باشید
ومرا نیز از یاد میرید من خود را با تما م وجود
اول وقف خدا و بعد شما مینمایم و همچنین این
انتظار را از شما دارم در هر سر بر تاب عجز
ونیا زمینه م و برای شما عزیزان دعای خیر
دارم .

۴- همسر عزیزم و مهریانم بر لب من متواست و
خنده نازی و فریبا در چشم انم . زن عزیزم
با نوی مهریانم میدانی آغوش انتظار چقدر
پرشکوفه است ولی برای من و تو این انتظار

ا و در پا سخ میگوید که هیچ میخواهم بروم ؟
از او میپرسند که مگر آزاد شده ای ؟ در جواب
میگوید مگر شما نمیدانید که من چه آرزوئی
در دل داشتم ؟ الحمد لله اکنون با رزوه ایم
رسیده ا موفردا نزد محبوبم خواه هم رفت .

میل دارم که شما ها برایم حشون بگیرید و مسرور
باشید چه که در کمال صحت و سلامت و خوشی و سرور
اکنون دارم نزد محبوبم میروم از شما ها میخواه
همه شما بعداً ز مرگم لباس سفید بپوشید و با گل
و شیرینی ازاقوا مودوستا نمان که برای دیدن
شما میایند از آنان پذیرائی نمائید .
این افتخار بزرگی است که تا ابد نصیب همه
بستگان عزیزم میشود .

(این حملات را بانها یت سرور و خوشحالی ادا
میکرده است .)

مضمون همین بیانات را با همسرو ما در خواه هر
و بردا رانش نیز تلفنی گفتگو کرده است .
قسمتی از مندرجات وصیت نامه ای که در زندان
اوین طهران بعنوان همسرو فرزندانش
نوشته است درج میگردد :

سرالله وحدت نظامی اسم پدر عوض علی تلفن
۳۴۹ کوی گیشا طبقه ۲ پلاک ۸۲ شماره شنا سنا
۱۴ یکشنبه چهارم اردیبهشت ساعت
تقدیم به همسر عزیز و مهربانم و نور جسمان گرا مم
وما در خوبی و برادران و خواه رعیز ترا ز جان
... به رجهت دست تقدیر و مشیت الہی تا امروز
یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه برای من حیاتی
خواست با کمال اطمینان و خاطری آسوده که
تا آخرین رمق حیات ثمر بخش بوده و این
دنیا را دور از شما ترک میکنم . عزیزان می
انسان با یدراضی بر رضای الہی باشد و بده
آنچه ا و مقدر فرموده خشنود گردد من در این
ساعت که ۱۶ ظهر است و مشغول نوشتن هستم در
نها یت سرور و شادی میباشم از شما میخواه که
غم و غصه را بخود را هندhibid و در مقابل مصائب
مثل کوه باشید آنچه سرنوشت است همان میشود

بیا بحروفها یم گوش داده و از زندان آزاد شو
همدوسن ا واقوا م توب پا ی مردی و شجاعت
و ایمان تو معرفتند و همواره تو با صفات
عالی و رفتار و کردا رت آنرا ثابت کرده ای
بیا محض خاطره همه ما قدری کوتاه بیا و دیسن
و ایمان نت را در دل خود حفظ نما آنقدر سر سختی
و استقامت از خود نشان نده قطعاً اگرچنین کنی
تو هم بزودی آزاد خواهی شد در این زمینه با او
مفصل صحبتها کردم و بعد از شنیدن همه مطالب
با صورتی افروخته و قیا فه بسیا رجدی دستها یم
را در دست خود گرفته و چنین گفت :

تومیدانی که من چقدر در دین و ایمان محکم
واستوارم و حاضر مجان خود را در این راه فدا
نمایم و از عقیده و ایمان خود نگذرم من مرد
بدنیا آمده ام و عمری هم مردانه زندگی کرده ام
واکنون هم میل دارم مردانه از این جهان
برویم و شهید گردم . ایشان مدت ۲۷ ماه در زندان
بودند و در این مدت اورا محکوم به حبس ۲۵ ساله
بعد ا به ۱۰ ساله تبدیل نمودند و بارها مسورد
شکنجه و آزار قرار دادند در تمام این دوران
استقامت و آرامش ایشان سرمشق سایر زندانیا
بود .

سرا نحا موحدت روز چهارم می ۱۹۸۶ مطابق
۱۴ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۵ پس از گذشت
ماه در زندان بدر جهشادت نائل گردید .
... اروا ح مجرد ازا علی مدارج لا
اسم ولار سم گذشتند و ما ازا دنی مراتب
نفس قدمی برنداشتیم ...

روز سوم ماه می ۱۹۸۶ مطابق ۱۳ اردیبهشت ماه
۱۳۶۵ حکم قتل وحدت را صادر کرده و با ایشان
ا بلاغ مینمایند ماه مورین زندان با واحازه
میدهنده تلفنی با همسرو ما دروسا یرا قوا
و داع نموده خدا حافظی کند . ایشان اولین
تلفنی که بمنزل جناب کامران (پدر همسرش)
میکند خانم کامران صدای وحدت را با تعجب
فراوان میشنود و با عجله و سرورا زا و سؤوال
مینماید که وحدت جان توهستی ؟ کجا هستی ؟

بشدت شکنجه شده و حالت زاری داشته است . و البته هیچکس از خبر شکنجه وی ناراحت نشده بلکه همگان از شنیدن این خبر که او زنده است خوشحال شدند و به آن حالت راضی بودند ، غافل از آنکه در همان یوم ۱۵/۲۸ وی را رحبت اعدام از بند خارج نموده بودند اما نه از آن اعدام که با گلوله‌ای حان را میگیرد بلکه آن اعدام که زحرش طویل - المدت بوده و اندک اندک حان را میستاند . بدین ترتیب حدود ششماه افتخار آنرا داشته ام که با او همیند بوده باشم و از لحظه ورود بزندا نتا یوم ۱۵/۲۸ شاهد و ناظر احوالش و مطلع برو وضعش بوده‌ام . حای خوابمان در بند کناری کدیگر بود و چه شبها که تادم سحرخواهید و بُوی به گفتگو پرداختم وجه روزها که از صبح هنگام تا ساعتهای متمامی با یکدیگر قدم زده و درسها از وی آموختم و خاطرات بسیار از او برايم باقیمانده است که البته هرگز خود را قادر بر بیان عظمت حاشش نخواهم دید . روحش در مملکوت ابھی حاوید و یادش در قلوب اهل بهاء باقی و برقرار .

سائلی را گفت آن پیرکهن
جند از مردان حق گوئی سخن
گفت خوش آید زبان را برودوا
تا بگوید حرف ایشان را مدام
گرنیم زیشان را ایشان گفته ام
خوش دلم کاین قصه از جا نگفته ام



ای طالبان ملکوت . بالطف حضرت پروردگارا میدوار باشیدوازن را حتی را ق این جهان خاکی نا راحت نگردید بعد از ذکر عده‌ای ازاقوا م و خویشان تزدیک و وداع بسا آنان چنین مینویسد : آخربندگی مرگ است و مرگ چقدر شیرین است که برای شما نتوانم نوشت و بعد از سفارش در با ره همسرو ما در و فرزندان و حفظ اتحاد و الفت و مودت بین آنان چنین ادامه میدهد انشاء الله زندگی را با همان نواخت همیشگی طی خواهید کرد و برای خدمت بجا معه خواهید کوشید اگر میخواهید من را ضی باشم با یسد زندگی را با شکوه و حلوه اش دوست بدارید و در کارها یتان موفق باشید و برای همه فا میل و دوستان خوبیم آرزوی خوشبختی دارم در این ساعت با کمال صحت و سلامت و بیکتائی خدا و ند وا ولیاء و انبیاء و برگزید ایمان کامل دارم ... دلم نمیخواهد که برایم خود را نداشت کنید و قطره‌ای اشک بر بزید و بگوئید سرنوشت این بوده در تما م حیا تم از مرگ نترسید م و حلا هم نمیترسم بینها یت خوشحال هستم از این سرنوشت که برای همه شما باعث افتخار بوده ام و در این لحظه هیچ نگرانی ندارم چون همه را دوست داشته ام و بهم عشق میورزیدم .

بعد این در ش خطاب کرده چنین مینویسد : ما در عمری زحمت کشیدی و مروز شاهد آن هستی که زحماتت به درنرفته و فرزندت نا خلف نبود پس شادی کن و بخند ...
ما در دلم نمیخواست قلب تورا در زمان پیری جریحه دار کنم ولی این خواست خدا و ند بود تو بدرگاه هش شکرگزاری کن و بدان که پیسرت گناه کار نیست برای همه عزیزان در این دم آخر عمر طولانی وزندگی با عزت و با شرافت و عفت آرزو میکنم نوشی جان نازی و فریبا یم را بعد از خدا بشما میسپارم ...
خدا حافظ و نگهداری همه شما عزیزان . سر الله وحدت نظر می

سوانحه کی زعیریان زمان پدر و مادر خود در خارج از ایران / عیاش زند

خدمت وجود ذی حجود حضرات ابوین معظمیین در و دو تکبیر و فیر تقدیم میدارم - امید است که بفضل الهی همواره آن عزیزان در ظل رحمت الهیه مستریح باشند . امروز شنیدم که مکتوبی از آن عزیزان واصل شده است آنهم باین ترتیب که یکی از برادران پریوش و بچه ها را در مدخل چاپا رخانه مبار دیده است و خبر وصول نامه را از آنها گرفته و امروز صبح که دوشنبه ۱۸ کتیرا است خبر را برايم آورد . از سلامت وجود عزیزان شادمان شدم انشاء الله که همچنان مستدام باشد . راستی سوالي داشتم از حضرات دکاتره ساکن آندیا رکه آیا استفاده مداوم از یک دارو ایحاد مسمونیت در مقابل آن دارو نمیکند ... چه که بنده مد تیست از یک داروا استفاده میکنم و آنهم به تجویز حی قدر است که فرموده " طبیب جمیع علتهاي تو ذکر من است فراموش منما " ظاهراً بنده و امثال بنده شدیداً در مقابل این دارو مصوّتیت پیدا کرده ایم ... اگر جواب مثبت است تابه داروی دیگری متولّ گردیم - ای باری از این مقوله بگذریم - شبی با حضرت الوهیت به مکالمه ای در عالم خیال مشغول شدم و اجوبه دریافت کردم که اگر حافظه ضعیف بنده در حال زوال به عنون خدای لایزال یا ری کند مرآ الحال نویسم آن گفتگو در عالم خیال ، با خدا و ندپرجلال که انجام شدّر رازا زهرگونه قیل و قال و فارغ از جا رو جنجال در کمال استقلال و در نهایت جمال گفتم " يا الله انت الذى امرتني بالدعا و ضمنت الاجابتة " پس چرا آمال مرا اجابت نهایی گفت آیا فراموش کرده اید آن صبحاً دق روشتی را که ... بسے کلمه طیبه تکلم فرمودم ... که با دلهاي مرده که به آمال و آرزو آلوده شده نزد من می‌اید ، گفتم خدا یا مگرنگفتی ... چشم بملکوت ابھی برگشا و آنچه خواهی ازا و خواه ، گفت با زهم میگویم ، آیا فراموش کرده اید ... که فرمودم ... آنچه برای شما نخواه هرگز نخواهد بود ، گفتم پس چه بخواهی ؟ گفت ... بخت مرا سرما یه خود کن و چون بصروف جان عزیزش دار ، گفتم چگونه نشان دهیم که حب ترا در دل و جان داریم ؟ گفت ، لکل شئی علامه و علامه الحب الصبری بلایی ، گفتم اگر عامل نباشم چه میشود ؟ گفت ، ان لم تحببی لن احببک ابداً ، گفتم قبول ، اگر عامل با شم چه میشود گفت ، فا حببی کی اذکر ک و فی روح الحیوة اشتبک ، گفتم اگر بخواهیم بر بیانیت صرکنیم چه کنیم گفت فلی طلب رباً سوائی گفت ببخشید حرف را پس گرفتم ما را بحب و عشق توجّه در فاصله است ؟ گفت قدمی فاصله ، قدم اول بردار و قدم دیگر بر عالم قدم گذار . گفتم برايم ثقیل است . راه آن چیست ؟ گفت قلب را بثقل روح پاک کن و آهنگ ساخت لولاک نما . گفتم از چه راهی به ساخت لولاک توان آمد ؟ گفت در سبیل قدس چالاک شووبرافلاک انس قدم گذار . گفتم برا فلاک قدس چگونه تو انم قدم گذاشت ؟ گفت انس دونی و آنس بروحی . گفتم چگونه تو انم به روحت انس گرفت ؟ گفت هرگز شنیده ای که یا روا غیار در قلبی بگنجد پس اغیار را بران تا جانا ن بمتنزل خود در آید گفتم باین قلب چه تو انم کرد ؟ اغیار را چگونه بر این گفت ... املک قلباً جیداً حسنأً منیراً التملک ملکاً داعماً با قیاً از لاقدیماً ، گفتم بعد از بدست آوردن این ملک چه کنم ؟ گفت ... پس در سرا داق خلدوا ردشو ، گفتم در سرا داق خلد در چه خانه ای ساکن شوم ؟ گفت جزر گلین معانی جای مگزین و جزر صبای جانا وطن مگیر و جزر قاف وفا محل مپذیرا بین است مکان تو اگر بلامکان بپر جان بر پری و آهنگ مقاوم خود را یگان نمائی ... به رحال این حضرت الوهیت عظمی می فرماید ، غم مخورغم خوا رمه بران داری ، ما هم فعلاً کیداً و شدیداً سعی میکنیم از اکل و شرب هرگونه هم و غم و اندوه و حُزن و امثال خود را نموده در جمیع ایام الهی در قبال این گونه مأکولات و مشروبات بصوم مشغول باشیم لابدا این صوم هم بمنابعه صوم ایام صیام اطاعت امر الهیه بقیه در صفحه ۵۶

پیکر زنامه شهید محمد جبار شل پور مردمی علیہ رضوا

عزیزان گرگان ارواحنا کم الفدا بگذارید قبل از افاده مرام از تحریر این پیام به عزیزانی که رقایم این محفل را از هبته سبک کلام سنگین یافته درک مطالب را مشکل نگاشته اند، صمیمانه یادآوری کنیم که چه خوبیست یا ران در بحر معارف امری مستغرق و در این قلزم زخار غوطه ور گردند سبک ادبیات امر را بشناسند و به روش تحریر منشاءات آشناشی بیشتر یابند همت را بر ازدیاد معلومات ادبیه و امریه خود بگمارند و از این قمر ارتفاع سطح استنباط خویش آرزو کنند نه آنکه تنزل سطح رقایم و مکاتیب امریه طلبند والبته اگر چنین کنند متوجه میگردند که پیامهای این محفل چقدر ساده و آسان است وجه مقدار از نظر نسخ کلام متنازل و متناسب الہام ... بگذاریم و بگذریم

جلسات ضیافت شهرالملک در گرگان در اول و آخر ایام مبارکه‌ای منعقد میگردد که به فرموده مولای عالمیان از مظاہر "ها" محسوب است و لهذا به حدود ماه و سال محدود نگردیده ایام بسیار فرخنده سال است و باید به سور و سور بگذرد و بشادی و شور سپری شود و اطعام نفوس گردد و اکرام فقرا و بئوس بعمل آید. به تهلیل و تکبیر و تسبیح و تمجید رب محید بگذرد و تشریع مشروعات مهمه شود والبته عزیزان چنین کرده‌اند و چنین میکنند که چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار. واما از این پس ایام مبارکه صیام در پیش است مژده که ایام ها و ماه صیام است رحمت خاص است و فیض شامل عالم است ایامی در پیش است که باید در آن به کف نفس پردازیم و کار آخرت سازیم هر روز ساعاتی چند نخوریم و نیاشامیم و با دلی فارغ و روحی آزاد بذکر دوست پردازیم ایامی در پیش است که باید به برکت و حرمت آن عادات رذیله را ترک گوئیم و اعتقادات مضره را فراموش کنیم دیده از بدکسان بردوزیم و بر عیب و نقصان خویش بگشاویم ایامی در پیش است که باید به فکر در مواهب الهی پردازیم و کلی سرمست باده مرد افکن عشق دوست شویم چه خوش است سحر برخاستن خاضعانه و ضوساختن وعاشقانه به نماز نشستن صوت مناحات شنفتون و دامان قاضی الحالات گرفتن قلقل سما و اور شنیدن و بخار دلپذیر چای دیدن و سکر و شمیم آن شمیدن بحد معقول از طعام ماکول چشیدن و سپس به تماشای فحر صادق نشستن و دیدن، در بداعی صنع الهی اندیشه نمودن و از این ممر دری بمدینه عرفان ذات او گشودن و این رنه ملکوتی از طائر لاهوتی سر خدا حضرت عبدالبهاء بنیو شیدن که خوش بحال شما که حکم الهی را محی را شتید و در ایام مبارکه به صیام قیام نمودید زیرا این صیام حسما نی رمزی از صیام روحانیست یعنی کف نفس از همیش شهوات نفسانی و تخلق به اخلاق روحانی و اشتعال بنار محبت سیحانی ... وجه زیباست روزی را به طهارت و پاکی شب کردن اسماز کذب و کلمات رذیله فرو بستن و دل از آرزو و شهرت شستن و گوش از شنیدن بد نهفتن و جشم از دیدن بد خفتن و غروبگاه سادلی آگاه به راز و نیاز نشستن و از سر صدق رب ارنی گفتن و از ملکوت بیان انظر ترانی شنفتن فرزندان فراخواند و گرداگرد سفره افطار نشاندن و قوت و غذا خوردن و خوراندن و سرود شکرانه نعمایش

سرودن و در مقام عشق و طاعت باین تشریف شریف از درگاه ربتا الحنیف مشرف گشتن ولوی خرج من فم ارادتک مخاطبای ایا هم یا قوم صوموا حال حمالی و لاتعلقہ بالمقات والحدود فوعزتك هم یصومون ولا یا کلون الی ان یموتون... " ای خداوند اگر ازلسان شکرینت خطاب شان فرمائی که ای بندگان من بخاطر محبت من روزه بگیرید وحدی برای آن معین نکنی قسم بعزم تو که آنان روزه میگیرند و افطار نمیکنند تا جان شیرین براحت فدا کنند ". و خدا نکند خدا نکند به علتها خفیف و بهانه های سخیف خود را از سعادت روزه داشتن محروم سازیم کسر حدود کنیم و تحفیف شاعر امر حضرت و دود نمائیم و یا اگر بعلی راستین از درک این ایام شیرین و ادای این فریضه محرومیم و در سفریم و با سفری برای داریم و یا تازه رسیده از شیره حان میپروریم یا جنا بیما ریم که طاقت روزه نداریم استغفار لله حرمت این ایام نداریم و علی الرئوس به اکل و شرب پردازیم و مستوحب این انذار از حانب میین آیات کردگار شویم که میفرماید : " صلوه و صاص از اعظم فرائض این دور مقدس است اگر نفسی تا ویل نماید و تهاون کند البته از جنین نفوس احتراز لازم باید حصن حسین امرالله را از سهام بغض و کین جنین اشخاص محافظه نمود ... "

محفل روحانی گرگان برآس و ظایف خویش دائم مترصد است و اگر نفسی استغفار لله تهاون کند البته انذار نماید و اگر ثمر نبخشد بآنچه لازم است عامل شود . یاران راستان را مداومت در صلوه و مقاومت در صیام راحی و ملتمنسیم .

محفل روحانی گرگان

ماء خذ : معهد اعلی بواسطه دارالانشاء

بعنیهٔ نظر جناب ادیب طاهرزاده اصفهان ۱۸

راه گفت اشکانی دیگری دارم ، که بخدا قسم موجب تنبیه من شد ، گفتم اشکالت چیست گفت اینها کتاب انگلیسی از آیات الهیه ندارند ، البته مناجات حفظ و میتوانم بخوانم ولی هر روز صبح باید آیات جمال مبارک را بخوانم سایر این نمیتوانم با شما همراهی کنم ه گفتم ما یک کتاب انگلیسی داریم میتوانی بخوانی آنوقت قبول کرد ه ببینید درجه ایمان تا چه حد است ه

مقصد این است که جوانان بهائی باید از اول جوانی عادت بتلاوت آیات در صبح و شام نمایند ه مطلب دیگر صلوة است که از عنفوان جوانی و بلوغ شرعی باید عادت کرد و این فریضه وحدانی و حکم کتاب را مجری داشت ه

* * * * *

جناب ادیب طاهرزاده بعد از ابراز مطالب بالا به سوالات احباء پاسخ گفتند ه

مراسم غرس بوته‌های گل سرخ بیاد شهداء مظلوم و شجاع عصر نگوین

آکادمی بحثی پنجگینی هندوستان

«از مرکار خانم ممتاز افشن»

در آغاز بیست و هفتمین دوره آکادمی بهائی در پنجگینی هندوستان، مشاورین عزیز قاره‌ای جناب دکتر ایرج ایمن و آقای برها نالدین افشن همراه با بیش از یکصد نفر از شرکت‌کنندگان و مهمانان حاضر بیاد شهداءی جاودانی مهد امralله ۳۵۰ عدد بوته‌گل سرخ در حدائق اطراف محل جدید آکادمی بهائی غرس نمودند.

این مراسم هیجان‌نگیر در اولین روز انتقال آکادمی به محل دائمی خود که مقرر است همراه موسسات فکیمه دیگر بهائی تبدیل بدانشکده بهائی گردد، و در منطقه وسیع و سرسبزی بمساحت بیست و هشت ایکار واقع می‌باشد، برگزار گردید. از چند روز قبل جوانان دا و طلب تمام ساعت روز و شب بتاء سیس حدائق و رنگ آمیزی ساختمان اصلی و خوابگاهها و تهیه سایر مقدمات این مراسم و نیز آمادگی محل بمنتظر برگزاری بیست و هفتمین دوره آکادمی مشغول بودند.

در یوم ۲۶ ژوئن سنه ۱۹۸۶ میلادی بعد از صرف ناها ر شرکت‌کنندگان گروه‌گروه بمحوطه آکادمی وارد گردیدند. پس از تلاوت ادعیه و مناجات و رجای تائید و توفیق، مشاور قاره‌ای آقای افشن با نظم و ترتیب خاصی اسمی یک شهدائی عزیز مهدا مراالله را قرائت و پس از اعلان نام هریک از این قهرمانان دلیر، یکی از حضار که قبلًا "تقاضای غرس گل بنام آن شهید مجید را نموده بودند در کمال توجه بوته گل سرخی را در محل حفر شده غرس نمودند. این مراسم که در زیر رگبار شدید بارانهای موسمی پنجگینی صورت گرفت، چندین ساعت بطول انجامید.

قدر جای همه‌خالی بود که روح شهداءی عزیzman را در آن جمع حسکند و چون ما اشگ بریزند. عجیب که آسمان نیز در آنروز میگریست و گلهای سرخ را که یادگاری از خون پاک شهدا بود آبیاری میکرد. در حقیقت این موسسه چهار سال قبل بیاد شهداءی ایران تاء سیس شد و پیشرفت سریع نیز مدیون آن ارواح پاک است. پس از اینکه جمیع گلهای سرخ غرس گردید، شرکت‌کنندگان از دو نمایشگاه عکس و تصویر و مقالات و مدارک که در سالنهای طبقات اول و دوم ساختمان ترتیب یافته بود بازدید بعمل آوردند. در نمایشگاه اول تصاویر مربوط به پیشرفت‌های جدیداً مراالله در شبه‌قاره هندوستان بنما یشگذاشته شده بود. این تصاویر شامل فعالیت‌های تبلیغی و مدارس بهائی و کنفرانس‌های تزئید معلومات و سایر خدمات اجتماعی یاران بخصوص مهاجرین عزیز از مهدا مراالله بود.

نمایشگاه دوم که در کمال ظرافت‌ترین یافته بود مجموعه‌ای زیبا از تصاویر شهداءی عزیز مزین بنصوص مبارکه و شرح حال مختصری از ایشان و اشعار سروده شده بوسیله خود شهدا و اوراق مهمه در رابطه با شهادت برخی از آن مظلومان و نتایج حاصله در اعلان عمومی امralله در سراسر عالم پس از شهادت هریک از این نفوس منتخبه و صنایع دستی برخی از مسجونین در مهدا مراالله و دهها اوراق و اشیاء پر ارزش دیگر بود. قبل از ورود به

سالن نمایشگاه به بازدیدکنندگان که به گروههای کوچک تقسیم شده بودند بوسیله گلاب که توسط یکی از فرزندان شهداء تقدیم میگردید، خوشآمد گفته شده و سپس وارد سالن میگردیدند. سیر عالم معنوی که با زیارت این تصاویر بهریک از دوستان دست میداد قابل وصف و شرح نیست. هریک با محبوب خود برازونیاز پرداختند و هر کدام در دل آرزوی فدا نمودند.

پس از بازدید از نمایشگاه جمیع حضار در کمال توجه رو به روضه مبارکه قبله‌گاه اهل بھاء نموده مسامع خود را با استماع بصوت محبوب عالمیان حضرت مولی‌الوری متبرک می‌نمودند و سپس با قلوبی مملو از احساسات رقیقه روحانیه و نیروئی حاصله‌از حضور ارواح مطهره شهداء و وجودانی مصمم بخدمت و خاکساری آستان کبیریا سالن نمایشگاه را ترک مینمودند. چه عهدها که با محبوب خود بستند وجه گردنها که در کمnd عشق مقصود خود گذاردند.

چه روزی بود و چه روحی داشت. عزیزان ما در ایران حان دادند، مال دادند، رفاه و آسایش خود را دادند و ما ثمره آنهمه فداکاری را بر می‌جیئیم و از آن لذت می‌بریم. یا جما لمبارک لیاقت نگهداری اینهمه فضل و عنایت خود را بمعاطکن. بعد همگی در سالن جمع شده و بیاد عزیزان ایران مناجات کردیم. شعرها و نواها بود که با شور و انجذابی زایدالوصف خوانده می‌شد. چهایامی بود، این یکماه جوانان و نوجوانان از هفت‌کشور شرکت نمودند و همگی آکادمی را جون منزل خود میدانستند و هریک بنحوی در نظم و ترتیب آن می‌کوشیدند بطوریکه دوشب متواتی تاصح روی خواهگاهها سایه‌بان بستند و بالباسهای کار خود همچون سربازان جمال مبارک به جوشکاری، با غیانی، نظافت، و سایر خدمات لازمه مشغول بودند. مثلًا "خانمی از عزیزان مهاجر منقطع و فداکار درایالت اوریسای هند آشیزی می‌کردند. دو دختر دیگر مشغول پذیرایی چای بودند. چندتن از جوانان مهاجرین عزیز از هند مسئول رانندگی اتومبیل‌ها و جیپهای آکادمی بودند. خلاصه هر چه بگوییم باز هم حق مطلب بیان نخواهد شد. چه روح همکاری و عشق و محبتی بود، چه صفائی، چه یکرنگی، چه خضوع و فروتنی وجه روحانیتی بود. آری آنچه با سختی بدست می‌آید برای همه ارزش واقعی دارد، توقعات را کم می‌کند و فداکاری را بیشتر مینماید.

از درس‌های این دوره آکادمی که بیست و هفت‌مین دوره یکماهه بود برایتان بنویسم. دانشجویان با حدیت بسیار نه فقط در کلاسها شرکت می‌کردند بلکه در امتحانات نهائی دوره نیز که برایشان بدیع و در عین حال جالب و فراموش‌نشدنی بود شرکت نمودند. یکی از آنها اظهار داشت که "بعد از ۲۵ سال همان هیبت امتحانات مدرسه بمن دست داد و شب تا صبح درس خواندم".

روز آخر در حشن اختتامیه، گزارش‌نامه‌های دانشجویان شرکت‌کننده‌با ایشان اعطای شد و مدارک کارآموزان در کلاس‌های فنی نظری خیاطی و سبدبافی، آشپزی، عکاسی، پایاپ برخسته، با غیانی، خدمات ساختمانی، و کمکهای اولیه بآنها داده شد و بعد ۲۳ نفر دا و طلب اسفار تبلیغی را هی حنوب هند شدند که خود داستانیست بسیار مهیج.

معرفی و بحث

«از جناب دکتر محمد افمان»

درباره کتاب بحث‌آیان و ایران

از ابتدای ظهور امریکا ای کتب و رسالات زیادی بمنظور معرفی امریکا و بلاغاین بشارت روحانی نوشته شده است که خوشبختانه اکثر آن در کتابخانه ها محفوظ مانده و قابل دستیابی است و سیری در مطالب آنها نشان میدهد که چگونه مطالب آنها تنوع و توسعه یافته و متدرجاً از معرفی و بحث در اصل مطالب و تعالیم امریکا بگوئی افتراها و رفع شباهات انجامیده است (۱).

چنین تعبیری نتیجه روش معتبران بر امرالله است که بعلت عنا دول حاج از بحث و تحقیق درباره اساس امر بالقاء شبه و افترا مایل شده است. بروزاین مشکل لاقل از این دو عملت مایه میگیرد نخست نگرانی و واعده مخالفان از ترقی و تقدم امرالله توسعه و نفوذ آن درین حقیقت طلبان و بی غرضان و دوم احتمالاً مسما ماحمما اهل بهادربرهای از زمان ویا موقعیتی از شرایط اجتماعی در ابلاغ و اعلام حقائق امریکا و فرادی که در اطراف ما بسر میبرند و آداب و روش و تمايز و تفاوت مارا میبینند و میشنوند ولی اساس و دلیل آنرا نمیدانند و برا آگاهی از آن نیز فرستی نمی‌یابند ولذا هرگونه تلقینی را ممکن است بپذیرند علی الخصوص اگر از دوستان و شنايان یا افراد مشهور بداش و مطالعه ویا رهبران و پیشوان جا معهبا شند و مطلقاً احتمال آنرا نمیدهند که این گفتارها ممکن است از منشاء حسد، و نفع و ضرر و خلاصه آلوده بعرض شخصی یا صنفی باشد.

از انصاف نیز نباشد که جا معهبهای در طی تاریخ یکم و چهل و چند ساله خود آنی از هجدهم دشمنان آزاد نماده (۲) والبته اگراین شدت وحدت‌ها از ایمان افراد بهایی نکاسته‌حتی آنرا در اعتقاد خود بخدمت عالم انسانی را سخترنموده ولی آنرا در بیان حقائق اعتقادی محتاط نموده است. ارسال و رساله‌دن پیام حیا تبخش جهانی حضرت بهاء الله بعموم طبقات علی الخصوص سروران و رهبران جا معههمواره از وظائف مهمه بوده و بآنکه مؤسسات امری از هرگونه کوششی در این طریق خودداری نداشتند معذلک بعلت شرایط خاص محیط ایران که بین طبقه روش فکر و طبقه متدينین جدا ای حاصل شده بود رسیدن بتما مطیقات جا معههمواره میسر نمیشدو بالنتیجه بسیاری از متدينین حقیقی که درین آن از طبقه علمای دینی هم کم نبود از حقیقت امر اطلاعی نداشتند و معارف آن در این راه منحصر بطالعه کتب ردیه ویا القاءات نادرستی بوده که ما این غرضان که در هرگروه و صنفی ممکن اند بآن بوسائل مختلف میا موقتند و حاصل آن موقعیت و شرایطی بود که جمع‌کمتری از مردم ایران که اکثریت قریب با تفاق آن ایمان بهایی را شنیده بودند مطلقاً از حقیقت اصول تعالیم امری خبر بودند و آنچه را بگمان خود حقیقت میشمرند کلام بتنی بروارونگی حقائق و بازنگی تفسیرها و تعبیرها بودا میدوا رماین گفته خلاف حقیقت نباشد که انقلابات اخیر وارد بر جا مدها مردم را ایران تجدید فرستی است که حق جل جلاله بینندگان خود عطا فرموده تا اهل بیا یکبار دیگر با فدا کاریها و جانشان نیها توجه مردم آن سرز مین مقدس را با این انقلاب روحانی متوجه دارند و ایران بی خبر نیز را مشاهده این قیام‌ها می‌بخش بهوش آیند و قدر نعمت بدانند

۱- حقیقت پژوه (۱۳۶۱)- دیانت بهایی یک نهضت سیاسی نیست

واگر از این برکت روحانی بهره نمی‌گیرند ارج کسانی را که چنین شهرت و شرافتی برای ایران ذخیره نهاده اند نکنند و هر تهمت و افتراقی را بحای حقیقت نپذیرند.

نکته‌ای که از مقدمه می‌توان حاصل کرد اینست که جاداردا ز مصیبتی که بر علوم ایرانیان وارد آمده مصیبیت قدرنا شناسی از موهبت و شرافت ظهوراً مرا زایران - نتیجه و عبرتی حاصل کنیم چه که هیچ تجربه‌ای هرچه همنا روا و جانگرا باشد نیست که نتوان از آن پندو نصیحتی آموخت و عاقل آنست که هر پیش آمدی را هر قدر هم منفی باشد بنتیجه‌ای مثبت پایان بخشد و آن اینست که در اظهار روابط ابلاغ حقیقت تعالیم مربدیگران کوتاهی نور زیم وابن نکته را فرا موش نکنیم که اگر تقلیل قلوب و تبلیغ نفوس موكول باراده‌الهی است ابلاغ کلمه و اظهار رحائق امر بہمت ما بستگی دارد.

بزرگترین خدمتی که درحال حاضر با ایرانیان که در سراسر ممالک غرب پراکنده‌اند از دست ما افراد بهائی ساخته است رفع اشتباها است که الحق جای سیاس است و آخرين آنها کتابی است تحت عنوان "بهائیان و ایران" که توسط مؤسسه پیامدostی بچاپ رسیده است و اگرچه نویسنده آن بنا متصریح نکرده ولی با مطالعه کتاب معلوم می‌شود که نویسنده‌ای توان است که در فهم معارف بهائی ذهنی روان و در نگارش بزبان فارسی قلمی رسادار دو بحق از عهده مطلب بخوبی برآمده است همچنانکه از عنوان کتاب دانسته می‌شود این رساله‌جوابی بهمراه دیرین "عدم علاقه بهائیان با ایران" است مطلبی که پایه آن بر اساس سوء تعبیر از تعالیم بهائی قرار گرفته وابن سوء تعبیر و اشتباه در فهم و درک حقیقت بعلت داشت ناقص و نارسا از پایه و اساس امر بهائی است.

مؤسسه نشریات پیامدostی که چند سالی بیش از تأسیس آن نمی‌گذرد شایان تحسین بسیار است زیرا مؤسسان آن بکمک همت در انتخاب مباحث و شئون و حفظ آراستگی و نفاست حقیقی و ظاهری نشریات متعدده مؤسسه سعی فراوان داشته و در این دوره انتشار آن کیفیت معنوی و وظایه‌ی جمع آمده است.

طرز بحث و تحقیق مؤلف محترم بسیار فاضله است. در متن بعضی مطالب و مکاتب از قبیل فلسفه ازوان و مهرپرستی و مانی و مزدک (۱۲) و فلسفه خسروانی و اشراق و تصوف (۱۹) اشاراتی شده که بعضی از آنها شناخته و بعضی گمانه‌زنی که پنهان بحث مبارحی چون اشراق و تصوف آنچنان وسیع است که نمايندگان فکری آنها با آنکه در ذیل یک عنوان جای می‌گیرند بیهیچ عنوان با هم سازشی ندارند و چه بسا که تفاوت آنها با یکدیگر کم از تفاوت هر یک با یک فلسفه دیگر خارج از حوزه اشراق و یا تصوف نباشد و مطلاع وحدت وجود نیز به مفهوم کلی و عرفانی آن استعمال شده به معنی اصطلاحی و فنی آن، ولی با یاد توجه داشت که مؤلف نظر بوسعت اطلاعات و معارف فقط اشاراتی از وسعت فکر و اندیشه ایرانی و کوششها و آرزوهای گذشتگان در توسعه فکر وحدت و اتحاد عرضه نموده و همچنانکه شخصاً نیز در پای ورقی صفحات ۱۹ و ۱۸ اشاره مینماید مطلقاً قصد مقایسه مانی و مزدک را با امر بهائی ندارد که قیاسی است مع الفارق و حقیقت الوهیت مذکور در آثار بهائی را نیز با مفهوم تصویری تجلی ظهوری صوفیان یکسان نمی‌پنداشد که حقیقتی است مطلق و متفاوت در ضمن مطالعه کتاب بمبحثی بر می‌خوریم (نگاهی بجهان امروز) که از درگیریهای سیاست‌های عصر حاضر متاثرا است مؤلف محترم با این نکته که بهائیان را در سیاست‌های محدود و متغیر جهان نقشی نیست متوجه است و بدین وسیله سعی دارد نشان دهد که اساساً نظامهای موجود به رکیفیت وجهتی موضع گزین باشد دیگر نمی‌شود باعوانی از قبیل وطن و ملت و روش سیاست که عموماً با وحدت عالم انسانی سازگار نیست مشکلات عالم را بر طرف نمود و عدالت برقرار رکردم مؤلف داشتند در ارائه

مدادارک تاریخی و بحث موشکافی ازانواع مخالفتها ؛ که بسیاری از طبقات دربرابر این بهای ۱براز داشته‌اند استادی بکار برده و بخوبی روش نموده است که گروهی بعلت تعصّب، تصوّرت خود را بعنوان مفاهیم مسلم بدبیگران تلقین کرده و تخدشمنی و عناد در بین مردم پراکنده اند و می‌پراکنند و سعی نظر که لازمه هر دانشمند محققی است در این اثر مشهود است مؤلف فاضل در موردی بگفت آقا ای مهندس مهدی با زرگان استشها دمیکنند شخصی که همواره با مربها ئی با نظر مخالف نگریسته است (۱)

در آخوندگان فصلی بعنوان ضمیمه شامل بعضی از آثار رومکا تیب حضرت عبدالبهاء جل شناهه مندرج است که از حسن درک و انتخاب نویسنده محترم شاهدی گویاست و آنها که از کتاب مدنیه نام میبرند فی الواقع خلاصه‌ای بس جا مع از آن سفرجلیل عرضه میدارند که هر خواننده مشتاقی را مجدوب عظمت این اثرگریم میسازد.

واژه‌نا مهیّسه در آخر کتاب اضافه شده از ابتکارات نویسنده است و بسیار مفید و مناسب و شایان تقدیر است. تعداد صفحات کتاب ۱۴۴ صفحه است. استفاده از این کتاب و اهداء آن بدروستان منصف غیر بهای توصیه می‌شود.

۲۱ از صفحه بقیه

معین و مقرر شده بود کاتب وحی را احضار و لوح مبارک و منیع کرمل را با جان ابهت و جلالی و عظمت و اقتداری با صدای بلند و رسا نازل فرمودند که گوئی زمین به جنبش و حرکت آمده ه صدای بلند و ساهیمنه و ندای رسای آن مظهر جلال و جبروت پروردگار و طنین آن در کوه مقدس خدا اصحاب را میهوت و رهبانان صومعه کارملیتها را حیران و سرگردان نموده بطوریکه عده‌ای از صومعه خارج گشته و در اطراف خیمه مبارک احتماء و به استماع ندای ملکوتی رب الجنود گوش فرا دادند

بطوریکه مشهور است جمال اقدس ایهی بعد از نزوا، لوح در موقع مراجعت رهبانان به هر یک از آنها یک اشرفی طلا عنایت فرمودند.

صومعه کارملیتها و غار ایلیا در آن ایام بقدوم مبارک جمال قدم مشرف و آن مکنه برای نسلهای آینده بشر متبرک گردیده بغير از لوح مبارک، کرما، الواحی چند به افتخار عده‌ای از اصحاب عزّ نزول یافت که از آن جمله لوحی است خطاب بحاج عبدالحمد که از مطالب آن شاء ن نزول لوح کرما، بخوبی آشکار میگردد در لوح مزبور حضرت بهاءالله باین بیان ناطق قوله عزّ بیانه: "جند یومی است که کوم الله مقر عرش واقع شده و این مقامی است که در کتب قبل مذکور و مسطور ندای حضرت روح در این مقام مرتفع و انبیای الهی کل را بظهور در این مقام بشارت داده‌اند" این است تل الهی از یومی که خلیق شده تا این ایام منتظر کاء سلقاء بوده الحمد لله بآن فائز شد و در مقامات متعدده ندا مرتفع و عرف ذکر ساطع و نور وجه لامع ظاهر شد آنجه که در کتب الهی از قبل مسطور بوده طوبی للفائزين و ویل للغافلین" ارجیق مختوم جلد دوم-

صفحة ٣٩٤

۱- اگرچه در این مورد آقا مهندس باز رگا در توجیه تعالیم قرآن مجید از روشنایی عوام اهل تفسیر خارج شده و مطابق تفسیر و توجیه بهائی از قرآن، موضوع معا مله پیغمبر اکرم صلوات الله علیه با اهل کتاب و عموم انسان را ببحث میگیرد. مطلب مذکور فی الحقيقة حاکی از تأشیر آفاقی کلمة الله است.

پارزگان شتن

اساد جوامد شیر مرد

«از جا ب دکتر شاپور جوانمردی»

برده تحصیلات عالیه بگمارد تا پس از فراغت از تحصیل با ایران آمده و بتعلیم و تربیت جوانان زردشتی پردازد، درجستجوی خود جوانی بنام جوانمرد را انتخاب و با خود بخرج انجمن بهند برد و پس از تحصیلات عالیه، جوان تحصیل کرده بنا م استاد جوانمرد با ایران آمده و دریزد در مدرسه کیخسروی که از طرف انجمن زردشتیان هند تاء سیس شد بتدريس پرداخت و جوانان تحصیل کرده و حاضر قبول مسئولیت های اجتماعی را تحويل اجتماع داد.

روزی استاد در حین عبور از ایزار مسلمین جسد مرد موّقی را بخاک و خون افتاده دید که مردم عوام برآن حسد حمله نموده سنگ وجوب میزند. استاد که به لباس زردشتیان ملبس بود بجلو رفته پس از دیدن منظره بسیار متاثر شده پرسیدگناه این شخص چه بوده که باین روز افتاده؟ مسلمین با تحقیر و تهدید میگویند ادعای شاختن موعود قرآن را نموده و بهائی بوده استاد فوق العاده غمگین و متاثر شده بفکر فرو میرود که ملت زردشت نیز منتظر ظهور موعود هستند و ادعای شاختن موعود حکم قتل ندارد، لذا تصمیم میگیرد طبق رسوم زردشتیان چهل روز (چله) صبح قلازلطوع آفتاب آتشکده رفته و بادعیه مشغول شود تا اگر حقیقتی در جهان ظاهر شده با و هم واضح گردد و اینکار را مرتبًا اجرا و روز چهلم بانها یتیم پسر که مطلبی با و واضح نگردیده از آتشکده خارج و بطرف منزل روانه میشود، در جلو آتشکده دو مردم مسلمان ملبس بعبا و عمame بسیار نورانی را ملاقات میکند

پس از حمله اعراب واستقرار دیانت اسلام در ایران زردشتیان کمدردیای مادیات و خوشیهای ظاهری غرق واژخدا و احکام زردشت کاملاً بیخبر و منحرف شده منهمک در شهوات نفسانی بودند مورده ظلم و تعذی شدید مسلمین و اعراب قرار گرفته و عده زیادی به دیانت اسلام گرویدند. عده ای که توانائی مادی داشته و مایل بقبول دیانت اسلام نبودند به هندوستان فرا رنموده و بعنوان پارسیان در آن کشور مستقر و بکسب و کار مشغول و تا امروز با این اسم با قیمانده اند. عده معبدودی از آنها نیز در ایران مخصوصاً "در شهرهای یزد و کرمان با قیمانده قبول همه گونه سختی، استهزا، و توهین را نموده و مبلغی را سالیانه بعنوان مالیات (جزیه) بمساجد مسلمین میپرداختند و این قضیه تا ظهور مبارک حضرت بهاء اللہ وجود داشت تا آنکه انجمن پارسیان هندوستان برای کمک به همدمیان خود شخص فهمیده و تحصیل کرده ای بنام مانگجی صاحب را انتخاب و با ایران روانه نمودند تا با سران دولت قاجار تماش گرفته پرداخت جزیه را از طرف زردشتیان لغو و وسائل تعلیم و تربیت نورسیدگان زردشتی را فراهم سازد. این مرد خوش قلب از هندوستان حرکت و در مدینه بغداد افتخار زیارت جمال قدس ابھی را یافت و هیکل مبارک با و عنایات فراوان فرموده اورادران جام اهداف عالی خود تشویق فرمودند.

مشارالیه در ایران موفق شد جزیه را الغو و زردشتیان را از پرداخت معاف دارد. دفعه ثانی که به یزد آمد درجستجوی حوان زردشتی با هوشی بود تا اورا با خودیه بمبنی

عزیمت ویرای بدست آوردن شجره نامه مبارک
 بجستجوی جناب ابوالفضل پرداخته ایشان
 را ملاقات و بآنچه که خواسته خود بود و اصل
 شده خاضعاً خاشعاً بالاغ امرالله پرداخته
 با دستوران و دوستان خود بمکاتبه و
 مصاحبه میپردازد و موققیت عظیمی شامل
 حالت میشود. با دوستانی جون ملابه را م،
 میرزا سیاوش سفیدوش، مستر خدا بخش،
 و پیمان بخدمت امرالله و هدايت نفوس
 مشغول میشوند و موردعنايت والطف جمال
 اقدس ابھی قرار میگيرند. از چهار
 فرزند ارشاد پسر و اولاد و احفاد در طرا
 امرالله در آمدند و یک دختر و یک پسر
 زردشتی با قیماندند. پس از صعود طبق
 وصیت کتبی خود اولین زردشتی بود که در
 شهر یزد بقوانین بهائی کفن و دفن شدند
 (زردشتیان در آن زمان عقیده به بخار سیردن
 جسد نداشتند و اجساد را با مراسمی مخصوص
 به قله کوهی برده و میگذاردند) جسد مطهر
 ایشان در قریه حسین آباد یزد که بهائیان
 خالص و مخلصی داشت با وجود مخالفت شدید
 دستوران و زردشتیان مدفون و چندین شب
 محافظین مخصوص از احباب درگلستان جاوید
 گذاشته شد زیرا زردشتیان تصمیم داشتند
 نیش قبر نموده وجسد استاد خود را مطابق
 آئین زردشت بقله کوه حمل نمایند.
 قسمتی از لوح هفت پرسش بر سنگ مرمر
 مقبره آن استاد عظیم حک شده است.

اعنیار
 لطفاً توجه فرمید در شماره ۱۹ مجله عذریب،
 صفحه ۸۲ و ۸۳ عکسها جایی شده است.

که اورا صد ازده میگویند ارباب (مسلمانها
 زردشتیان پولدار را ارباب صدا میزند) در
 این صحیح زود در آتشکده چکار میگردی؟
 استاد با ادب با چند کلمه کوتاه میگوید مشکلی
 داشتم برای حل آن بعد امشغول بودم.
 پرسیدند مطلب واضح گشت؟ گفت خیر و
 میخواست خود را از دست این دونفر که بنتظر او
 مسلم و دشمن زردشتیان بودند آزاد سازد
 ولی آندونفر با مهربانی و محبت بینظیری
 مطلب را از استاد جویا شدند و او که آنان را
 صادق دید مطلب را بیان کرد. آندونفر که
 کسی غیر از ابوالفضل و جناب حاج وکیل
 دوله افنا نبودند با کمال خوشحالی با
 استاد وارد مذاکره شده و خود را بهائی
 معرفی کردند و مژده ظهور مبارک را به او
 دادند. در همان سحرگاهی هردو به منزل
 استاد رفته و صحبت تسلیفی ادامه یافت،
 استاد حرفهای آنها را پسندیده ولی قلباً قبول
 ظهور موعود را نمود و از آندونفر خواهش
 کرد که محل و آدرس حضرت بهاء الله صاحب
 ظهور را با وبدهند. اظهار داشتن که هیکل
 مبارک زندانی عثمانیان در قلعه عکا
 هستند و استاد را گذاشته رفتند. استاد
 جوانمرد با خط بسیار زیبای خود که معروف
 است عریضه ای حضور مبارک عرض و جریانات
 را شرح و هفت سوال از محضر مبارک مینماید
 که هیکل مبارک جواب هفت سوال او را
 عنایت میفرمایند.

حضرت بهاء الله جل سمه الاعلی بفضل
 خود استاد را با فتخار نزول لوح مبارک
 هفت پرسش مفتخر میفرمایند و استاد محض
 وصول لوح مبارک آنرا بوئیده و بوسیده و
 اقبال مینماید و اینا مر را بفامیل و
 دوستان خود ابلاغ و از سمت خود در مدرسه
 استعفا نموده به هندوستان بستور مبارک



در قبرستان مموریال پارک Memorial Park cemetery در شهر اسکوکی Skokie در ایالت ایلی نویز Illinois آمریکا بدنیاله یک مراسم تشییع سا شرکت ایادی مرالله جناب ویلیام سیرز، شش نفر از اعضای هیئت مشاورین قاره‌ای آمریکا، کلیه اعضای محفل روحانی ملّی آمریکا، کلیه اعضای محفل روحانی ملّی کانادا، و اعضای هیئت معاونت، و نیز یانصد نفر یاران اندوهناک به خاک سپرده شدند.

صعود ایادی عزیزاً مرالله، جناب ذکرالله‌خادم علیه رضوان الله که از مشوقین خادمان مجله‌عندلیب و از مردوچیان امر حضرت بیزان بودند، موجب تأسف و تحسر شدید کلیه اعضای هیئت تحریریه عندلیب گردید. این هیئت در نهایت خضوع این فقدان عظیم را به عائله‌شریفه خادم خصوصاً قرینه‌گرامی ایشان، سرکار خانم جاوید خدمت خادم علیه‌باباء الله و اولاد ارجمندشان تسلیت عرض نموده و از حق جل جلاله صبر جمیل از برایشان مسئلت مینماید.
(هیئت تحریریه عندلیب)

ترجمہ سامِ بیت العدل عظیم الٰہی ور بارہ صعود ایادی محبوب امرالله جناب ذکرالله‌خادم علیہ رضوان الله و بہم

با قلوبی متألم صعود "مدافع جسور و خستگی ناپذیر" آئین یزدانی، ایادی محبوب امرالله، جناب ذکرالله‌خادم را اعلام میدارد. خدمات خالصانه اش به امر الٰہی، توجه و دقت تام و تما مشهداً نجا م وظائف محله‌ها را جانب ولی محبوب، مجهدات شایان توجهش در این عضویت محفل روحانی ملّی مهد امرالله، تشویقات و ترغیبات مؤثره اش در خطه آمریکای شمالی وبالاخص ایالات متحده که موجبات تعالی روحانی یاران را در آن صفحات فراهم آورد و کوشش‌های متواتیه‌اش در زمینه صیانت و وقايت عهد و میثاق و القای حب و ولای حضرت شوقي افتدي در قلوب یاران بواسطه سخنان و مرقومات عديده‌اش، نوری لايطفی با درخششی تابناک سر دوره‌ای که بنحوی تحسین آمیز در "حراست" امر الٰہی کوشید، برجای گذارد.

ضمن تقديم ادعیه در اعتاب مقدسه به جهت ارتقاء روح پرفتوحش، رجاداً ریم‌ناام وی جلسات تذکر شایسته در کلیه مشارق اذکار و تمام جوامع محلی بهائي منعقد گردد.

جزءی ترجمہ راز خبر میں "مشاعر ۱۶ نومبر ۱۹۸۶" میں

بیت العدل اعظم
بیت العدل اعظم الٰہی مراتب قدردانی خویش را نسبت به این "مدافع خستگی - ناپذیر" طی پیام مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۸۶ خطاب به یاران الٰہی درسراسر حهان شرح بالا ابراز داشته است:
ایادی مرالله جناب ذکرالله خادم که در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۸۶ پس از عمری خدمت صعود نمودند در تاریخ ۱۵ اکتبر

نَامَةُ اِمَادَى مَحْبُوبٍ اِمَرَّةِ جَنَابٍ ذَكْرُهُ خَادِمٌ عَلَيْهِ بَحْشَ اَمَّةٍ

خَطَابٌ بِجَامِعَةِ بَهَائِيَانِ اِيرَانِ مُقِيمٌ خَارِجَ اِزْكُشُورِ

توضیح آنکه این نامه قبل از اخراج تکیه است بهائی در ایران
نوشته شده.

دوستان عزیز:

در این اوان که آئین جهان آرای الهی در سراسر عالم بنحوی محیر العقول در پیشرفت و انتشار است و "جّ غیری ازموء منین و موء منات از شیخ و شاپ و غنی و فقیر و اُمی و ادیب و سیاه وسفید بر نصرت دین مبین" بروفق اراده و بیان مبارک مولای محبوب قیام نموده و "در بسیط غبرا" منتشر گشته اند و با عزمی راسخ و همت و انقطاعی بینظیر ندای الهی را به سمع جمیع قبائل و شعوب و اقوام و ملل رسانده و بشارات فتوحاتشان درستون اوراق و اخبار زیارت میشود و علانيةً از جمیع اقطار عالم ندای بلی بلی و لبیک لبیک مرتفع" است و نقشه‌های ملکوتی بیت العدل اعظم در نهایت اتقان در تقدیم و پیشرفت متاء سفاته معاندین امرالله در مهد آئین نازنین بزعم باطل خویش بهدم بنیان شریعت الله و موهسسات دین الله پرداخته و احبابی ستمدیده عزیز ایران را معرض هرگونه ظلم و ستم و شکنجه و آزار و حس و زندان و قتل و غارت قرار داده اند فباطل ما هم یطنون . سیل جارف امرالله را هیچ تنبدادی از سریان و جریان منع ننماید. احبابی عزیز ستمدیده ایران از بد و امر سلایا و محن خوگرفته و چنانچه در وقایع اخیر اثبات نمودند قضایای الهی را بحسان خریدارند و در سبیل تحقق بیان جمال اقدس ابهی جل کبریائه که "عاشقان جمال رحمانی از بلا پروا ندارند و از قضا احتراز نجویند از بحر تسلیم مشروب اند و از نهر تسین مرزوق" . به ثبات واستقامتی فائز شدند که جسم روزگار شیخ را مشاهده ننموده چه بسیار وقایع ناگوار که در تاریخ امر مبارک تکرار شد از آنجلمه آنچه در سیاه‌جا، طهران در محضر سلطان سلطان عشق جمال اقدس ابهی گذشت که اصحاب در عین گرسنگی و غلیبه، جوع، ید طهرا به اکل کباب نیالودند ملهمین عزیز بویر احمد و سایر جهات رو حیفدا هم هم از اکل طعام اذیذ از یداعدا ای امر امتناع نمودند و از قبول آنچه را که در سبیل جمال مبارک اتفاق نموده و معاندین از آنها بغارت برده بودند امتناع کردند و هزاران قضایا نظیر آن از مصائب و آلام و وقوع شهادات که صفحات تاریخ امر مبارک بذکر ایشان الى الابد مفتر و مزین است .

این است که بی‌سبب نبود مولای قدیر در آخرین پیام ملکوتی خود با احبابی عزیز ایران از بقیه احادیه مبارکه مقدسه مطہره، نورا با جشم اشکا رصلوات و تحياتی نثار فرمودند که! گرهر آن هزار جان نثار نمائیم از عهده شکرانه بر نیاییم : "صلوات الله والطاوفه و عزه وبهائه عليکم یا احباب الله و امامه و خیره خلقه... طوبی لكم الف طوبی لكم یا عزیاً لكم و یا روحًا لكم بما اجبتم ندائه... وحملتم الشدائد فی سیله... واقتديتم بالذین سقوکم من آباءکم واجدادکم... والانقطاع عن کل مساواه والترنج من صهباء الشهادة حُبًا لجماله" و در مقام دیگر: "ای یاران پروفایر قدر طوفان بلا شدیدتر و ارباح محن و رزا یا سوزنده تر گردد محیط اعظم امرالله امواجش مرتفع تر و جوش و خروش مهیب تر و درز ولئالی

افکنده اش بر ساحل وجود شمین تر و بدیع تر مشاهده شود ... مشیت حی قدر براین تعلق گرفته و حکمت بالغه الهیه چنین اقتضا نموده که خاصان حق در کشور مقدس ایران مال و منال حتی دم مطهر خویش را ایثار نمایند تا شجره امید سقایت گردد و به برگ و میوه های گوناگون مزین شود و بمرور ایام اقوام و قبائل، و ملل متنوعه متباغضه اروپ و امریک و تاجیک و افریک را در ظلیل شد آورد و تاء لیفدهد تعالیه هذه موہبة لامثیلها فی الابداع یتمناها اهل خباء المجد فی الجنة العلیا خوشحال شما ای برگزیدگان حضرت کیریا چه که نخبه احرارید و سورور اخیار در بوته امتحان کراراً و مراراً جون ذهب ابریز رخ بر - افروختید و از لواح افتتان خموش و افسرده نگشته شمایید سوروان حقیقی جنیالله شمایید منادیان حقیقی امر جمال ابھی ملح ارضید و چون شریان در حسم امکان نباشد عرق حیاتید و مایه نجات و سعادت جهان و جهانیان "، "اهراق دماء مطهره شهیدان ایران است که عاقبت الامر آن قلیم را جنت النعیم فرماید و بفرموده مرکز میثاق بها حضرت عبدالبهاء "دولت وطنی جمال مبارک را در جمیع بسیط زمین محترم ترین حکومات و ایران را معمور ترین بقاع عالم نماید" ، "اهراق دماء مطهره شهیدان ایران است که در این قرن نورانی و عصر گوهر افشار اعز ابھائی روی زمین را بهشت برین نماید و سراپرده وحدت عالم انسانی را کما نزل فی الالواح در قطب آفاق مرتفع سازد و وحدت اصلیه را جلوه دهد و صلح اعظم را تاء سیس نماید و عالم ادنی را مرآت جنت ابھی گرداند و یوم تبدل - الارض غیر ارض را بر عالمیان ثابت و محقق نماید" .

هموطنان اسم اعظم بروفق بیان جمال قدم "رضای دوست را به دوچهان ندهند و قضای محبوب را به فضای لامکان تبدیل ننمایند".

از اینtro احیا نازنین ایران در مقابل این قضاها و رزاها بحل تسلیم و رضا متممک اند و بتضرع بسارگاه جلال متشبّث چه مبارک بیانی است این بیان مبارک مناسب این ایام "الحزن والسرور اعتنقا" که از جهتی شاهد فتوحات محیر العقول امر مبارک در سراسر جهان هستیم و از طرف دیگر اسیر رنج و بلا و شدت محن و ابتلا .

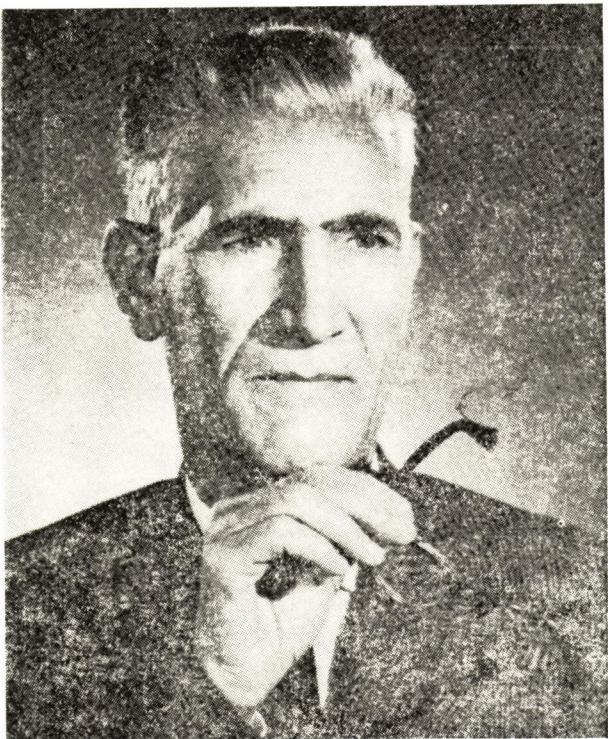
حال ای دوستان نازنین شما که در زمرة، یاران عزیز ایرانی و از هموطنان اسم اعظم محسوب و با این شرف و منقبت کری مفتخر و مورد آنمه الطاف و عنایات اکنون به هر تعییر جلای وطن اختیار کرده و در این بلاد رحل اقامت افکنده اید سایر برادران و خواهان و اقربا و کسان شما وبالجمله قاطبه، احیا محتتزده عزیز ایران در موطن اعلی گرفتار هزاران مصاعب و مشکلات اند و با کمال صر و شکیا ای و استقامت قضاای الهی را بجان و دل شاکر و حامد. عده، کثیری سرگردان اند و پریشان وی سروسامان که اگر تفصیل ذکر شود سیا، دموع ازعیون جاری خواهد شد. قریب دو هزار عائله که اگر افراد خانواره هاشان هم ضمیمه شود به چندین هزار بالغ خواهد شد با وجود مناعت و استغنای بی مثیل بوسیله محفل مقدس روحانی ملی اداره می شوند. اعضای محفلین مقدسین ملی و طهران و سایر محافل مقدسه روحانیه نورانیه به ثبات واستقامتی فائز شده اند که چشم ابداع نظریش را مشاهده ننموده اجرشان سا جمال مبارک. خلاصه آن یاران عزیز معرض محن و آلام و ما در این اقطار از نعمت آزادی بهره مند و برخوردار. آنان جان و مال و هستی خود را در سیا

جمال قدم در طبق اخلاص نهاده و پرجم امر را بانهايت افتخار در دست گرفته‌اند و از ما مرجع اعلای جامعه بیت العدل اعظم الٰی خواسته‌اند در نقشه‌های ملکوتی محافل مقدسه ملیّه شرکت کنیم و در سبیل هجرت و تبلیغ که بفرموده مرکز عهد جمال ابهی اکلیل اعمال است و مفناطیس تائیدات الٰیه قدم برداریم. "در مالک و دیار" بروفق و صایای حضرت عبدالبهاء منتشر شویم و "آواره" هر لاد و سرگشته هراقلیم" گردیم با رسفر بالاقالیمی که در سهمیه هریک از محافل مقدسه است بریندیم و اگر حقیقتاً وجود آن میسر نشود در نقشه‌های محلی محافل در اقالیمی که ساکنیم با کمال ذوق و شوق و انجذاب سهم خود را ادا نمائیم بعباره اخیری باروبنہ به قراء و قصباتی کشیم که جزء اهداف داخلی نقشه‌های مهاجرت است و باین طریق وفاداری خود را با این الٰی که همه چیز بمانعایت فرموده اثبات نمائیم تا این محافل مقدسه و عموم شهادت دهنده که هموطنان اسم اعظم در هر مرزویوم که ساکن در سیل عشق و محبت و بندگی جمال مبارک مانتد دریا پرحوشاند و بمثابه نهنج بحریقا در خروش وا زاین نیروی عظیم روحانی یعنی خلوص و انجذاب و همت و وفاداری شما احبابی عزیز ایران نتیجه و شمری عظیم حاصل گردد.

محفل مقدس روحانی ملیّ کانادا از این عبد خواسته‌اند بیامی در این باب حضور آن عزیزان معروض دارد و اضافه نماید چقدر هموطنان اسم اعظم در نزد محافل امریکا و احباب این دیار عزیزند و چه انتظارات و توقعاتی آن محافل از ایران عزیز ایران در سیل پیشرفت اهداف نقشه داشته و دارند دیگر تا چه کند همت والا می‌باشد.

پس از وصول مرقومه آن محفل مقدس این عبد بمناجات و تضرع و ابتهال پرداخت و بعضی از الوج و آثار مبارکه و پیامهای بیت العدل اعظم را زیارت نمود و در نتیجه باین نتیجه رسید که در این موقع تاریخی که ارکان نظم عالم بفرموده جمال قدم و محیی رم بسباب این نظم اعظم در اضطراب و انهدام است و عالم بشریت در آستانه سقوط و اض migliori و ولی امر محبوب الٰی یاران متحن جمال ایهی و هموطنان اسم اعظم را "یاران پروفایل"، "منادیان حقیقی امر جمال ایهی" و "ما یهنجات و سعادت جهان و جهانیان" خوانده از وظائف مقدسه روحانیه خود غفت نمائیم و با قلب پراحتراق بحل دعا و تضرع و تلاوت آیات ولوح مبارک احمد متشبّث گردیم و هریک از برای خود پرگرامی در سیل اجابت فرمان بیت العدل اعظم و تحقق اهداف نقشه ملکوتی هفت ساله ترتیب دهیم و در قیام به حرث بمالک عیده و در صورت عدم امکان به اهداف داخله (ولونقل مکان به نقطه‌ئی نزدیک بمحال سکونت فعلی باشد) بریکدیگر سقط‌گیریم و در قیام بفرائض دینی و وجودی خویش از جمله اجابت الوج مبارکه و صایا که "مفروض حقوق سبب شیوه ورسوخ و برکت در جمیع شئون گردد" قصور ننماییم و همچنین در تقدیم تبرعات و سایر خدمات و مجهودات که از خصائص جبلی احبابی عزیز ایران است عشق و بندگی خود را بآستان جمال قدم جلکریا به اثبات نمائیم که اگر بفضله و منته چنین شود زهی زهی افتخار.

بانهايت اعتذار از اینکه ناجا را مثال تقاضای محفل مقدس روحانی بوده و این مطالب را برای تذکر خود و آن عزیزان معروض داشت بهنگارش این سطور خاتمه میدهد و با جسم اشگیار و قلب متضرع الطاف و عنایات لاریبیه الٰیه را برای آن عزیزان دل و حسان ملتمنس و آرزومنداست. ذکر آن خادم



صَعُودْ خَادِمْ مُخْلِصْ ثَابِتْ قَدْمَ جَمَالْ أَقْدَسْ أَبْهِي ظَهُورْ اللَّهْ سِبْحَانِيْ مَتَّالِمْ، بِسْتَكَانْ وَدُوْسْتَانْ رَا زَادِ عَيَّهْ مَحْبَتْ أَمِيزْ، بِرَأْيِ ارْتِقَى رُوحْ پَرْفَتُوْشْ أَطْمِيْنَانْ دَهْيَدْ.

از صعود خادم مخلص ثابت قدم جمال اقدس ابهی ظهور الله سبحانی متالم، بستگان و دوستان را زاد عیّه محبت امیز، برای ارتقای روح پرفتوش اطمینان دهید.

بَيْتُ الْعَدْلِ الْأَعْظَمِ

جناب ظهور الله سبحانی نواده آقای سید احمد شهیدیکی از اصحاب قلعه شیخ طبرسی که بعد از شهادت ملا حسین بُشرویه، رهبری قلعه را با مرحوم قدوس بعده گرفت در سال ۱۹۱۴ در سنگسرمه تولد و بعد از اتمام تحصیلات در اجرای دستورات و انجام وظائف روحانیه و تبلیغ و مهاجرت تا خاتمه الیات موفق بودند.

صعود ایشان را بخانواده محترم سبحانی خصوصاً فرزندان برومندشان تسلیت گفته و علّت و درجات از برای آن متصاعدالی الله مسئلت مینماهیم.

(هیئت تحریریه عندليب)

صَعُودْ أَعْرَفْ لَاهَكَهَ نَعْمَلْ لَهَ ذَكَارَ بِرْضَهَارَ عَيْهِ رَضْوَانُ اللَّهِ

جناب کمال الدین رئوفی که از همکاران و دوستداران مجله عندليب است، ضمن نامه‌ای خبر صعود شاعر ماهر بهائی و نویسنده تذکرۀ شعرای بهائی، جناب نعمتالله ذکائی بیضافی را در ایران اعلام و متعاقباً "مرقومه کریمه مورخه ۲۵ اکتبر ۱۹۸۶ دار - الانشاء بیت العدل اعظم الهی را در این خصوص ارسال داشته‌اند که موئید صعود آن شاعر گرانمایه است.

جناب رئوفی خود نیز اشعاری درباره متصاعدالی الله سروده‌اند که بیت اول آن جنین است:

"اَيْ ذَكَائِيْ كَهْ دَرَاهَلْ فَضْلِ
ادِيْبِ سُخْنِ سُنْجِ دَانِ تَوْبُودِيْ:

هیئت تحریریه عندليب از وصول خبر صعود شاعر ماهر جناب ذکائی بیضافی بینهاست متاء سف گردید، فقدان آن ادیب گرانمایه را به ادباء و نویسنده‌ان جامعه بهائی و بازمانده‌ان متعارج به ملکوت ابهی تسلیت گفته و علو درجات روح پرفتوش را از ملیک مختار مسئلت می‌نماید.

در خاتمه ضمن اظهار تشکر از جناب رئوفی، متذکر می‌شود که ایشان دوقطعه از اشعار متصاعدالی الله را برای درج در مجله عندليب فرستاده‌اند که قطعه اول تضمینی از غزل نفر و دلکش جناب هوشمند فتح اعظم علیه بهاء الله بَهِيْ مَنْجَرَ رَبِّ مُزَمَّنَ مینی‌شد که در این شماره عیناً جا ب می‌شود. قطعه دوم بعنوان سلام بشهد است که بعداً در موقع مقتضی مبادرت بدرج آن خواهد شد.

تختی غزل از حکمت عزیز روح غله

طهرا ۳۱ لیلیت ۱۳۸۰ زکار بحضور

من بغیر از کوی تو ماء من ندارم
طاقتی دیگر بجان و تمن ندارم
تبیغ کمتر زن به تن جوشن ندارم

در قفس مرغ گرفتار تو بودم
بلیل بستان بی خار تو بودم
نو بهارا طاقت بهمن ندارم

جز بهجر دوست مارا غم نگیرد
زخم شمشیر غم مش مرهم نگیرد
گر خموشم راه در گلشن ندارم

میروی جانا یکی رو بر قفا کن
آخر ای آرام دل ترک، جفا کن
گر تو داری صردیگر من ندارم

چند ازگل دور مانم در بهاران
چند باش در شمار بیقراران
گا، ندارم لاله و سوسن ندارم

چند حیران در میان هایه وها
چند مانم در غم این گفتگوها
اختری در شام قیرآگن ندارم

همچو من آشفته ای بی پا و سر نیست
آن پری را سوی من اصلاً گذر نیست
یا دگر من دیده، روشن ندارم

بی تو ای آرام جان نبود قرارم
تاتوئی غمخوار دل من غم ندارم
تا تو دارم شکوه و شیون ندارم

تاتوا م در دیده کردی جا ز احسان
تاتوبرجان حکمرانی ای به از جان
خوف از امواج مرد افکن ندارم

غیر راه مردم عاقل نپویم
این بودا ز روزگاران رای و خویم
غم ز طعن دوست وز دشمن ندارم

ناز نینا باری آخر یاد ما کن
بگذر از بیگانه کار آشنا کن
من بحر آغوش تو ماء من ندارم

معبد نیلوفری

«از جاپ به الدین محمد عبّدی»

آسمان هند اکنون جلوه‌ای دیگر گرفت
موج دریا ماه را با بوسه‌ای در بر گرفت
زهره سرمست در بزم فلک ساغر گرفت
هاله روئای شب از گنبد اخضر گرفت
مجلس افلاکیان را نور سرتاسر گرفت
باید از کاخ هنر آئینه مرمر گرفت
با غرض وان جامه از مهتاب سیمین بر گرفت
گلشن عشا ق رنگ لاله احمر گرفت
دان من گلزار بوی عطر جانپرور گرفت
ارغوان از شینم الماس گون افسر گرفت
رنگ و بو از نوبها ر گلشن قمر گرفت
جون شقایق از حریر آتشین زیور گرفت
غنچه نشکفته رنگ گونه دلبر گرفت
از کدامین گل تو ان نقشی نکو منظر گرفت
میتوان الهام با اندیشه‌ای بهتر گرفت
بین گلها جای در آغوش نیلوفر گرفت
جون ستاره بر فراز جرخ زیب و فر گرفت
هندر از این مژده‌گانی تاجی از گوهه گرفت
مطرب محفل نوای عاشقی از سر گرفت
حلقه گل رام از سیتا مه پیکر گرفت
رقص سورانگیز شیوا حالتی دیگر گرفت
صلح اکبر مژده از آئین هوشیدر گرفت
شور در سرتاسر این ملک پهناور گرفت
خلعت تشریف از آن ساحت انور گرفت
علم و دانش منزلت از خاک این کشور گرفت
دولت حاویدا ز آن کلک افسونگر گرفت
لیک طرح این بنا عنوان زیباتر گرفت
آنکه از گفتار قند پارسی شکر گرفت

گر سپهر نیاگون زیائی از اختیار گرفت
مهر از گردون فرود آمد در آغوش زمین
ما هدر پیمانه سیمین شراب نور ریخت
معبد ناہید در جمع خدا یان هنر
شاد کاما ن هنر جون انجمن آراستند
کز برای معبدی بهر نیاز اهل دل
تا مگر الهام گیرند از زمین و آسمان
نرگس شیرا ز شد از این بشارت سینه چاک
از نسیم طرّه گیسوی سنبل در چمن
ژاله بر زلف بنشه تاج مروارید بست
نوگا، سرخ بهاری تاکه عطر اگین شود
سوسن آزاده در آرایش حسن و جمال
مریم از گلبوسه باد صبا شد شرمگیان
فکر طراح هنر حیران که در ساغ وجود
از کدامین گل که هریک شاهکار خلق تند
تا که از طرح بدیعیش مشرق ازاد کار هند
نازم اقبال چنین نیلوفری را کز شرف
عاشقان مژده که نیلوفر عروس هند شد
ریخت ساران شکوفه بر سر عاشق و باز
کام عاشق جهان شیرین شد از شهد وصال
نغمه سیtar را اوی پرده نو ساز کرد
بین هندو و مسلمان و مسیحی صلح شد
از بیام صلح بیت العدل و بانگ وحدت شد
حال در هندوستان این معبد نیلوفری
کشور هندوستان را دین بلند آوازه کرد
آفرین بر کلک، صهبا کاین بنای جا و دان
گرجه زیائی مطلق نیست در ملک هنر
امشب ای یاران هندی تهییت گویشماست

لیک در هندش فروغ از بخت روشنگر گرفت
خلعتی چون طیلسان^۵ از دست پیغمبر گرفت
پردها ن عنصری با سکه‌های زر گرفت
از کف سلطان عالم گنج بادآور گرفت
آنچه از گنجینه طبع سخن گستر گرفت
پرتوش از باخترا تا جانب خاور گرفت
افتناح معبد هندوستان فرخده باد
دولت اقبال بیتلالعدل مایا بینده باد

کوک عبدي در ایران گر نبودش طالعی
پیش از اين گرتالی حسان کعب بن زهير
با امير غزنوی در بین مدارا حان خويش
اين فقير آستان عشق جاي سيم و زر
تا چنین روزی نثار مقدم ياران گند
تا سراید در چنین جشنی که انوار سرور

۱- رام و سیتا : پادشاه و ملکه‌ای در تاریخ کهن هند داستان عشق و دلدادگی در ادبیات هند معروف است ۰

- ۲- راوی: راوی شانکار بزرگترین موسیقیدان معاصر هند و نوازنده سیtar
- ۳- حسان: حسان بن ثابت از سخنوران معروف عرب است ۰
- ۴- کعب بن زهیر: مدارح پیغمبر اکرم
- ۵- طیلسان : عبا
- ۶- امیر غزنوی: سلطان محمود غزنوی
- ۷- عنصری: ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری از بزرگترین شعرای قصیده‌سرا در دوره اسلامی ۰

قصیه اُصفه ۳۹

است به حال از این مقولات می‌گذرم . حال من خوبست وبقیه هم خوبند رویه ما خوبست .
صدای دعا از حجرات مختلف بلند است گواینکه سبحانک من ان تصعدالی سماء قربک اذکار المقربین
ولی با اینهمه دست از داشت بر نمیداریم تا مگر با اجابت دعا بتواند منش را از چنگ ما نجات دهد
دو سه شب پیش خواب دیدم که در کرمان مرا سمی برقرار راست و اتومبیلی با سرعت بسیار بیرون از غرب
بشرق در خیابان شاپور حسب با غملى در حرکت است و بنده میدانم که مرکز میثاق در آن اتومبیل
جالستند و من توفیق زیارت نصیب نشد ، بنده با اتومبیل دیگری در پشت سردر حرکتم . از جلو و
عقب اتومبیلی نیست مگر در طرف مقابل . بعد حدود نصف شب شد بخانه ای رفتیم جلسه صعود بود
دیدم همه درها ل و مهمنا نخانه اجتماع کرده اند . به ما مان گفتم چرا در اطاق خواب را بازنمی‌کنید
گفت کسی پشت در خوا بیده است از در دیگری به اطاق خواب رفتم تعداد کثیری خوا بیده بودند کسی
را که پشت در خوا بیده بود بیدا رکرد و جای دیگر خوا باند و در را با زکردم که همگان بیدار شدند
و اعتراض کردند که تازه خوا بیده اند ولی با اینهمه بلند شدند .

در رویا ای دیگری هم دیدم که صبح زود است و در معیت حضرت ابوی و پریوش و یک نفر دیگر به کوچه ای
رفته ایم در جستجوی شیرآبی که روز قبل دیده بودم . حضرت ابوی خیلی خسته بودند . به حال
شايدا این رویا ها در اثر ضيق قلب یعنی تنگی دل باشد و الامن کجا و رویا ای صادقه کجانکته ای نداز
با این مختصه بیفزایم یا ران سامان را یک یک بعرض تکبیر و بوشه محبانه تصدیع میدهم . محتاج
دعا هستم ... قربان شما

قسمت جوانان

جوانان عزیز:

زمانی که مجله عنده محدود بمحفل مقدس روحانی ملی بهائیان کانادا آغاز بکار نمود واولین شماره آن منتشرشد، شما عزیزان ملاحظه نمودید که صفحاتی به جوانان بهائی اختصاص داده شده که حاوی مقالات بزبان ساده و دربرخی ازموارد الواح و آثار مبارکه است. ضمناً "از جوانان عزیز نیز تقاضا شد که مقالات تحقیقی و حکایات تاریخی و اخبار و شارات خدمات جوانان را در میادین تبلیغ و هجرت باعکس و تفصیل برای ما بفرستند تا در این مجله چاپ شود.

متاء‌سفانه جز عده محدود تا حال با بامکاتبه را با عنده مفتوح ننموده‌اند، با وجود اینکه انتظار ما آن بود که سیل مکاتیه از اطراف و اکناف عالم بواسطه جوانان نیرومند و خدمتگزار امر نازنین الی بسوی عنده سرمازیر گردد ولی بقول معروف ماهی را هر وقت از آب بگیرند تازه‌است. اکر امروز شروع بفرمایند دیرتیست، ولی اگر موکول ببعد نمایند فردا خیلی دیر است. حق جل جلاله شما عزیزان را جوانان قرن یزدان نامیده. چه افتخاری اعظم از این میتوان یافت.

نیروی جوانی اقتضاً تحرک دارد و بسیار از جوانان هستند که بخدماتی والا! رجمند در عالم امر قائمند، و عنده هم مایل است که شرح حال این نفوس تهیه و منتشرشود تا موجبات تشویق خود آنان و علّت قیام دیگران گردد. ولی چه کسی باید بطور صحیح این اخبار و شارات را به مجله برساند. شما جوانان عزیز قرن یزدان هستید که باید اینکار را انجام دهید. آنان که خدمت میکنند ممکن است از لحاظ خصوص و خشوع بهائی نخواهند که جیزی از خود بنویسند، لکن این وظیفه مطلعین است که درباره آنها آنچه میدانند بنویسند و بفرستند.

اگرچه خود پسندی صفت خوبی نیست ولی ارسال اخبار خوش ازناحیه جوانانیکه شخصاً قائم بخدمات تبلیغی و اسفار تشویقی و قیس علی‌ذلک هستند منافاتی با خصوص و خشوع بهائی ندارد و علامت خود پسندی محسوب نمی‌گردد، مضافاً "با اینکه این‌گونه اخبار و شارات هرگاه ازناحیه شخص مقدم و قائم بخدمت نوشته شود اثراش بیشتر و نتایجش افزون است.

بهرحال منتظریم منتظر تانا مهای شما عزیزان برسد و چون مشکختن مشا محانا معطر کنند و شاراتش قلوب را تازه و خرم.

دو جوان بهائی از کانادا، جنابان دکتر داریوش اخوان و شاهرخ منجدب اسفار تشویقی به هنگ‌کنگ و آفریقا نموده‌اند که گزارشات واصله ذیلاً درج می‌گردد:

اولین کنفرانس بین‌المللی بهائی برای تبلیغ رأوی‌بینی در هنگ‌کنگ

اولین کنفرانس بین‌المللی بهائی برای تبلیغ نژاد چینی از تاریخ ۶ تا ۱۹ آگوست ۱۹۸۶ در هنگ‌کنگ برگزراشد. در این کنفرانس نمایندگان ممالکی که ملیت‌آنها چینی و یا دارای جامعه بزرگ چینی می‌باشند مانند کشورهای هنگ‌کنگ، تایوان، مالزی، ژاپن، سنگاپور، فیلیپین، آمریکا، و کانادا شرکت داشتند. دونفر از مشاورین قاره‌ای و سرکار حام صری مشاور و عصو دارالتبیع بین‌المللی نیز در این کنفرانس شرکت نموده بودند. هدف اصلی کنفرانس آشناشی و اطلاع نمایندگان از اخبار و نحوه تبلیغ و ابلاغ امرالله به‌جواب مختلف چینی در آن ممالک بود. هر نماینده گزارشی از فعالیتهای تبلیغی و تجربیات جامعه بهائی مربوطه در تبلیغ این نژاد را بکنفرانس ارائه نمود.



سخنرانان اغلب اشاره به فرهنگ و عقاید مذهبی جینی‌ها و رابطه و شاهت آن با اصول و تعلیمات دیانت بهائی می‌نمودند. آقای دکتر داریوش اخوان سینما یندگی از طرف لحنه ملی تبلیغ جینی‌های کانادا در این کنفرانس شرکت و گزارشی درمورد فعالیت تبلیغی بهائیان کانادا در جامعه جینی کانادا ارائه نمود.

باتوجه به اهمیت تبلیغ این نژاد امیدواریم تشکیل این کنفرانس موجب جلب توجه احباب عزیز و ازدیاد تبلیغ در جامعه جینی کانادا گردد.

ترجمه و تحقیق رپورت سفر تبلیغی کی ارجمندان معتبر کانادا به کشور آفریقای غربی، گانا (غمّا - GHANA)

... برای اینحانب بسیار مشکل است که عواطف و تجارب روحانی خود را درباره یاران کشور گانا که مملو از روحانیت و صفا و مهر و وفا هستند بروی کاغذ آورم. طی ۴۳ روز اقامت در گانا با واقعیات جدیدی از زندگانی در این جهان آشنا شدم، واقعیاتی که درک آن در جهان غرب امکان پذیر نیست. و نیز بخوبی دریافتم که چرا جمیع این این بشر می‌باشد درظل یک "دیانت واحد" مجتمع شوند.

در طول این سفر عنایات و راهنمایی‌های مستمر محفل مقدس روحانی ملی بهائیان گانا شامل حال این عبد و جناب "Tiati Zock" از اهالی کامرون و عضو سابق محفل روحانی ملی آن کشور گردید....

اولین مقصد منطقه "Ashanti"، یکی از ده استان گانا واقع در مرکز آن کشور بود. پس از مشورت با محفل ملی و مشاور قاره‌ای سرکار رخانم "Beatrice Asare"، طی دو هفته اقامت در آن ناحیه از شش مرکز محلی بازدید نمودیم. همه شب جلسات "ایلانگ عمومی امر" داشتیم و روز بعد با یاران ملاقات و تبادل نظر می‌کردیم و ضمن آن بیانیه " وعده صلح جهانی" را قرائت می‌نمودیم.



پس از آنچه این بخش از ماء موریت به "Accra" بازگشتم که محدداً "ماء موریت یافتیم بهناحیه غربی حرکت کنیم. اینبار محل اقامات در "Bowodieh" درنظر گرفته شده بود که قریه کوچکی است بسیار عقب افتاده و حتی نام آن در بسیاری از نقشه‌های جفرافیائی محلی کشور گانا مذکور نیست... در این قریه یاران اظهار میداشتند که همواره از خدا طلب میکرده‌اند در امر تبلیغ مددشان فرمایدواضافه کردند که "علیرغم کوشش‌های که میکردیم اهالی هنوز تصور مینمودند ما یکی از فرق مذهبی هستیم که بطور ایدآلی تبلیغ میکنیم و مقصدمان آن است که عده بیشتری را به فرقه و کلیسا‌ی خود جذب نمائیم... حال که شما آمده‌اید بآنها نشان خواهیم داد که بر اثر تعالیم حضرت بهاءالله جه روح وحدت و یگانگی ایجاد شده است."

طی مدت ۲۵ روز در آن ناحیه همراه با یکی از دو تن اعضای محفل که از نظر ترجمه‌نیز همکاری داشتند، به نقاط عدیده‌ای برای ابلاغ کلمة الله درین ساکنان قراء و قصبات، و تقویت بنیه روحانی احبابی آن سامان عزیمت نمودیم...

با قلوبی مملو از سرور و حب‌الهی از آنچه به Accra عزیمت کردیم و بقیه ایام اقامات در گانا را در آنچه‌گذرانده، بیاران سه‌ماهی آنچه در فرصتها مختلف ملاقات داشتیم و حاصل تحارب اسفار تبلیغی را با ایشان در میان گذاشتیم.

در چهارم جولای با یکدیبا شف از ملاقات بیاران، و در عین حال تاء‌سف از ترک ایشان، از کشور گانا خارج شدم. همان‌گونه که حضرت ولی عزیزا مرالله می‌فرمایند: "جوانان ساید امر قیام به تبلیغ را بیا موزنده و در احیان جوانی به میادین خدمات تبلیغی قدم گذارند و باین موهبت و منقبت عظمی نائل آیند". (ترجمه)

حال باید اضافه کنم که این سفر تبلیغی گرچه در جمع کوتاه بود، تصویری از زندگانی را در نظرم ترسیم کرد که بلاشک مرا در خدمات آتی امری کمک و مساعدت خواهد نمود. جوانان باید به نقاط بعیده و نیازمندیان سفر کنند و از نزدیک موهبت و لذت خدمت به آئین جمال مبارک را درک نمایند.

خطبہ امّۃ الہبّا، روحیہ خانم ناینہ مفترم بیت العدل عظیم آئی در مراسم فتح مسجد شبه قاره هند

(ترجمہ)

بسیار مفترم کہ از طرف بیت العدل اعظم، عالیترین مرجع دیانت بهائی، ام المعابد شبه قاره هند را بجهت دعا و نیاش عموم طیقات مردم، افتتاح کنم.

قریب هفتاد سنه قبل، در سال ۱۹۲۰، جمعی از احبابی بمبئی که آرزوی ساختمان بک معبد بهائی را بنام حضرت بهاء اللہ، موئسس آئین بهائی، در دل میپروراندند، استدعای خویش را بحضور حضرت عبدالبهاء، رئیس وقت دیانت بهائی و فرزند حضرت بهاء اللہ، معروض داشتند که مورد عنایت و قبول حضرتش واقع شد و دعا فرمودند که ساراده الهی یک مشرق لاذکار، که بمعنای مطلع و محل ذکر الهی است، دریکی از شهرهای مرکزی هندوستان بنا گردد. سپس ولی امر بهائی بنوبه خود محل این مشروع را "دھلی نو" تعیین، و مقرر داشتند که استیاع زمین آن یکی از اهداف نقشه حضرتش بنا "جہاد کبیر اکبر" باشد. بیت العدل اعظم نیز در پیا م ۱۹۷۴ خود خطاب به بهائیان سراسر جهان بشارت دادند که ساختمان این مشرق لاذکار تاریخی در این بخش از قاره آسیا طی نقشه پنجمانه آینده آغاز وکلیه مقدمات کار و خاکبرداری اولیه اش در آن دوران پایان یابد.

با تبرّعات فداکارانه و عاشقانه باران، نه تنها از هند بل از هر کشور و سرزمین و جزیره عمدہ جهان، موجبات بنای این لوتوس مرمری عظیم، این رمز پاکی و جمال و کمال و رحمت که از جانب خالق عالم به قاطبه بندگانش اعطای شده، ما را در نهایت اطف و کرم در آغوش میگیرد و بما میآموزد که در غایت صلح و صفا متحّد و متفق شویم، و به تمام مردمان از هر طایفه، نژاد، ملیت، وطبقه در ابواب ورودیش خوش آمد میگوید و به همگان اعلام میکند که این معبد برای سه مقصد اصلی، که از اهداف اساسی و حیاتی دیانت بهائی است، گشایش یافته؛ وحدت خدا، وحدت مظاہر الهی، و وحدت عالم انسانی.

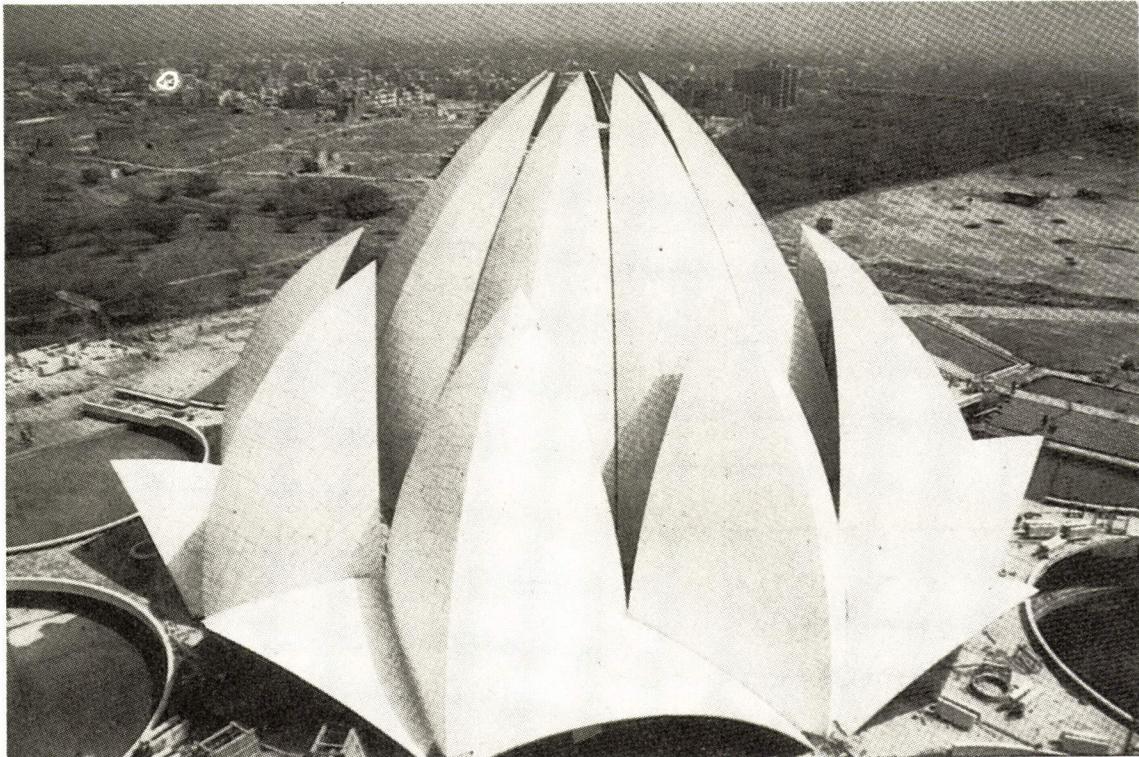
در این طالار از جانب بیت العدل اعظم حضورتان را خوشامد گفته و از شما دعوت میکنم با تفاق کلمات مقدسای را که بعقیده ما حقایقی جاودانی و اساسی است و از سوی پروردگار در اعصار مختلفه برای هدایت و نجات نوع انسان نازل شده، استماع کنیم.

اکنون تقاضا دارم بیان خاسته و بیان ادعیه، نازله از قلم موئسس آئین بهائی، که به نمایندگی از سوی بیت العدل اعظم قرائت میکنم، توجه فرمائید. ۲

۱ لوتوس بمعنای نیلوفر آبی است، یعنی نیلوفری که در آب رشد و نما میکند. (مترجم)

۲ دوفقره ادعیه نازله از قلم اعلیٰ که زبان انگلیسی توسط حضرت امّۃ الہبّا، تلاوت گردید، پس از یافتن متون اصلی در عنديلیب چاپ خواهد شد. (هیئت تحریریه)

جشن افتتاحیه مشرق الاذکار شبه قاره هند



به ۷۵۰ میلیون نفر، روشن و حتی خیره ساخته است.

دراین مختصر سعی ما بر آنست که وارد جزئیات ساختمانی و معما ری نشویم و با استحضار برسانیم که این معبد با تبرّعات کریمانه و فداکارانه میلیونها هندی و غیر هندی از سراسر عالم بهائی، همانند تمام مشروعات و تأثیرات بهائی، بدون قبول دیناری کمک از فرد یا موئسسه غیربهائی، با عشق و تلاش و عرق جبین جمعی افراد فداکار و از خودگذشته، از مهندس معمار اصلی گرفته تا ساده ترین فرد کارگر، بر پا گردیده است. آنانی که با مسائل ساختمان، آنهم ساختمانی با این عظمت در نقطه‌ای نظری دهلی نو، آشنا نی دارند، اعم از بهائی و

مشرق الاذکار هندوستان، با بعارت صحیح‌تر ام المعابد شهقاره هند، با اعتباری هشتمن و بجهتی هفتمین مشرق الاذکار عالم بهائی است. اختلاف محاسبه برسر مشرق - الاذکار عشق‌آباد میباشد که براثر زلزله بالکل از میان رفته است.

این مشرق الاذکار بسیار زیبا، پر حال، روح‌خش، و بیحد شادی‌آفرین که بشكل گل لوتوس که آنرا نیلوفر آبی نیز گویند، پس از مشارق اذکار عشق‌آباد، ویلمت، فرانکفورت، کامپالا، پاناما سیتی، سیدنی، و آسیا (ساموا) بنا گردیده و انتظار میلیونها انسان اعم از هندی یا غیرهندی را در سرزمین وسیع هند با جمعیتی قریب

قدّرى بـه عـقـب برـگـرـدـيم . بـيـشـتـر يـارـان
 شـركـتـكـنـنـدـه درـجـشـنـ اـفـتـتـاحـيه ، قـبـلـاـ زـعـيـمـتـ
 بـهـهـنـدـ ، كـتاـبـچـهـ رـنـگـيـ زـيـبـائـيـ رـاـ كـهـحـاوـيـ
 مـطـالـبـ وـ تـصـاـوـيرـ اـزـ مـشـرقـ الـاذـكـارـ وـ
 رـاهـنـمـائـهـائـيـ دـرـبـابـ ثـبـتـنـامـ وـسـاـيـرـمـواـردـ
 دـاشـتـدـريـاـفـتـ وـمـطـالـعـهـ كـرـدـهـاـنـدـ . بـراـستـىـ
 مـطـالـعـهـ آـنـ قـبـلـازـ وـرـودـ چـدـرـ بـهـ شـرـكـتـ .
 كـنـنـدـگـانـ كـمـكـرـدـ . اـزـ هـنـگـامـ خـرـوجـ اـزـگـمـرـكـ
 فـرـودـگـاهـ ، اـفـرـادـ وـعـوـمـلـيـ اـزـسـفـرـآـمـدـهـ رـاـ بـاـ
 درـكـارـ بـوـدـنـدـ كـهـ اـحـيـاـيـ اـزـسـفـرـآـمـدـهـ رـاـ بـاـ
 اـتـوـبـوسـهـائـ تـداـرـكـ دـيـدـهـ بـهـهـتـلـ هـاـيـشـانـ
 اـعـزـامـ دـارـنـدـ . اـيـنـ مـسـئـلـهـ اـيـاـبـ وـ ذـهـابـ
 درـطـولـاـ ، اـيـاـمـ بـرـگـزـارـيـ مـرـاسـمـ بـطـورـ نـسـبـتـاـ
 خـوبـ وـقـاـبـلـ قـبـولـ ، وـحتـىـ درـبـعـضـيـ موـارـدـقـاـبـلـ
 تـوـجـهـ ، بـرـقـرـارـ بـودـ .

اـزـ جـزـئـيـاتـ مـرـبـوطـ بـهـثـبـتـنـامـ وـدـرـيـافـتـ
 وـالـصـاقـ كـاـرـتـهـائـ شـنـاسـائـ وـنـظـائـرـ آـنـ
 مـيـگـذـرـيمـ وـاـدـاـمـهـ مـيـدـهـيمـ . گـرـجهـ زـيـانـهـائـ
 رـسـمـيـ جـشـنـ انـگـلـيـسـيـ وـهـنـدـيـ بـودـ وـلـىـ
 تـرـتـيـيـاتـىـ دـادـهـ شـدـهـ سـوـدـ كـهـ يـارـانـ فـارـسـيـ
 زـيـانـ بـزـيـانـ فـارـسـيـ نـيـزـ بـهـرـهـ گـيـرـنـدـ .

سـرـنـاـمـهـاـ مـعـمـولاـ بـاـقـدـرـىـ تـاءـخـيرـ وـلىـ
 بـدـونـ تـغـيـيرـاتـ عـمـدـهـاـيـ درـآـنـ ، هـمـهـ رـوزـهـ صـبحـ
 وـعـصـرـ بـرـگـزـارـمـيـشـدـ . درـاـيـنـ جـلـسـاتـ بـطـورـكـلـىـ
 مـوـسـيـقـىـ وـنـوـاهـائـ مـخـتـلـفـهـ بـخـشـمـهـمـىـ اـزـ
 بـرـنـاـمـهـ رـاـ تـشـكـيلـ مـيـادـ وـ اـيـنـ خـودـ بـرـ
 رـوـحـانـيـتـ حـلـسـاتـ مـيـاـفـزـودـ . ذـيـلاـ" بـرـنـاـمـهـ
 رـوـزـانـهـ بـرـگـزـارـيـ مـرـاسـمـ جـشـنـ اـفـتـتـاحـيهـ رـاـ
 باـخـتـصـارـ ذـكـرـ مـيـنـمـاـيدـ :

روـزـ اـولـ : سـهـشـنـبـهـ ۲۳ـ دـسـاـمـىـرـ -
 استـادـيـوـمـ اـيـنـدـيـرـاـ گـانـدـىـ Indira Gandhi
 اـيـنـ جـلـسـهـ بـاـنـظـامـتـ سـرـكـاـرـخـانـمـ شـيرـينـ
 بـوـمنـ وـمـشـاـ وـرـقـارـهـائـ جـنـابـ دـكـتـرـ اـيـرجـاـيـمـنـ
 دـقاـيـقـىـ پـسـ اـزـسـاعـتـ ۳ـ بـعـدـاـ زـظـهـرـ آـغاـزـگـشتـ .
 پـسـ اـزـتـلـاوـتـ مـنـاجـاتـ وـآـثـارـالـهـيـ بـهـالـسـنـهـ

غـيرـبـهاـيـ ، مـتـخـصـصـ درـفـنـ سـاخـتمـانـ يـاـ غـيرـ
 مـتـخـصـصـ درـاـيـنـ رـشـتهـ ، مـتـفـقاـ" سـرـاـيـنـ قولـيدـ
 كـهـ فـقـطـ عـشـقـ وـاـزـخـودـگـذـشـتـگـيـ وـ تـائـيـدـاتـ
 وـعـنـاـيـاتـ الـهـيـهـ توـانـتـهـاـ استـ جـنـينـ مـشـروعـيـ
 عـظـيمـ رـاـ بـوـجـودـ آـورـدـ وـلـاـغـيرـ . بـيـحـتـ نـيـسـتـ
 كـهـ زـمـينـ مـشـرقـاـلـاـذـكـارـ درـنـقطـهـاـيـ اـزـ جـنـوبـ
 شـرقـىـ دـهـلـىـ وـاقـعـ شـدـهـ كـهـ بـرـكـتـنـامـ
 مـقـدـسـ حـضـرـتـ بـهـاءـالـلـهـ اـزـقـبـلـ "بـهـاـپـورـ"
 خـوانـدـهـ مـيـشـدـهـ اـسـتـ .

زمـنـ ۲۶ـ جـرـبـيـيـ اـيـنـ مـعـبـدـ بـاـ هـمـتـ وـ
 فـدـاكـارـيـ غـيرـقـاـبـلـ وـصـفـ فـرـدـ مـوـءـ مـنـ مـخلـصـيـ
 اـبـتـيـاعـ وـاهـدـاءـ شـدـهـ كـهـقـرـارـاستـ شـرـحـ
 پـرـاحـسـاسـ آـنـرـاـ جـنـابـ اـفـشـيـنـ ، مـشـاـ وـرـمـحـتـرـمـ
 قـارـهـائـ ، هـمـرـاـهـ عـكـسـ بـرـايـمـانـ اـرـسـالـ
 فـرـمـاـيـنـدـ .

اـيـنـ سـاخـتمـانـ كـهـبـشـكـلـ ، گـلـ وـبرـگـهـائـ
 نـيلـوفـرـ "آـبـيـ" بـناـشـدـهـ ، بـرـرـوـيـ نـهـ استـخـرـ
 زـيرـ وـرـودـيـهـائـ نـهـگـانـهـ مـعـبـدـ قـرـارـ دـارـدـكـهـ
 هـرـ استـخـرـ نـمـاـيـنـدـهـ يـكـ بـرـگـاـزـ لـوـتوـسـ روـيـ
 آـبـ استـ ، وـاـزـ ۴۵ـ گـلـبـرـگـ دـاـخـلـىـ وـخـارـحـىـ
 تـرـكـيـبـ يـاـفـتـهـ كـهـتـمـاـمـاـ بـاـ مـرـمرـ سـفـيـدـ
 پـوشـيـدـهـ شـدـهـ اـسـتـ .

شـركـتـكـنـنـدـگـانـ درـجـشـنـ ، تـاـ دـهـهـزاـرنـفـرـ
 تـخـمـينـ زـدـهـ شـدـهـاـنـدـ وـ جـزـ درـتـاـرـيـخـ ۲۴ـ -
 دـساـمـبـرـ كـهـ مـرـاسـمـ رـسـمـيـ اـفـتـتـاحـ مـعـبـدـ اـدـرـ
 سـاخـتمـانـ مـشـرقـاـلـاـذـكـارـ) اـنـجـاـمـگـرفـتـ ، بـقـيـهـ
 مـرـاسـمـ درـ اـسـتـادـيـوـمـ اـيـنـدـيـرـاـ گـانـدـىـ بـرـ
 گـزـاـرـشـدـ كـهـ درـ ضـلـعـ شـمـالـ شـرقـىـ دـهـلـىـ وـاقـعـ
 اـسـتـ وـ بـاـ مـشـرقـاـلـاـذـكـارـ مـسـافـتـ نـسـبـتـاـ "طـولـانـىـ
 دـارـدـ .

طاـلـارـ اـسـتـادـيـوـمـ ، محلـ بـرـگـزـارـيـ مـرـاسـمـ
 جـشـنـ اـفـتـتـاحـيهـ مـشـرقـاـلـاـذـكـارـ ، طـرـفيـتـ بـيـشـاـزـ
 ۲۵ـهـزـارـ نـفـرـ رـاـ دـارـدـ كـهـبـرـاـيـ اـنـجـامـ اـيـنـ
 مـنـظـورـ بـهـ دـوـبـخـشـ تقـسيـمـ شـدـ وـ فـقـطـ بـخـشـ
 شـمـالـ غـربـىـ آـنـ مـورـدـاـسـتـفـادـهـ قـرـاـرـگـرفـتـ .



نسبی قاب، توجهی در مقابل سیا، متحرک جمیعت، کفشهای خودرا در کیسه‌های مخصوص پلاستیکی قرارداده به مراقبین می‌سپردند و پای برخنه از روی پله‌های این معبد عظیم بسوی سالن مرمرین حرکت می‌کردند. بخش مرکزی طالار که دارای ۱۳۰۰ صندلی بود و همچنین فضا‌های جنبی که بصورت ایوان‌های وسیع در فواصل درهای ورودی نه‌گانه طالار قرارداشت و بطور موقعت برای نشستن حضار مفروش شده بود، بطور مجموع جمعیتی حدود سه‌هزار نفر را دربر می‌گرفت. این جلسات افتتاحیه که بفاصله تقریباً سه ساعت از یکدیگر در همین روز منعقد گردید، از نظر روحانیت اگر بی‌نظیر نبوده بلاتر دید نادر و کمنظیر بوده است. در هر یک از جلسات یا یی افتتاحیه آوای "کُر" و مناجات و الواح بزبان‌های مختلف هندی و انگلیسی و سانسکریت و فارسی و عربی و در چند مورد آوازهای دسته جمعی ترکیبی، آغازگر هر جلسه بود. آنگاه متونی از آثار الهیه‌ازادیان مختلف جهان، غالباً "بزبان انگلیسی و تعدادی بلسان محلی هندی تلاوت شده می‌توان

مخالفه جناب K. Khemani رئیس محقق روحانی ملی هند به حضار خوش‌آمد گفتند و می‌همانان عالیقدر بالا خصوصیت از حضرات ایادی امرالله حاضر در جلسه، امة‌البهاء روحیه‌خانم، جناب ویلیام سیرز، و جناب کالیس فدرستون را معرفی کردند و آنگاه‌نام ممالکی که محاافل ملیه‌آن نماینده خاص اعزام داشته بودند، خوانده شد. سپس برنامه جالب ارائه اسلایدهای ساختمان مشرق‌الاذکار بمنظور استفاده و سائط ارتباط جمعی، اجرا گردید. در این وقت جناب فریبرز صهاء، آرشیتکت معبد، بیانات جالبی ایراد کردند تا نوبت بایادی امرالله امة‌البهاء روحیه‌خانم رسید که سخنرانی خویش را تحت عنوان "مشرق‌الاذکار - وسیله ایجاد روحانیت در عالم" ایراد و حضار را مسحور بیانات شیوا و دلیل‌خود فرمودند.

روز دوم: جهارشته ۲۴ دسامبر - سالن مشرق‌الاذکار

این یوم که اهم ایام و مقصد و هدف اصلی از شرکت‌یاران در مراسم این جشن عظیم بود، به افتتاح رسمی مشرق‌الاذکار اختصاص یافته بود. طبق برنامه و ترتیب از قبل داده شده، شرکت‌کنندگان در جشن به سه‌دسته تقسیم شده بودند که هر دسته با رنگ مخصوصی روی کارتهای شناسائی مشخص می‌گشتند. یاران تدریج و با نظم و ترتیب خاصی که جالب انتظار عموم بودیا اتوسوس به درب ورودی وارد و بمحوطه مشرق‌الاذکار داخل می‌شدند و مسیر طولانی تا پله‌های معبد را که تسطیح و بطور مقدماتی با غچه‌بنشیدی شده و اطراف تمام با غچه‌ها با گلها دست چین که بصورت زنجیره‌های کلاف شده ترئیس یافته بود، طی می‌کردند. در کنار پله‌ها چند محل تعبیه شده بود که بیاران با سرعت



شرکت کنندگان اعم از غنی و فقیر، نمایان بود.

روز سوم: پنجمین ۲۵ دسامبر - استادیوم ایندیرا گاندی

نظامت جلسه صبح با سرکار خانم شیرین فوزدار و جناب دکتر سینگارا ول و Dr. S. Velu و سخنران اصلی این جلسه ایادی عزیزا مرالله جناب ویلیام سیرز بودند که بیاناتی محکم و دلپذیر درمورد "مقام بیت العدل اعظم و نفوذ آن بر روی حهان" ایراد و پس از برنا مهای از موسیقی، پیام ایادی عزیز فقیدا مرالله جناب ذکرالله خادم علیه رضوانالله توسط همسر محترمهشان سرکار خانم جاوید خادم قرائت و قلوب یاران حاضر در جلسه راغرق در ماتم از دست دادن این یار و فادر و خادم امرالله وعاشق خالص حضرت ولی محبوب امرالله نمود.

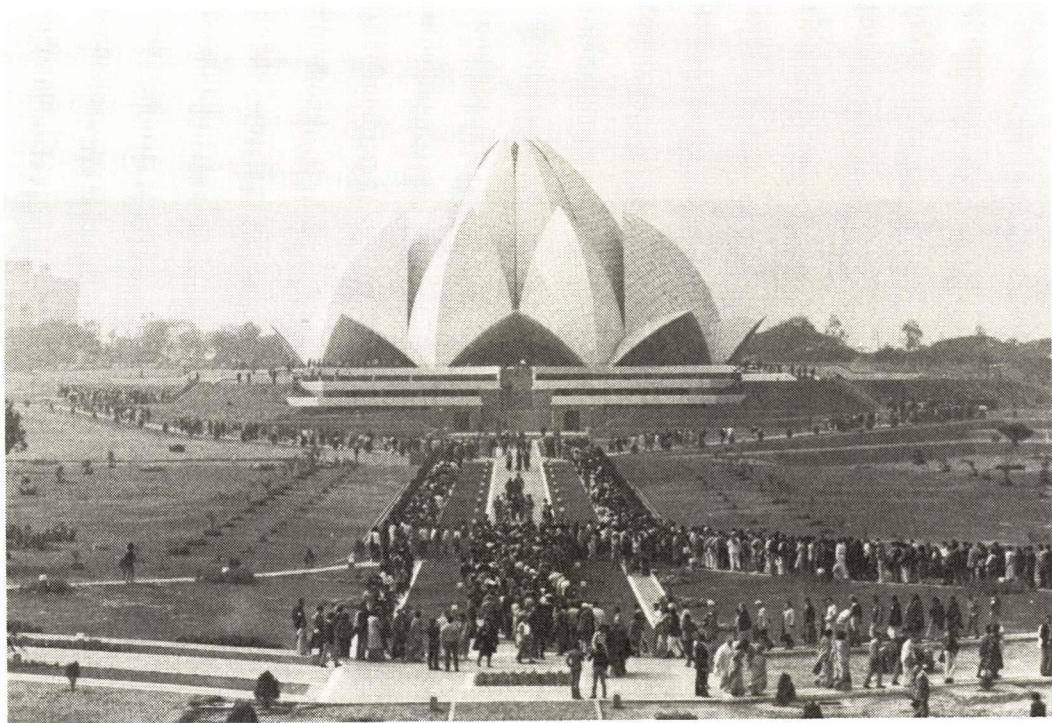
نظامت جلسه بعداً ظهر با حناب داگلاس مارتین از ارض اقدس و تم اصلی کنفرانس

آثار حضرت رب اعلی، آیات مقدسه هندو (ودا)، آثار حضرت بها اللہ، آثار مقدسه زردشتی (زند اوستا)، آثار مقدسه بودائی (سوتا)، انجیا، جلیل، تورات مقدس، و قرآن محید رانام برد. و بالاخره مناجات نازله از قلم اعلی درخصوص وحدت و اتحاد قلوب، مسک الخاتم این بخش از برنا مه بود. آنچه در میان جمع چون شمع میدرخشد وجود حضرت حرم، امتا الیاء روحیه خانم بود که پس از برگزاری قسمتهای افتتاحیه دعا و مناجات پیاختند وار سوی بیت العدل اعظم الہی به حضار خوش آمد گفتند و طی بیانات کوتاه ولی بسیار پرمغز، مشرقی لاذکار را رسماً افتتاح و بشارت گشودن ابواب آن بر روی تمام افراد بشر از هر نژاد و مسلک و مذهب و عقیده ای را اعلام فرمودند که ترجمه بیانات معظّم لها را در همین شماره بطور حداً گانه ملاحظه می فرمائید.

روحانیت و جلال توأم با سادگی و صفا و عظمت و غنای معنوی این جلسه تاریخی آنچنان بود که آثارش در سیمای قاطبه

عزیز ام رالله جناب کالیس فدرستون بیاناتی شیوا و آموزنده درباره "نیاز به ارزش‌های روحانی" ایراد و سپس مشاور محترم قاره‌ای جناب برها ن الدین افشین تحت عنوان "فداکاری - جوهر خدمت بآئین الهی" بیاناتی نفر و دلنشیں بیان داشتند. نظامت جلسه بعداً ظهر با جناب Bharat Koirala از کشور هندوستان بود. در این جلسه ادعیه و مناجات توسط کودکان و برنامه‌ای تحت عنوان "نقش جوانان" به وسیله جوانان کشورهای مالزی و هند اجرا شد و پس از استماع بخشی از موسیقی بارگیر، حضرت حرم، امۃ البهاء روحیه خانم تحت عنوان "معبد بهائی برای وحدت خدا، وحدت انبیای الهی، وحدت عالم انسان

پیشرفت امرالله بود که بترتیب بـ سخنرانی مشاور محترم و عضو دارالتبلیغ بین‌المللی جناب دکتر پیترخان در موضوع "پیشرفت امر درجهان" و بیانات مشاور محترم قاره‌ای جناب Vicente Samaniego تحت عنوان "پیشرفت امر در قاره آسیا" و سخنان مشاور محترم قاره‌ای سرکار خانم زینا سُرابجی دریاب "پیشرفت امر در هند"، انجام گرفت. آنگاه جناب Ramnik Shah منشی محترم محفل روحانی ملی بهائیان هند نمایندگان نفوس و قبایل هندوستان را معرفی کردند و هریک از نمایندگان بیاناتی ایراد نمودند و با انجام سایر مواد برنامه از جمله موسیقی، این جلسه پایان یافت.



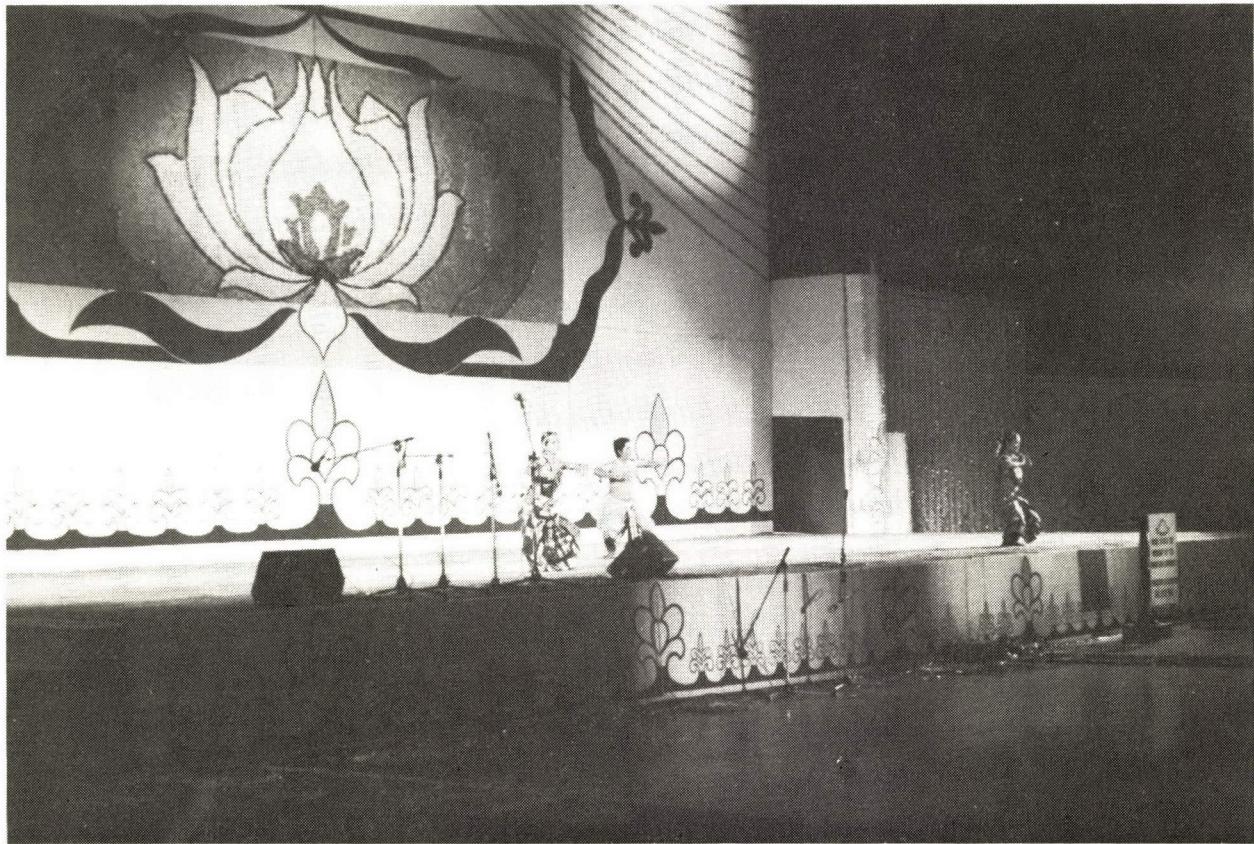
افتتاح شد" بیاناتی پرمغز و سراپا روحانیت ایراد فرمودند. در پایان نیز کودکان برنامه ویژه‌ای اجرا نمودند و به این ترتیب جلسه آنروز نیز پایان پذیرفت. روز پنجم (پایان برنامه) : شبیه ۲۷ دسامبر - استادیوم ایندیرا گاندی

روز چهارم : جمعه ۲۶ دسامبر - استادیوم ایندیرا گاندی

نظامت جلسه صبح با جناب جیمز نلسون قاضی دادگستری و رئیس محفل روحانی ملی ایالات متحده بود. در این جلسه ایادی

نقش "سولوئیست آواز" ، در میان آنان بودند . صدای دلپذیر و رسانی این گروه فی الواقع استادیوم با آن بزرگی را به حرکت می آورد . آنگاه Kevin Locke با اجرای رقص معروف بومیان (Hoop Dance) حضار را به حیرت و شگفتی انداخت . سپس امراهی بربان هندی برای شرکت کنندگان که کثیری از آنان را بهائیان و غیر بهائیان هندی تشکیل میداد ، توسط جناب Mishra معرفی شد . برنامه جالب دیگر نمایش اسلایدهای " وعده صلح جهانی " بیت العدل اعظم بمنظور استفاده وسایط جمعی بود که شدیداً جالب نظر حضار واقع شد . آنگاه رقصهای Kathak و برنامه موسیقی گروه معروف " دعا " با جراء درآمد و این برنامه تا پاسی از شب ادا مهدامت .

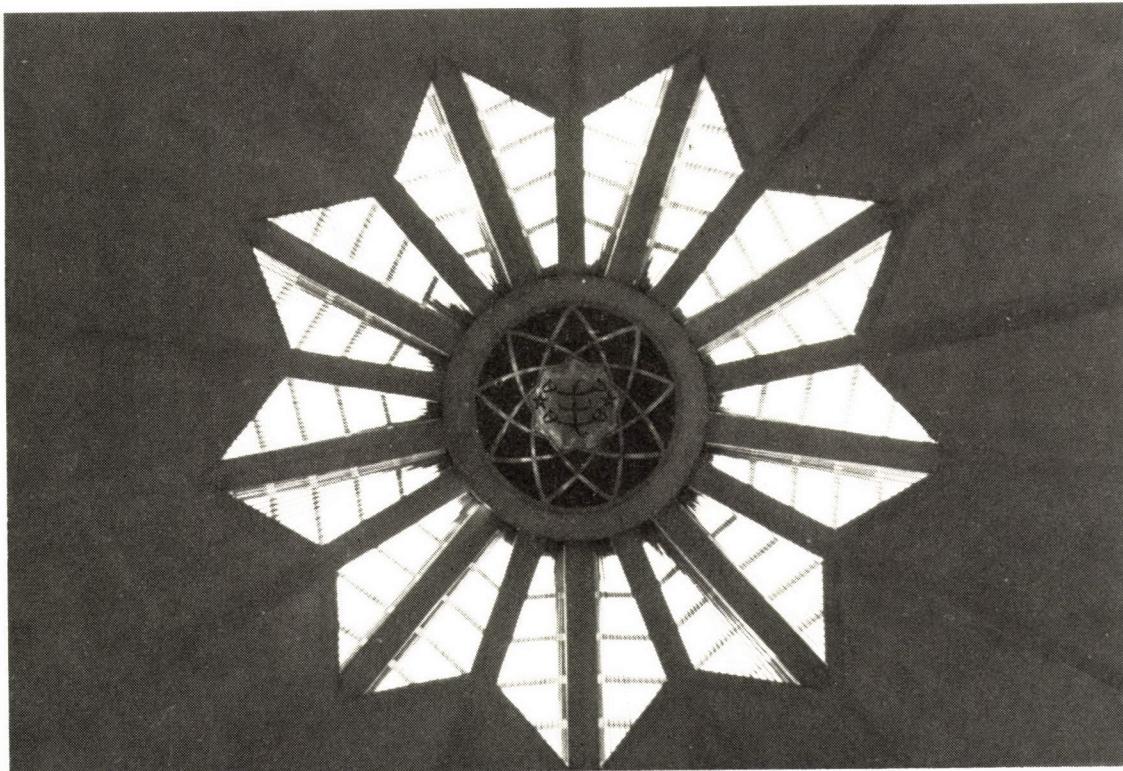
این قسمت از برنامه به شرکت دوستان غیربها ئی اختصاص یافت و بود . تقریباً از ساعت شش عصر جلسه آغاز شد و نظمت آن با سرکار خانم مهرانگیز منصف بود . محصلین مدرسه عصر جدید ، باله " پیروزی صلح " را به نمایش گذاشتند و آهنگهای جالب و متعددی که ساخته و پرداخته دوهنگساز معروف حاضر در کنفرانس ، جنابان بیژن خادم - میشاق و Jack Lenz بود و بوسیله خود ایشان رهبری میشد ، بواسطه نوازندگان و خوانندگان چیره دست و خوش ادائی اجراء گردید که " عهده " خواننده مشهور ایرانی ساکن اسپانیا Jimmy Seals سازنده ، نوازنده و خواننده معروف آمریکائی ساکن کستاریکا ، و دو شیزه سیاه پوست ساکن آلمان Linda Davis در



پرامون حسن افتتاح معبد

گرچه برادر تعطیل تشکیلات بهائی در ایران نماینده‌ای از آن جامعه در مراسم افتتاح حضور نداشت، اما نکات ذیل جالب توجه خاص است:

اولاً—"هزا ران بهائی ایرانی مقیم خارج از سراسر جهان با قلوبی سرشار از محبت خواهان و برادرانشان در مهد امرالله، در این مراسم شرکت نموده و هر لحظه بی‌باد آن عزیزان یودند.



ثانیا"—به سفارش و هزینه یاران ایران فقص اعظم باطل ساخته شده و بیاد یاران ستمدیده مهد امرالله در بالای تالار، زیر طاق لوتوس نصب گشته است که جلوه و جمال آن چشم هر بیننده را، بوبیزه هنگامی که از داستان آن مستحضر شود، خیره و روشن می‌سازد.

ثالثا"—برسم مجری در انجمنهای شور روحانی گذشته، برای افتتاح رسمی معبد، به یاد و بعد یاران شهید، از جانب احبابی مسجون ایران، گلهاي رُز به محل گشایش فرستاده شده بود که در روز افتتاح رسمی در دو گلدان زیبا بنمایش گذاشتند و در روز سوم به عده‌ای از یاران که در تیرعات امریه شرکت نمودند شاخه‌ای از جانب آن عزیزان زندانی و شهید موطن جمال مبارک، اهداء گردید.

— در روز یکشنبه ۲۸ دسامبر ساعت ده و نیم صبح جلسه یادبود باشکوهی بیاد ایادی عزیز امرالله جناب دکتر رحمت‌الله مهاجر علیه‌غفران‌الله، با حضور همسر و فرزند فقید سعید و صدها یاران شرکت کننده در کنفرانس، در صحن حیاط حظیره القدس‌دھلی در زیر چادرهای بزرگی برگزار گردید که در آن ادعیه و مناجات بالسنه فارسی، عربی، هندی، و

انگلیسی توسط تعدادی از حضرات مشاورین قاره‌ای و سایر یاران تلاوت شد و آنگاه حضرت حرم مبارک امّة البهاء روحیه خانم نطق غرّاء و مهیجی درباره ایادی فقید و نحوه ارزش خدمت بآستان الهی بیان داشتند که بدون شک روح پاک آن متصاعد الى الله اکهار ملکوت ایهی ناظر و شاهد آن مراسم بوده، غرق در شادی و سرور ساخته است .

- یکی از یاران کهنسال عرب زبان شرکت‌کننده در جشن که متاء سفانه برادر کمالت نتوانست در برنا مدها حضوریابد، از تخت بیما رستان به گلستان جا وید هند منتقل و با خاک سپرده شد. برای آن متصاعد الى الله نیز سارعتر در حظیره القدس هند جلسه تذکری ترتیب داده شد و جمعی از یاران که در آخرین لحظه اطلاع یافته و هنوز خاک‌هند را ترک ننموده بودند توفیق یافتند در آن شرکت‌کرده به بازماندگان تسلیت‌دهند و موجبات فرج روح آن عزیز از دست رفته را فراهم آورند .

- برای اکثر احباب هندی شرکت‌کننده در جشن که بضاعت پرداخت هزینه‌های نسبتاً سنگین هتل و غذا و امثال آنرا نداشتند، در محل وسیعی که آنرا "Tent City" چادر شهر - نامگذاری کرده بودند تعدادی چادر بزرگ، نصب نموده که مردان دریک ردیف و زنان در ردیف دیگر جای داشتند. یک چادر برای ثبت نام، چادر دیگری برای آشپزخانه و چادرهایی هم برای توالی و استحمام اختصاص یافته بود. یکی از جوانان غربی که تصمیم گرفته بود



در میان برادران هندی بسر برد از کمال روحانیت و صفا و نظم و ترتیب و خوبی غذا تعریف فراوان میکرد .

- همانطور که در متن گزارش‌گاه‌گاه اشاره رفته است، یکی از وجوده اختصاصی و بسیار مهم این جشن عظیم، چه‌هنگام افتتاح رسمی معبد و چه در جلسات متعدد استادیوم ایندیرا

گاندی، غنای موسیقی و آوازهای دستجمعی و برنامه‌های هنری بود که از هرجهت موجبات تحسین هر بیننده و شنونده‌ای، اعم از بهائی و غیربهائی را بر می‌انگیخت. در صحبت کوتاهی که با جناب Jack Lenz داشتیم و قسمت اعظم اطلاعات این گزارش را از ایشان بدست آوردیم بنظر بسیار جالب‌آمد که زمان آماده ساختن تمام گروههای مختلف آوازهای دستجمعی حداً کثیر شش روز آنهم در شهر دهلی‌نو و مقارن ایام گشاش معبد بوده است. شرکت‌کنندگان در برنامه‌های گوناگون "کُر" را ۴۰ نفر غربی، ۴۰ نفر ایرانی، و ۳۰ تن هندی، جمعاً ۱۱۰ نفر تشکیل میداد که از آن‌میان ۲۰ تن از مجریان هندی غیر بهائی بوده‌اند.

با خصار باید گفت که علاوه بر جنابان Ravi Shankar، آهنگساز و سیاست‌مدار معروف و مدیر موسیقی او Ashi Resai از هند، سه تن آهنگساز و رهبر ارکستر از نقاط دیگر جهان بترتیب زیر مسئولیت کل ساختن آهنگها و رهبری گروههای آوازرا بهدهد داشتند:

۱- از استرالیا، آهنگساز معروف و رهبر "کُر" مشرق‌الاذکار سیدنی جناب آقای Tom Price که مسئولیت کلیه برنامه‌های یوم افتتاح رسمی معبد با ایشان بوده‌است.

۲- از اتریش آهنگساز و رهبر گروه معروف به "مطالع الانوار - Dawnbreakers" در اروپا، جناب بیژن خادم میثاق.

۳- از کانادا آهنگساز و رهبر معروف ارکستر، جناب Jack Lenz که علاوه‌با همکاری با جناب خادم میثاق در برنامه‌های کُر، انجام امور موسیقی، و برنامه کودکان نیز با ایشان بوده‌است.

- هوای هندوستان برخلاف تصور عمومی، در این برده از زمان نسبتاً سرد بود و کسانی که دفترچه راهنمای ارسالی را نخوانده و موردنویجه عمل قرار نداده بودند از این بابت احساس ناراحتی میکردند. در بعضی موارد فقط پالتلو و پوشش‌های ضخیم کارساز بود

این رپرتاژ قبل از وصول آمار و اطلاعات کافی و درنهاست تهیه شده تا بموضع به جایخانه برسد و مسلماً "دارای نقاеч و کمبودهایی است. از خوانندگان ارجمند تقاضای عفو و اغماض دارد. ضمناً از دوستا نیکه عکس در اختیار مگذاشتند از حمله دودوستان کانادائی F. Siciliano و W. Presley بسیار سگزارم. ارادتمند: امیرهوشگ مهرآسا

بعد از مراجعت جناب دکتر هوشنگ مهرآسا از کنفرانس افتتاحیه مشرق‌الاذکار هند، با وجود خستگی سفر، هیئت تحریریه عنده‌لیب از ایشان خواستند که گزارش کنفرانس را تهیه نمایند. مشاور ایله درنهاست استعجال مطالب فوق را تهیه و تنظیم نموده که بعلت عدم فرصت کافی ممکن است کامل تهیه نشده و نقاечی در آن ملحوظ باشد. بناءً علیه‌ذا این هیئت از دوستان و یارانیکه در کنفرانس شرکت نموده، و همچنین از مراجع ذیصلاح امری استدعا دارد هرگاه نطقه‌ای ناطقین محترم و ترجمه آنها را در اختیار دارند با عکسهای مربوطه، و با مطالعه که در گزارش ذکر نشده بنظرشان میرسد باین هیئت ارسال دارند تا پس از تنظیم برای اطلاع خوانندگان ارجمند عنده‌لیب مباردت بچاپ شود.

باتقدیم تحيّات بهائی - هیئت تحریریه عنده‌لیب

یک خبر از کانادا

لجهه تبلیغ کِبِک در تابستان ۱۹۸۶ یک برنامه تبلیغی بمدت سه هفته در پنج شهر ایالت کِبِک اجرا نمود که یکی از آنها در شهر کوچک کاسپه 'GASPE' برگزار شد که سرپرستی آن با آقای رزاًقی و خانم‌شان بود . برای این منظور بدوا " کلبه‌ای اجاره و تزئین گردیده و تابلوی بهائی سنتر در بالای آن نصب گردید و اقداماتی بشرح ذیا، انجام شد :

- ۱- چاپ مقاله‌ای با ضافه عکس کلبه و اعضای تیم تبلیغی در روزنامه محلیه.
 - ۲- مصاحبه رادیوئی در رادیوی محلی با یکی از احبابی محلیه.
 - ۳- برپا کردن غرفه صلح مصادف با جشنواره ورود فرانسویان اولیه به کانادا.
 - ۴- ملاقات شهردار و تسلیم بیانیه صلح بیت‌العدل اعظم الکی و مجموعه الـواج مـارکه ملوک که موجب نهایت تشکر آقای شهردار گردیده.
 - ۵- تشکیل غرفه صلح در دو فروشگاه شهر با استفاده از ویدیوی مـنا و جند ویدیوی دیگر و توزیع بیانیه صلح.
 - ۶- ملاقات با یکی از نمایندگان پارلمان و تسلیم بیانیه صلح بیت‌العدا اعظم الـکـی.
 - ۷- افتتاح نمایشگاه نقاشی.

فرهنگ لغات منتخبه

اخيراً محقق ارجمند جناب دکتر ریاض قدیمی اقدام به تاء لیف کتابی بنیام "فرهنگ لغات منتخبه" مشتمل بر ۱۹۰۰۰ لغت عربی و اسم خاص و اصطلاح دینی نموده‌اند که کتاب مزبور بخط موّلّف نوشته شده و بتازگی از چاپ خارج و در دسترس یاران عزیز قرار گرفته است، و حق اینست که چنین تاء لیفی در نوع خود در میان تاء لیفات بهائی تاکنون بی‌سابقه است. بناءً علیهذا انتشار چنین یادگاری را به موّلّف محترم تبریک گفته و مزید موفقیت ایشانرا در نشر معارف بهائی از خداوند مُنان مسئلت مینماییم. ضمناً به یاران رحمانی داشتن چنین کتابی را توصیه نموده و از نظر سهولت در ابتداء، متذکر می‌شود که قیمت کتاب در کانادا ۴۰ دلار کانادائی و در خارج از کانادا ۴۰ دلار آمریکائی است.

برای سفارش خرید یا ران میتوانند بجناب مهندس نجاتی به آدرس زیر مراجعه
فرمایند: Mr. K. Nejati, 23 Jill Crescent, Bramalea, Ont., L6S 3H9, Canada
ساتقدیم تحيات سهائی

احبّار و بشّارات امریّة

داشت از این جهت بمقابلات بهائیان علاقه‌مند است جون میداند آنها در امر خود ثابت و راسخند و میخواهد آنها را حمایت کنده

نامه یک رئیس‌دانشگاه در تقدیر از بیانیه صلح بیت‌العدل اعظم

رئیس‌دانشگاه ماژلان در حنوبی‌ترین نقطه کشور شیلی بعد از دریافت بیانیه صلح بیت‌العدل اعظم در نامه‌ای که به محفا روحانی محلی ارسال داشته چنین مینویسد: "امیداست بهائیان از نشر و تنفیذ عقیده‌ای با چنین مقصد جلیا، که همه ما طالب آن هستیم یعنی صلح حقیقی بین یک ملت که کره، ارض نا میده میشود، موفقیت عظیم حاصل نمایند" و نیز مینویسد: "بنظر من وعده صلح جهانی مفهوم حدیدی بسیار وسیع و عمیق از دیانت و ارتباط آن با موقیتهای نسوع بشر دربر دارد" این طرز فکر که توأم با لطافت و برداشی است در عین حال واجد حقیقت و ثبوت ووضوحی است که لازمه نظریات مربوط به صلح میباشد. شخص حتی بدون آنکه بهائی باشد با افکار اصلیه درمورد نظرم جهانی که پیش‌باد شده موافقت خواهند نمود.

یک دختر بهائی مهاجر آفریقا در قریه‌ای آطفال کوکستان را تعلیمات بهائی میدهد

دختری ایرانی که سه سال است مهاجر زیمبابوه "Zimbabwe" میباشد، بمنتظر سفر تبلیغی در دهات همراه دوست خود سرکار خانم ایران سهیلی که سی سال است در آفریقا خدمت میکند مرتباً "به دهات اطلاع را فرست بولالاویو" "Bulawayo" میرود و همیشه مسرور و خوشحال بر میگردد. این دختر در نامه خود که ۲۰ اوت به ارض اقدس ارسال داشته مینویسد: "از رضوان مسال پیشرفت

حلسه عبادت در مشرق‌الاذکار استرالیا به مناسب سال بین‌المللی صلح سازمان ملل متحد

در ماه اکتبر سرای سال بین‌المللی صلح جلسه دعا در مشرق‌الاذکار منعقد گردید که فرماندار کل استرالیا در آن حضور داشت. ایادی ام‌الله حنا کالیس‌فردستون، فرماندار کل و خانمش را بداخل مشرق‌الاذکار همراهی نمودنده از ۸۵۰ نفر مهمنان امراز بیشوایان اجتماعی، سیاسی و مذهبی، از جمله یک راهب عالی‌رتبه سودایی بودنده بعد از جلسه دعا در جمن حول معبد از حاضرین و مهمنان برای صرف ناها ر پذیرایی شده فرماندار ضمن صحبت با یکی از اعضای محفا ملی اختلاط و امتزاج نفوس را از فرهنگها و ملیت‌های متنوع در جامعه بهائی تقدیر و تمجید نموده

شهردار یکی از سلاطین آلمان بعد از دریافت بیانیه صلح مشتاق ملاقات با بهائیان شهر میگردد

در راتینگن "Ratingen" ، یکی از شهرهای آلمان وقتی بیانیه صلح از طرف محفا روحانی محلی شهردار تسلیم گردید اظهار داشت مایل است جلسه‌ای خصوصی با بهائیان داشته باشد و با جمیع بهائیان راتینگن آشنا شوده این جلسه ترتیب داده شد و سرطیق را پر محفل روحانی ملی بعد از یک جلسه به مدت دو ساعت و نیم شهردار به بیان گفت: "ابتدا من میخواستم فقط یک ساعت برای این ملاقات صرف کنم و اینکه تا این مدت با شما هستم نشان میدهد که از این ملاقات بین‌هاست محظوظ شده‌ام و مایل باز شما را ملاقات نموده برای صلح دعا کنیم" و نیز اظهار

محفل روحانی ملی اوراق تزئید معلومات دریافت میدارند و بعضی برای تبلیغ به دهات مجاور میروند" ه

اخبار و بشارات کوتاه و مختصر:

درسوئیس نمایشگاهی دردانشگاه زوریخ به "Dr. August Forel" افتخار دکترا گوست فورل معروف که عکس او روی اسکناسهای هزار فرانکی سوئیس دیده میشود برگزار شده دکتر فورل محقق طب و علوم طبیعی و نیز یکی از مؤمنین اولیه به امر بهائی در سوئیس بوده است ه در نمایشگاه عباراتی از وصیت‌نامه دکتر فورل راجع به امر بهائی بمعرض نمایش گذاشته شده

در گواتمالا فرستنده تلویزیون دولتی درماه سپتامبر از سرکار خانم نبیلی و جناب سهیل شهیدی نژاد عضو هیئت معاونت دعوت کرد که راجع به صلح برای یک ساعت صحبت کننده! این دومین بار است که بهائیان در تلویزیون راجع به صلح صحبت میکنند

در نروژ محفل روحانی ملی روز ۲۳ اکتبر احتفالی بمناسبت سال بین‌المللی صلح در سالن دانشگاه اوسلو "Oslo" منعقد نمود، همان جائی که دکتر مارتین لوتر کینگ در سال ۱۹۶۴ جایزه صلح نوبل را دریافت داشت "Nobel Peace Prize" ه حاضرین قریب به شصده نفر بودند برنامه‌ای متنوع از سخنرانی و موسیقی اجرا شد و پسر دکتر مارتین لوتر کینگ از طرف مادر خود نطقی ایراد کرد

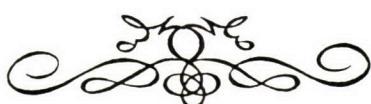
در پاکستان محفل روحانی محلی در حیدرآباد

سریع امر در این نواحی حیرت انگیز است و ما یقین داریم این در نتیجه پیام صلح معهد اعلی است که قلوب را مستعد نموده است ه قریب یک ماه قبل از رضوان به قریه‌ای "Fair Bridge" که یکنفر بهائی در آن بوده با تأییدات الهی در عید رضوان محفل روحانی قریه تشکیل گردید و بهائیان قریه خودشان ضیافات نوزده روزه تشکیل و کلاس درس اخلاق برای سی طفل دارند و یکی از دختران جوان بهدهات اطراف برای تعلیم اطفال میروند ه ما میخواستیم یک مدرسه بهائی در آن قریه دائرکنیم در ضیافات نوزده روزه مشورت شد و قرار شد از نظام دبستانی که نزدیک آن قریه است احازه بگیریم که یکی از اطاقهای دبستان را در اختیار ما بگذارد ه او گفت در دبستان نمیتواند اطاقی بـما بدهد ولی پیشنهاد کرد به کودکستان محل برویم و کودکان را مناجات و سرودهای بهائی یاد بدهیم تأییدات جمال مبارک شا م حـال گردید و کلاسی حاضر و آماده با دو معلم و ۶۶ شاگرد در اختیار امرش گذاشته شد ه حال بشارت میدهم که تمام این ۶۶ کودک در عرض دو هفته مناجات از حفظ کرده‌اند و دو یا سه سرود بهائی یادگرفته‌اند، حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء را میشناست و به محض آنکه ما از اتومبیل پیاده میشویم فریاد الله‌بـهی در آسمان بلند است و اشک شادی از دیدگان ما روانه سـاعـلـمـینـ صـحـبـتـ کـرـدـهـ اـیـمـ وـ کـتـابـ آـنـهاـ دـادـهـ اـیـمـ ، بـرـایـ تصـدـیـقـ حـاضـرـنـدـهـ دـیـشـ باـزـ اـزـ ماـ خـواـهـشـ کـرـدـنـدـ درـ ضـیـافـتـ نـوزـدـهـ رـوزـهـ شـرـکـتـ کـنـدـ هـ کـوـدـکـانـ دورـ آـتـشـ جـمـعـ شـدـهـ سـرـوـدـ "اللهـبـهـیـ" وـ دـعـایـ "هـلـمـنـ مـفـرـجـ غـيرـالـلهـ" رـاـ بـهـ عـربـیـ یـاـ بـهـ زـبـانـ محلـیـ مـیـخـوانـدـنـ هـ هـیـحـانـیـ عـظـیـمـ درـ بـینـ جـمـعـ حـکـمـ فـرـمـاـ بـودـهـ تـمـامـ نـسـوانـ اـزـ

تعداد متحریان حقیقت از دیاد یافت و ۱۸ نفر موئین جدید در ظل امرالله وارد شدند و دو خانواده برای کمک، به تشکیل دو محفا، روحانی محلی جدید تصمیم به مهاجرت گرفتند.

شرکت بهائیان در کنگره جهانی جامعه -
شناسی در هندوستان

یازدهمین کنگره جهانی جامعه شناسی از ۱۸ تا ۲۵ اگوست در دهلی هندوستان منعقد و متجاوز از سه هزار نفر نمایندگان از تمام ممالک عالم از جمله جناب نجات حقیقت نماینده رسمی بهائی در کنفرانس شرکت نمودند. دو همای دیگر دکتر مقبل پور و دکتر اکین چان "Dr. Akin Chan" نیز حضور داشتند و پانصد نسخه بیانه صلح بیت العدل اعظم را بین حاضرین توزیع نمودند. نمایندگان بسیاری از ممالک از جمله بلژیک، دانمارک، انگلیس، فرانسه، ایتالیا، هلند، نروژ، لهستان، اسپانی، روسیه، یوگوسلاوی، بزریل، شیلی، کانادا، ایالات متحده آمریکا، مصر، اردن، ژاپن، کره، تایلند، و نیجریه با مسرت و امتنان آنرا پذیرفتند. دریکی از جلسات موضوع صحبت "نقش دیانت در تاء مین صلح" بود، یکی از حاضرین برخاسته درحالیکه جزو بیانه صلح را در دست داشت اعلام نمود: "بعقیده من این بیانیه صلح که از طرف بهائیان صادر شده عملی ترین و ارزشمندترین وثیقه صلح برای زمان ما میباشد".



توسعه و پیشرفت امرالله در آرژانتین با وجود مخالفت پیشوایان کلیساها در شمال شرقی آرژانتین قبیله‌ای بومی بنام "Toba" سکونت دارد که در یکی از قصبات آن در ۱۰ می با حضور جناب هوپر دنبار "Mr. Hooper Dunbar" "عضو دارالتبیغ بین‌المللی به افتتاح حظیره - القدس ناحیه موفق شدند. از تعداد ۵۴۰۰ نفر افراد این قبیله ۱۵۰۰ نفر در ظل امر وارد شده‌اند و روئسای غالب کلیساها در آن ناحیه بنای مخالفت و ضدیت را گذاشتند. موئین جدید را تهدید کردند ولی بقول جناب دنبار: "بذر بعمق قلوب فرو رفته و هیچ چیز جلوی آنرا نمیتواند بگیرد". حضرت امّة البهاء روحیه خانم هدایایی سرای حظیرة القدس جدید فرستادند که در جواشان این عبارت تلگراف شد: "بذرها که با تشریف فرمائی شما در سال ۶۷ کاشته شدند اکنون شکوفا گشته است".

حضور امّة البهاء حضرت روحیه خانم در مدرسه تابستانه بهائی ایتالیا بیست و پنجمین مدرسه تابستانه بهائی در سیسیا، که در هفته اول سپتامبر دائز سودا حضور امّة البهاء حضرت روحیه خانم و مشاورین قاره‌ای جنایان لئونید رایدر "Mr. Leo Niedereider" و سه راب یوسفیان رونق و روحانیت مخصوصی پیدا کرده حضرت امّة البهاء همراه اعضای محفظه ملی ایتالیا "وعده صلح جهانی" را به رئیس ناحیه سیسیل اهدا نمودند. موضوع دروس را "بهائیان از مدیترانه تا سراسر عالم برای صلح" قرار داده بودند و شرکت هزار نفر بهائیان از ۲۵ مملکت در مدرسه تابستانه فرصت بین‌نظری بود که در تلویزیون محلی و ملی اعلان امرالله تحقق یابد و درنتیجه تعداد متحریان حقیقت از دیاد یافت و

أخبار مصورة



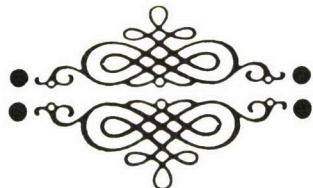
حناب آقای سرتوما س دیویس
"Sir Thomas Davis"
روز سوم اگوست ۱۹۸۶ در
ساختمان بیت العدل اعظم
الهی که مذاکرات ایشان با
بیت العدل اعظم آغاز
گردید به اعضا بیت العدل
اعظم معروف شدند.

پنجم نفر اعماقی بیت العدل
اعظم از جپ برآست: حناب
علی تخریجی، حناب هیو
چانس، حناب ایان سمیل
(یشته دورین)، حناب
گلن فور و محل ۱ کاملاً
دیده نمیشوند)، و حناب
هوشمند فتح اعظم ه

لغوس دیگر در عکس عبارتند
از: خانم تینای هانکوک

"Mrs. Tinai Hancock"
از کشور نیوزلند عضو هیئت
مشاورین قاره‌ای در استرالیا
که راهنمای حناب نخست وزیر
در مسافرت به ارض اقدس
بوده‌اند، حناب دونالدیارت

"Mr. Donald Barrett"
در حاممه حمانی سهائی که
حناب نخست وزیر را باعتصای
بیت العدل اعظم معروف می‌
نمایند.



اولین کنفرانس حوانیان
بهایی نیاں در تاریخ ۱۲۵
اکتبر ۱۹۸۵ که در حدود ۱۲۰
حوان در آن شرکت حسته و
بزرگترین احتمام حاممه
بهایی نیاں بوده است.



سیانیه، ملح بیت العدل اعظم الہی در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۵ء آقای نوربرتو گوئنزالز "Mr. Norberto Gonzalez" کمیسون اقتصادی برای آمریکائی لائین در سانتیاگو با نسخت کشور شیلی بوسله آقای پل او جر مارک "Mr. Paul Ojerman" (افر وسط) نماینده حامعہ، سین الملکی سھائی تسلیم شدہ حاضرین دیگر از جب راست عبارتند از : دکتر الکساندر رائید "Dr. Alexander Reid" نماینده بهائی در مؤسسات غرب دلنشی شیلی و خانم النا والاسکرز "Ms. Elena Velasquez" نائب رئیس محفل ملی شیلی و آقای رائست سی گل "Mr. Robert Siegel" منشی معماں ملی ہے ۔



تسلیم سیانیه ملح بیت العدل اعظم الہی در تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۸۵ء محتاب حورج حامر "Mr. George Chambers" نخست وزیر ترینیداد و توباقو "Trinidad and Tobago" بوسله عضو هیئت معاونت خانم شہار حمال سادہ دو عضو دیگر هیئت از چپ راست آقای ماسینگ آمارسینگ "Mr. Masingh Amarsingh" و آقای دکتر ہاری کلیمور "Dr. Harry Collymore" میباشند ۔

عکس سمت راست

دو عضو محفل روحانی ملی بھائیان جرا بر لیوارد آبلینڈز "Leeward Islands" سیانیه ملح بیت العدل اعظم الہی را بے حاب آقای برد "Mr. V.C. Bird" نخست وزیر آنتی گو "Antigua" و باربودا "Barbuda" تسلیم نمودند ۔



"Crown Prince of Tupot'a" Tonga سیانیه ملح بیت العدل اعظم را از کشور توگا "Tonga" ۲۰ مارچ ۱۹۸۶ء در دفتر حود دریافت داشته اسے ۔ نسلیم "Listiate Maka" یا سهملح توسط مشا ورقہ ای لیستیات ماکا "Latu Maka" "عمل آمدہ اسے ۔ وہ سر ایشان خانم لاتو ماکا "Latu Maka" ہے ۔



سیانیه ملح بیت العدل اعظم الہی در تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۸۵ء "Mr. Ati George Sokomanu" رئیس جمهور وانواتو "Vanuatu" توسط آقای آلک سوالو (Alick Soalo) رئیس محفل روحانی ملی تسلیم گردید ۔





سینه از اعضای محقق روحانی ملی سهایان آلمان در ملاقات یک ساعته خود در تاریخ ۵ دسامبر ۱۹۸۵ سا محضرت رئیس جمهور آلمان غربی حباب ریشارد فون ویتسکر "Mr. Richard Von Weizsäcker" و مذاکره درباره صلح جهانی (بایام بیت العدل اعظم درباره صلح) که دوهفته قبل از ملاقات برای مطالعه رئیس جمهور ارسال شده بود. اسامی از همچنین "Kurt Henseler" رئیس محقق ملی، حضرت رئیس جمهور خانم اینگهورگ فرانکن "Dr. Ingeborg Franken" و جاب دکتر مسعود بر جس نایب رئیس محقق، ملی.



حضرت رئیس جمهور سریلانکا جناب جایا واردن "Mr. J.R. Jayawardene" در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ در کاجراست جمهوری یاسه نماینده جامعه‌ای که تفاوت‌های بین آنان (ملی و نژادی) مورد توجه دقیق ریاست جمهوری فرار گرفت ملاقات کردند. حاضرین از جانب رئیس جمهور سریلانکا، آقای جادر اسکر رئیس جمهور سریلانکا "Mr. M.L.C. Chandrasekera" خانم مریم طائی عضو هیئت معاونت، آقای راویندر را ویندرا "Mr. S. Raveendra" امن صندوق محقق، ملی می‌باشد.

عکس هفت راست

تسلیم سیاست، طرح بیت العدل اعظم الهی کول در اعظم آلمان غربی حباب دکتر هلموت کول "Dr. Helmut Kohl" در عکس از حب راست آقای فردریک کلوبور "Mr. Friedrich Kluber" خانم اوتا فون بوث "Mrs. Uta Von Both" دکتر کول، آقای کریستوفر اسپرانک "Christopher Sprung" منشی محقق، ملی دیده مشونده



خانم بیاتریس اسار "Mrs. Beatrice O. Asare" عضو هیئت مشاورین قاره‌ای در آفریقا حابرهای را که شامل مقداری وحه و یک کتاب می‌باشد به آقای ریشارد جاروی "Mr. Richard Charway" سرنشده حابرهای هنری که یکی از اقدامات جامعه سهایی گانا "Chana" به مناسبت سال بین‌المللی جوانان عمل آمده بوده تسلیم میدارد.





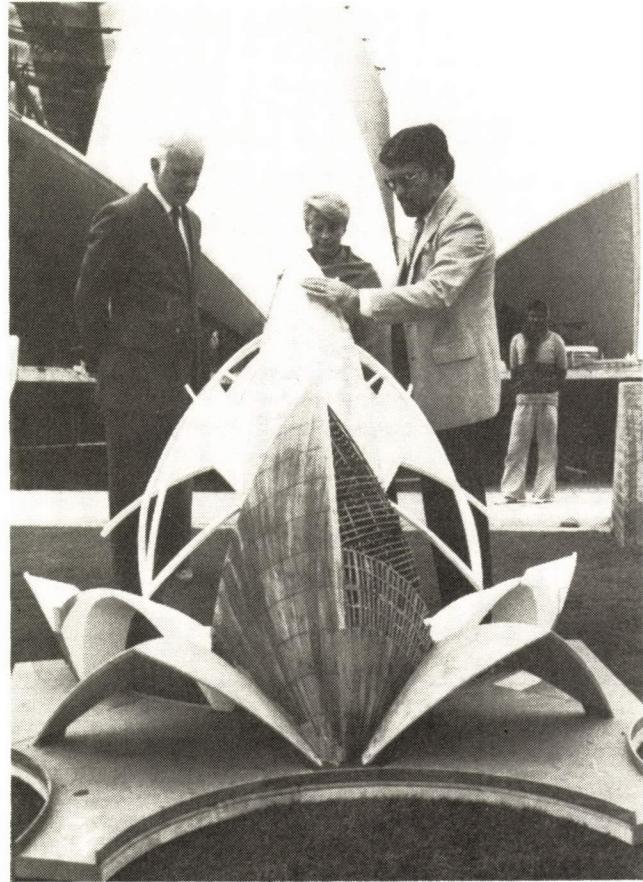
سه عمو محل روحانی ملی سیس کای "Ciskei" در ملاقات با حضرت سب "Mr. L.L. Sbe" رئیس جمهور سیس کای برای تسلیم بیانیه صلح بین العدل اعظم الہی این موقعیت اولین دفعہ ای بود که یک مقام عالی این جمهوری جدیدالتاء سیس نمایندگان جامعه بهائی را پذیرفته است.



تسلیم بیانیه صلح بین العدل اعظم الہی در تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۸۵ سے حضرت کلارنس سکنوت "Clarence Seignoret" رئیس جمهوری دومینیکا "Commonwealth of Dominica" بوسیله اعضای محلی خانم کانی استافان "Connie Astaphan" و آقای دانیال دیدیه "Daniel Didier" و خانم ادبیت سیژن جانسون



وزیر مقدم جبل الطارق جناب سرجوسو آحسن بیانیه صلح بین العدل اعظم الہی را در تاریخ ۶ ژانویه ۱۹۸۶ از دست آقای هرتسوموت گروسمون مشاور قاره ای در اروپا دریافت میدارد انفر دوم سمت جب اه س نفر نمایندگان اسپانیائی جامعه بهائی لالینا La Linea " بیز حضور دارند



در عکس سالا آقای فریبرز صها مهندس مشرق الاذکار هندوستان هنگام توضیح بنای ساختمان به نماینده عالی کاتادا آقای ولنام واردن "William Warden" و خانم دیده مشوده



نخست وزیر سریلانکا جناب راما سنگھ پر ماداسا بیت العدل اعظم الہی را در تاریخ سوم ژانویه ۱۹۸۶ از نمایندگان محلی آقای لال فرناندو "Mr. Lal Fernando" و آقای ساما داسنگھ "Mr. Samadasinghe" و آقای سیواتاسان "Mr. Sivathasan" دریافت میدارد

آگهی انجمن مطالعات بحثی

۱

بدينوسيله باطلاع احبابی عزيزايراني بخصوص بستگان و دوستان نزديک شهدای اخیر امر در ايران ميرساند که موئسسه بين المللي بهائي بهداشت در صدد است کتابی "شرح زندگاني و خدمات طبي و علمي پزشگان بهائي و ساير کارکنان و محققين امور طبي و بهداشتی که در سالهای اخیر در ايران بدرجه شهادت فائز شده‌اند تهیه و بدوزبان فارسي و انگلبي‌سي چاپ و منتشر نماید. بيت العدل اعظم الهی ضمن مرقومه‌اي اين تصميم موئسسه را مورد تمجيد قرارداده و اظهار اميدواری فرموده‌اند که چنین کتابی نه تنها وسیله‌اي برای اعلاه کلمة الله خواهد شد بلکه بمنزله منبعی از اطلاعات مهم درمورد اين نفوس که جان خود را درسبيل امر نثار نموده‌اند خواهد بود.

نظر به اهميت اين موضوع تقاضا ميشود اطلاعات موثق و کاملي را که احبابی عزيز درمورد شرح زندگاني و خصوصا "درمورد تحصيلات عاليه و رشته‌های تخصص و سالیان خدمت در عالم طب و يا رشته‌های مربوطه (پرستاری، داروسازی وغیره) ازاين نفوس نفیسه دارند برای ما ارسال فرمایند. اگر شخص موردنظر در دانشگاهی تدریس مینموده و يا با مور تحقیقا علمی مشغول بوده، مطلوب دوران خدمت، مدارک و درجات علمی و رشته تخصص او ذکر شود. بعضی از پزشگان شهید، قسمتی از تحصیلات خود را در مراکز علمی و دانشگاهی خارج از ايران باتمام رسانیده بودند، اگر اطلاعاتی در اين زمينه موجود است و يا مدارکی دردست است که حاکی از ترقیات علمی و درجات عاليه، اين نفوس درمود سسات مربوطه ميباشد، يا ارسال يك نسخه از آن مارا مطلع فرمائید. دربعضی موارد ممکن است "Curriculum Vitae" از اشخاص شهید موجود باشد که در اين صورت يك كپی آنرا بضميمه عکسهاي که بالخصوص در محيط های خدمت طبی و حرفه‌اي آنها برداشت شده است ارسال داريد و نيز تا آنجا که ممکن است مارا از جزئيات دستگيري و زندان و شرح شهادت اين عزيزان حافظان امر مطلع فرمائید. بدويهی است چون اين کتاب فصلی از تاریخ امر شده و سندیت پیدا خواهد کرد، اطلاعات ارسالی با يستی درنهایت دقیق و صحت و از منابع موثق تهیه و ارسال شده باشد.

نهایت تشکر را از همکاریهاي باران عزيز داريم. لطفا" اينگونه اطلاعات را به آدرس ذيل ارسال فرمائيد:

Baha'i International Health Agency
c/o A.M. Ghadirian, M.D.
627 Ave. Mitchell
Mont-Royal, Quebec
H3R 1L5 Canada



نامه‌های از هشتاد

۱- حنا ب هوشنج گهر ریز نیزه‌ای از نصوص الهیه را در مورد مشرق‌الاذکار مبنای است افتتاح ام‌المعابد هندوستان تهیه و ارسال داشته‌اند که یکی از بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء مندرج در مقاله ایشان ذیلاً "زیب‌این اوراق میگردد، قول‌العزیز: "مشرق‌الاذکار مغناطیس تائید پروردگار است". همچنین حنا ب گهر ریز دومقاله یکی‌عنوان "همراهان سبیل وفا" (اصحاب حنا ب قدوس و حنا ب باب‌الباب) درباره یاران راستان 'یران و بلایا وارد ببر ایشان، و دیگری عنوان "تسلیم و رضا توکل و تفویض" تهیه و ارسال داشته‌اند که هردو مقاله مستند بالواح‌الهیه و آثار متعالیه قدسیه می‌باشد، لذا در مواقع مقتضی مسورد استفاده قرار خواهد گرفت. از لطف ایشان بینهاست سپاسگزاریم.

۲- حنا ب کمال‌الدین رئوفی شرح حال حنا ب آقای عبدالوهاب ذبیحی را بنقا از صفحه ۵۵۳ الی ۵۳۹ کتاب مصابیح هدایت‌حد نهم تالیف فاضل فقید امرالله حنا ب سلیمانی علیه‌رضوان‌الله نوشته و فرستاده‌اند. ضمن تشرک از لطف ایشان مطالعه این شرح حال حالت را که مطبوع است، بحمیع یاران توصیه مینماییم.

همچنین حنا ب رئوفی مختصر شرحی راجع به کتاب شاعر ماهر وادیب ، متصاعد الى الله، حنا ب سید غلام‌رضا روحانی علیه‌رضوان‌الله مرقوم داشته‌اند که در موقع مقتضی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. ضمناً یکی از اشعار ایشان را که دارای لطافتی مخصوص است فرستاده‌اند که ذیلاً در مجله عنده‌لیت چاپ و نشر گردید.

۳- سرکار روحیه خانم درخشنای بنا بر ذوق و شوق اشعاری که حاوی اسمی شهدا و اخیر امرالله است سروده‌اند و صدر آنرا مزین به دو بیت از اشعار حمال مبارک نموده‌اند و این دو بیت اینست، قول‌العزیزانه:

گر خیال حان همی هست بدلاً ینجا میا
رسم ره اینست گروصل بها داری طلب

۴- سرکار پروانه خانم عسکرپور قطعه‌شعری از مادرگرامی خویش فرستاده‌اند که مطلع آن چنین است: ای شهید ای رایت‌عشق ای شهید ای رایت‌عشق.

۵- حنا ب فواد اشرف، همکار عزیز و گرامی که ترجمه اخبار بین‌المللی مندرج در محله عنده‌لیب قریب با تفاق از ایشان است، ضمن نامه بیکی از اعضای هیئت تحریریه نوشته‌اند: "میخواهم حریان ملاقات یک‌عائله بهائی حقیقی را که هفته گذشته نصب‌بنده برای شما نقل نمایم . . . "، ضمن نقل داستان باختصار متذکر شده‌اند: "شرح حال، این دختر

ملکوی را در ناطرات ایام مهاجرت خود نوشته‌ام اگر بخواهید برای درجه در محله باعکس برایتان می‌فرستم". دوست‌عزیز مگر نشیده‌ای "درکارخیر حاجت‌هیچ استخاره نیست".

۶- یکی از دو سمعتیان ضمن نامه‌ای پیشنهاد نموده‌اند که القاب مانند جناب، ناشر نفحات، و غیره از جلو اسامی نویسنده‌گان بعلت آنکه تعارفات است و از نظر ژورنالیسم درست نیست حذف گردد. البته نظر هیئت تحریریه اینست که القاب تعارف نیست، بلکه آداب بهائی است که در آثار الهیه نیز کرارا خطاب با فراد صادر گردیده، بنابراین رویه حاری مورد تائید هیئت می‌باشد. معهذا هرگاه قبل از این بندرت کلمه القاب از قلم افتاده این امر ناشی از اشتباه در موقع تنظیم و چاپ یوده است.

- قسمتی از نامه مورخ ۲ اکتبر ۱۹۸۶ مشاور محترم حناب دکتر هدایت‌الله احمدیه از پلیز خطاب به یکی از اعضای هیئت تحریریه عنده‌لیب: "... بسته‌ای حاوی عنده‌لیب ... و اصل و شب و روز حان و دل این مشتاقان رضوان و این عبد ناتوان را به آثار مبارکه مندرجه تازه و شرح حال شهدای عزیز ایران روحی جدید بخشیده و در قسمتهایی از مقالات جالب آنکه بوسیله نفوس مبارکه مرقوم گشته لذت فراوان برده و می‌پریم. حقیقت مطلب این است که عنده‌لیب بوسیله همت‌عالیه هیئت تحریریه آن نغمه‌ای بدیع میسرایدکه روح و روان ایران ستمدیده ایران را در اقطار جهان مهتر و شاد و امیدوار می‌سازد، در اسرار و حقایق امریه و آثار مبارکه و اعمال و رفتار فدائیان و عشاق جمال معبدود آگاه، و به نوایا و پیامهای مبارکه معهد اعلی و مرجع معصوم اهل بها بیت‌العدل اعظم مطلع و پرانتیه می‌فرماید ... از وقتی که مجلات عنده‌لیب و اصل شده‌اند مطالیشان مورد بحث در منزل، یادوستی و احبابی عزیز است ..." .

دادرچه روی یار کی حسن منظره
در لاله زا رعشق بر پا سست کنگره
پارامنه توهم بیرون زدایرہ
با اهل اگهی میکن مشاوره
زآن نور پرسرو رآ فاق یکسنه
آوازه دارد با زبیرون زحنحره
کرزآن منور است سرتا سرکنه
گا هی بمیمنه گاهی بمیسنه
از غیر حق مداریح و مذاکنه
دوری محوز مهر ما نند شب پنه
نا دیدن لقا است از عف با صرہ
گردد بس آسیا ب ما نند فرفنه
شمیزی با سپریا خود با زرہ
تا کی مخا صمه تا کی مکا نرہ
تا کی شودنها ن در چا هسا مسره
بر هر که میرسد همچون جبا بسره
با تیغ آبدار به مر مشاوره
دین گشته مبتلا با صدم مخاطرہ
عاقل کن دیقین دیوانه مسخره

ما ه ارشود عیان از پشت پنجه ره
ای گل عدا رعش آمد بها رعش سق
عا شق نهد قدم ببردا يره ق سدم
تا چند پا نهی در تیه گمره سی
گوئی که کوه طور افشار ندهنا رون ور
بلبل بسور زوسا زبا صوت دل سواز
آن مهر انور است خورشید خا و راست
چون شیرا رژنه کم زن تویک تن سه
تخم هوس مکار رو برهوا می سار
آن مهر بر سپهر رخشن بود بجه ر
نشنیدن نداست از ثقل سا معنه
از خون که آن جناب ریزد رشیخ و شاب
بر سب پر شرکی می کندا شر
با حق معانده دار دچه فای سده
آن ما ه آسمان شداد رزمین عیان
گفتی که می کشد شمشیر و می کشد
گیرم بکار رزا ربرا سب شد سوار
از بس بمغزها او ها م کرده جسا
روحانیا قرین، با علم شد چودی سین



'ANDALÍB

